

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

# بیکار

۹۱

۳۶ صفحه

سال دوم - دوشنبه ۶ بهمن ۱۳۵۹ بهای ۴۰۰ ریال

کارگران، زحمتکشان، توده‌های مبارز!

سالگرد قیام خونین ۲۲ بهمن را  
زیر پرچم سرخ کمونیستها  
هر چه باشکوهرتر برگزار کنیم

## حقیقت و واقعیه سفارت را چه کسی به توده‌ها گفت؟

۹ صفحه

### پیام

## پیام آیت الله خمینی: پیام عجز

ساعتی پس از پایان گرفتن سناریوی عوامفریبا نه "گروگان-گیری" جاسوسان آمریکا بی پیام مهمی از سوی آیت الله خمینی خطاب به مردم، ارتش و نیروهای مسلح ما در گردید. اهمیت این پیام نه تنها در مضمون آن بلکه همچنین در شرایط و لحظاتی است که این پیام در می شود. مدور این پیام اندکی پس از خروج گروگانهای آمریکا از ایران و در شرایطی صورت میگیرد که رژیم جمهوری اسلامی را مواجی از حصران اقتصادی و سیاسی فرا گرفته و بیش از هر موقع دیگر عجز در ما ندگی خود را از بر آوردن خواسته های اساسی توده ها به اثبات رسانده است. این پیام در شرایطی از سوی خمینی ما در می شود که نما ییش مضحک و عوامفریبا نه "فدا مبریا - لیست بودن" رژیم جمهوری اسلامی به پایان رسیده و خمینی و رژیم حاکم، در تگرافی و وحشت از افزایش نا رضایتی عمومی با وج - گیری مبارزات توده ای و سر - نوشت حیات سیاسی خود هستند. این پیام که بیانگر ترس و وحشت رژیم از شدت باری مبارزه طبقاتی و اوچگیری جنبش توده ای است و بخش اول آن دستورالعملی است برای ارتش و سپاه پاسداران جهت سرکوب هر چه بیشتر جنبش توده ای و نیروهای بقیه در صفحه ۲

### کوس رسوائی خلخالی در فضای جمهوری اسلامی بصدا در آمد!

۲۴ صفحه

یاد رفیق  
پیشمرگه  
بیکارگر شهید  
صادق بهمنی گرامی باد



۵ صفحه

### دو سیاست روبرویو پیوسته در قبال مجاهدین: در پیوزگی چاپلوسی و کینه توزی

۱۱ صفحه

### نگاهی به تجارب یکسال ونیمه کانون شوراهای کارگری شرق تهران

۴ صفحه

در صحاح دکترانی شماره ۱۵:

- من میهمان پیشمرگه ها بودم صفحه ۵
- فساد و فحشا در سپاه پاسداران نوشهر صفحه ۱۵
- "خط سوم": خطی بدنبال ارتجاع حاکم! صفحه ۱۳
- بیانیه گروه انقلابیون مارکسیست - لنینیست (بیکار خلق) صفحه ۲۵

### کیفر خواست انقلاب علیه ضد انقلاب

در این شماره:

### هاشمی رفسنجانی - دکتر یزدی

۱۹ صفحه

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحہ اول **سرمقاله** ...

انقلابی، اما نکته اساسی وجوه اصلی این پیام که دقیقاً نظارت بر شرایط و موقعیت سیاسی حاکم بر جامعه را در عیار رست از برخورد کاملاً عاجزانه و ملتسانه خمینی و رژیم حاکم زنیرو هوسای انقلابی و اتخاذ سیاست عقب نشینی آنکسار از موضع تنها جمعی گذشته! خمینی در قسمتی از پیام خود میگوید:

"این جانب به حسب وظیفه اسلامی و اخلاقی به گروهی که داخل کشوراً عملاً زهران و کردستان و سایرین و حتی ایران در هر نقطه که هستند پدیده توصیه می‌کنم که به آغوش اسلام و ملت مسلمان بزرگوار و سلاحهای خود را کنار گذاشته با برادران و خواهران خود آشتی کنید، در این صورت این - جانب به همه آنان تا مابین می‌دهم که ما می‌توانیم با صلح و صفا به کشور خودتان خدمت کنید و بسمه جمهوری اسلامی و فداکاریها بیدیه یکس مزاحمتها نخواهد شد، هر چیز بهتر از این است که در محیط صلح و صفا بر قشرهای ملت درباراً سازی کشور عزیزمان که در اثر حکومت سالهای طولانی رژیم منحط پهلوی (رژیم جمهوری اسلامی چطور؟ - پیکار) به خرابی کشیده است با کار و کوشش اقدام نمائید و چنانچه تا آفر است... گروهی که با بازی خورده تحت تاثیر بعضی متحرفین واقع شده و کارشکنی کنند... چه بهتر از امروز که درهای رحمت نهارند بزرگ بر روی شما باز است... (که تنها دو نمونه آن محاصره اقمنا می کردستان و جلوسگیری از ورود مواد غذایی به شهرها و گشتار و قتل عام زنان، کودکان و بزرگسالان روستاهای کردستان نظیر قلاتان، ایندرفا... و... میباید! - پیکار) (بمقوف فشرده ملت بیپیتودید و در پناه اسلام سوده خاطر بزندگی شرافتمندان خود را مدهید." (کیهان اول - بهمن ۵۹).

هرگز اندک توجهی به نکات بالا بنماید، بخوبی در مییابید که خمینی و رژیم جمهوری اسلامی تا چه حد در برابر بحران اقتصادی و سیاسی جامعه و فشار جنبش خودهای و تشادهای درونی هیات حاکمه دچار ضعف و استیصال هستند، تا آنجا که به گروهی انقلابی "بدرانه" توصیه میکنند سلاحهای خود را کنار گذاشته و با رژیم جمهوری اسلامی کنار بیایند! از زمان قیام مدینه سو در کنار سیاست عمومی سرکوب، رژیم جمهوری اسلامی تنها یکبار ردیکرو آنهم پس از شکست مفتضحانه ارتش و سپاه پاسداران در جریان جنگ اول کردستان، به چنین شکلی در برابر فشار جنبش خودهای از خود عاجز و درماندگی نشان میدهد. رژیم جمهوری اسلامی که در طول این دو سال، هرگونه مقاومت و حرکت انقلابی را در تمامی نقاط ایران بشدت سرکوب کرده است، هم اکنون که بیش از هر زمان دیگر در برابرنا رضایتی عمومی و مبارزات او جکیرنده خودها قرار گرفته

سخن از "صلح و صفا" و "زندگی شرافتمندان" به میگوید و خواهان باریدن درهای ما صلح رحمت بر روی گروههای انقلابی میگردد!

در این نکته ما می این جمله برداریم از سوی آیت الله خمینی در وعی بین نیست و ضمیر دا موکلس رژیم جمهوری اسلامی همچنان بر سر توده های زحمتکشان ما آویخته خواهد ماند، کوچکترین تردیدی نمیتوان داشت و اینرا کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم ما بسوست و گوشت خود در طول این دو سال لمسی کرده اند و ما برینکات مندرج در همین پیام اخیر خمینی نیز آنجا که ما هشدار و اخطار به توده ها از آنان میخواستیم که دست از با خطا نکنند و از ارتش و سپاه پاسداران را بسروقتشان خواهند فرستاد، جمله که در تا شید همین ساله است، اما همانطور که اشاره کردیم، نکته برجسته این پیام نه تا کمدری ما له سرکوب، بلکه بر روی جنبه عوام فریبانه صلح و سازش و اصطلاح کنار آمدن با رژیم جمهوری اسلامی است. و این نیست مگر در نتیجه اعتلا انقلابی جنبش توده ها و ضعف و ناتوانی و عدم امکان رژیم به تثبیت قدرت خود سرکوب متحرک جنبش توده های

ما در گذشته و بویژه در هفته های اخیر از این ساله سخن گفتیم و با تحلیل ارتش و صلح و وضعیت قدرت سیاسی و صلح جنبش توده های، توضیح دادیم که این جنبش توده های درستی از اعتلا انقلابی بسرمیبرد و هر روز که میگذرد توده های وسیعی از کارگران و زحمتکشان و توده های خلق ما با فروریختن تومشان نسبت به رژیم جمهوری اسلامی، از آن کشنده میشوند و این بشوید خود شد و گسترش با زهم بیشتر جنبش توده های را از یکسو ضعف و ناتوانی رژیم را از سوی دیگر بدنیا خواهد داشت. هم اکنون پیام اول دیماه خمینی و آنچه که در بالا از آن یاد کردیم، مهر ناشیدی است بر صحت نظرات گذشته ما و تا کیست مجددی است برنا توانی و در مانندگی رژیم جمهوری اسلامی از دستبایی به تمرکز قدرت سیاسی و امکان سرکوب متحرک و همه جا نیسه جنبش توده های.

بیامای خیر خمینی در عین حال و علیرغم تمام می رجز خاوشنها و دستورالعملهایش بسه ارتش و سپاه پاسداران دربار سرکوب جنبش توده های و انقلابی، حقانیت تا کشتیک تعرضی ما را نیز در عرصه های مختلف جنبش نشان داد و ثابت نمود که در شرایط اعتلا انقلابی هرگونه حرکت تعرضی و تهاجمی، همانند آنچه در اول اردیبهشت ۲۳ دیماه در ارتباط با مسئله دانشکده و جنبش انقلابی دانشجویی صورت گرفت دشمن را یک گام به عقب رانده و متقابلاً جنبش توده های و انقلابی را با شتاب بیشتری به پیش میراند.

ما زمان ما با حرکت از تحلیل فوق و با

اعتقاد کامل به ضرورت در پیش گرفتن تاکتیک تعرضی و با درس آموزی از تجارب راهپیمایی ۲۳ دیماه، بر آن است تا بهیمر اهدیکر نیروهای کمونیستی، دومین سالگرد قیام را با برگزاری تظاهرات و راهپیمایی در تهران و شهرستانها هر چه با شکوه تر برگزار کنند، این راهپیمایی نشانی قدرت صف نیروهای کمونیستی در برابر صف ارتجاع و تهاجمی نیروهای رویزیونیستی و فدا انقلابی و پشت محکمی است بردها و یاره - کویان و رویزیونیستهای رنگارنگ خودهای، اکثریتی و سهجانی و کامی است در جهت مطرح ساختن آلترنا تیک کمونیستی و خط سرخ پرولتاریائی.

کارگران، زحمتکشان، توده های مبارز! سالگرد قیام خونین ۲۲ بهمن را زیر پرچم سرخ کمونیستها هر چه با شکوه تر برگزار کنیم

**ملاقات مجدد  
"اکثریتی" های خائن با  
"سخنگوی دولت"**

در ماه گذشته، فرخ نگهدار و علی کشتکار از سرکردگان رویزیونیستهای مرتد "اکثریت" در ادامه آستانوشی شان در "بارگاه" رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و برای اثبات چاکریشان نسبت به جناح ارتجاعی "حزب جمهوری اسلامی" و مذاکره در مورد "ماوریتها" احتمالاً (؟) در منزل بهزاد نبوی سخنگوی دولت رجائی مرتجع بمدت چندین ساعت با وی ملاقات میکنند رویزیونیستها از جمله با گدائی از ارتجاع قصد دریافت اجازه فعالیت سیاسی "فانونی" را دارند و از قرار معلوم برای انتشار نشریه ای علمی با رژیم به توافقاتی رسیده اند.

بهزاد نبوی از "اکثریتی" های خائن بر نامه اقتصادی خواسته و رویزیونیستهای "اکثریت" ضمن پیشنهادها در نامه شان خواهان اجرای طرح ۶ ماده ای در کردستان (منظور طرح ۶ ماده ای خائنه مشترک با حزب دمکرات برای زیر پا گذاشتن منافع خلق کرد میباشند). کردیده اند که نبوی مرتجع پاسخ داده تا قلع و قمع "کامل گروهها (بخوانید خلق قهرمان کرد و سازمانهای انقلابی) هیچ طرح و برنامهای در آنجا اجرا نخواهد شد (زهی خیال باطل!)".

رویزیونیستهای مرتد "اکثریت" خیلی زود تجارب ارتجاعی "حزب توده" را در خیانت به منافع زحمتکشان و انقلاب توده ها با دگر گرفته و یکبار می پسندند، آنان دشمنان قسم خورده خلقهای زحمتکش هستند و با فدا و طرد گردند.

**برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق**

# جنبش کارگری



## اخبار کوتاه کارگری

### باپلسو:

روز ۵۹/۱۰/۱۵ کارگران کا رخا نه فیبر با پلسو برای دریافت مساعده خود اجتماع کردند.

کارفرما طبق معمول جنگ را بهانه کرده و از سریدن مواد اولیه صحبت میکند، اما کارگران که فشار روزافزون مخارج کمزگن زندگی آنها را بستوه آورده بود، فریب او را نخوردند و مصرا نه حق خود را طلب کرده و کارفرما را تهدید نمودند که اگر مساعده شان را ندهد در کارخانه خود اهندما اندو اجاز خروج به او را هم نخواهند داد. بالاخره کارفرما مجبور میشود ۲۵ هزار تومان بودجه "دادگاها انقلاب" را به کارگران بابت مساعده بپردازد. لازم به تذکر است که از چند ماه پیش که مدیر خصوصی کارخانه خراج می-شود، مدیریت آن بدست "دادگاها انقلاب" می افتد، که بعطت بی توجهی اینها کارخانه در آستانه تعطیلی قرار میگیرد و حتی در تاریخ ۱۰/۱ / کارخانه عملا تعطیل میشود، اما مبارزه کارگران برای نجات از بیگانه شدن و دریافت حقوق و مزایا نشان میدهد که کارگران ادا مدارد، تاکنون مانع تعطیلی کارخانه گردیده است.

### کنسرو سازی قاشق شهر:

اخیرا مدیرعامل کارخانه مطرح کرده است که چون در گذشته بکارگران دانه می، زیاده سود داده اند، در ماه جاری (دی ماه)، تعدادی از حقوقشان کم کنند. بطوریکه از حقوق بعضی از کارگران تا ۳۰۰۰ تومان کسر میشود. این گفته موجب اعتراض کارگران میشود. آنها از مدیرعامل میخواستند که در جلسه عمومی برای ایشان توضیح دهد ولی مدیرعامل از ترس کارگران به بهانه بیماری تاکنون از این عمل خودداری نموده است. کارگران هم نامه ای به تهران فرستاده اند تا در این مورد تحقیق کند.

### دارو پنخش تهران:

شماره جدید بکارگران شیشه شوی این کارخانه موجب گردیده بود که کارکنان ر قسمت بسته بندی عقب بیا افتند. این امر موجب گردید که مدیر تولید کارخانه اقدام به اخراج ۴ تن از کارگران زحمتکش شیشه شوی بنما بد. اما سایر کارگران با حمایت قاطع از برادران خود، گوشه ای از قدرت عظیم طبقه کارگر را به نمایش گذاشتند و مدیر را وادار به عقب نشینی میکنند.

(بنتقل از "پیک دا روسا" نشریه کارگران تولیدارو، عبیدی، شیمیکو، دویا، آوی آی ۰۰۰)

## کارخانه بایر: چگونه رویزونیستهای اکثریت مبارزات کارگران را به سازش میکشانند؟

در دوتوبت هر بار یکما دستمزد کارگران تصمیم میگیرند یعنی اعتراض از گرفتن این مبلغ خودداری نمایند، اما کارفرما که از طریق عوامش از این تصمیم کارگران با خبر میشود بقیه در صفحه ۸

کارگران کارخانه بایر خواهان دریافت ۴ ماه سود ویژه هستند، اما مدیر دولتی کارخانه با توسل به قوانین ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی، عنوان میکند که فقط ۲ ماه دستمزد بعنوان پاداش به کارگران خواهد داد. آنهم

## کم کردن حقوق کارگران به بهانه جنگ و مبارزه کارگران

### ● زیر آب:

میخواهند که حقوقشان را طلب نکنند. اما کارگران مبارزه موقع به افشای آنها و عوامفریبی های رژیم برداشته میگویند: در جنگ فرزندان ما کارگران و زحمتکشان کشته میشوند و مخارج جنگ را ما می پردازیم در حالیکه سرمایه داران کشته میشوند و نه از سودشان کم میشود ما دیگر فریب این حرفها را نمیخوریم!

کارگران اعلام میکنند که اگر خواهان استیفا را نپذیرند اتمام خواهد کرد. خواهانهای کارگران عبارت بودند از: پرداخت ۱۲۰۰ تومان اجرای طرح طبقه بندی مشاغل به سود کارگران، گرفتن ۲۲ ساعت اضافی کاری و گرفتن حقوق دوروز برای پنجشنبه ها.

مهندسین رژیم که شکاری و اتحاد کارگران را میببینند اظهار میکنند که کارهای نیستند. بنا بر این چندتن از نمایندگان کارگران به همراه این چهارتن به تهران می آیند و سرانجام موفق میشوند دولت را وادار به عقب نشینی نمایند. ولی بعد از مدتی مدیرعامل مسئله حقوق دوروز در پنجشنبه ها را نمی پذیرد، اما کارگران همچنان یکپارچه روی خواست خود پافشاری میکنند و مبارزه شان کارگران ادا مدارد.

(ب) - لازم به تذکر است که اغلب کمکهای جنسی مردم به جنگزدگان توسط دولت به آنها فروخته میشود! سرنوشت کمکهای نقدی هم معلوم نیست که چه میشود!؟

در آغاز جنگ رژیم توانست با سوء استفاده از توهمات کارگران در عرض ۲۴ ساعت ۱۶ تن خواروباء رومبلغ ۱۲۰۰۰۰۰ تومان پول به نام کمک به آوارگان جنگ (ب) از کارگران جمع آوری کند. دو ماه بعد هم صندوقی برای کمک به جنگ زدگان گذاشتند که با زهر کارگر میلیتی در آن ریخت اخبار با زبانه جنگ اعلام کرده اند که دولت بودجه ندارد و بنا بر این از این به بعد مبلغ ۱۲۰۰ تومان از حقوق کارگران کم میشود. کارگران که کمکهای مذکور را از روی نوع دوستی میدادند و فکر میکردند که بدست مومنان جنگزده شان خواهد رسید، اینبار متوجه سوء استفاده دولت از احساسات نوع دوستان شده و دهان به اعتراض گشودند. آنها همگی جمع شده و به رئیس معدن میگویند: اگر تا ۲۴ ساعت وضع ما را روشن نکنی در معدن را بسته و مانع ورود تو و همکارانت به معدن میشویم، رئیس معدن که با خشم و یکپارچگی کارگران مواجه می-شود از آنها سه روز مهلت میخواهد. بعد از سه روز چهار مهندس از تهران می آیند (که یک نفرشان رئیس معدن کرمان میباشند که بعطت اعمال ضد کارگری مورد حمله کارگران کرمان قرار گرفت و در این جریان محافظش کشته میشود. بعدا به تهران می آید و معاون مدیرعامل ذوب آهن ایران میشود!)

این چهار نفر همطور که انتظار میرفت با صحبت از جنگ وضع بد مملکت و... از کارگران

## پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

# دریپهای جنبش کارگری



وابسته را بیهوده میگیرد، رشدها رزات کارگری را در مقابل منافع خود دیده و به انواع طرق در - صد سرکوب و به انحراف کشاندن آن بر میآید حمله به تحصن و راهیما شیهای کارگران بیکار و شاغل و دستگیری و کشتار آنان از یکسو و اذیت زدن به تبلیغات غوا مفریبا نه مبنی بر "فسد انقلابی" خواندن کارگران مبارز و نیروهای کمونیست و انقلابی از سوی دیگر، از جمله اعمال سرکوبگرانه و فاسد مردمی رژیم جمهوری اسلامی بود که در کنار سرکوب سایر توده های انقلابی صورت میگرفت .

مع ذلک کارگران به مبارزات خود ادامه داده و در زمینه ایجاد تشکیلات کارگری گامهای قابل توجهی برداشته اند، که علیرغم ضعفها و نارسا شیهایشان، تجاربی گرانبها برای طبقه کارگر ایران به حساب میآیند. از جمله این تشکیلات، میتوان از "کانون شورا های متحد"، سندیکا کارگران پروژه های آبادان، تشکلات "خانه کارگر" و "کانون شورا های شرق تهران"، نام برد که بررسی چگونگی روند تشکیل هر یک و نقاط ضعف و قوت آنان بسیار لازم و بجا ارزش است. ما در اینجا سعی میکنیم به بررسی تجارب "کانون شورا های شرق" بپردازیم:

## کانون شوراها چیست و زمینه پیدایش آن کدامند؟

بعد از قیام موری کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی، که کماکان ماهیتی سرمایه دارانه داشته بعلت تداوم بحران اقتصادی جامعه، علیرغم توهمنو دهها نسبت به رژیم که منجر به اذیت نسبی مبارزانشان گردید، مبارزات کارگران در اشکال مختلف ادامه یافت (اخراج کارفرمایان و بدست گرفتن کنترل بخشی از کارخانجات توسط کارگران، تظاهرات کارگران بیکار و...) ولی رفته رفته این نمونه ها نیز مورد سرکوب قرار میگرفت و ضرورت اشکال نوین مبارزاتی و تغییر تشکلات کارگران بوجود آمده به همین دلیل سندیکاهایی بوجود آمده نام "شورا" بر روی آنها بود. اما از آنجا که این شوراها از دل مبارزات انقلابی توده ها برخاسته بودند عناصر مبارز و انقلابی را در خود جمع کرده بودند و لذا رژیم پادشاهی و سرمایه داری وابسته در صدد سرکوبی آنها و جایگزینی تشکلات دست نشانده خود بجای آنها برآمد. بنا براین با تصویب قوانین ضد کارگری از یکسو و سرکوبی ارگانهای واقعی کارگری از سوی دیگر، رژیم تلاش نمود تا قصد خود را به مرحله اجراء آورد، اما این یورش ارتجاع با مقاومت کارگران و فرو پاشی روزافزون توهمنشان مواجه گردید. مبارزات کارگران اگرچه غالباً اقتصادی بود، ولیسی کماکان ادامه یافت. این مبارزات اشکال نوینی از تشکلات طبقه کارگر را می طلبید، که از جمله آنها اتحادیه های کارگری (کانون شوراها) بود.

## نگاهی به تجارب یکساله و نیمه کانون شورا های کارگری شرق تهران (۱)

بیکر قوت رژیم سلطنتی وارد آورد، اما مدت کوتاهی نگذشت که در زمان رژیم شاه، غالباً از تشکلات صنفی - سیاسی خود محروم بودند. اغلب سندیکاهای اتحادیه های آن زمان، تشکلات زرد و فرمایشی ساخته و پرداخته ساواک بودند. گرچه نیاز به تشکیلات واقعی روز بروز بیشتر احساس میشد ولی وجود تشکلات ضد کارگری زمینه سی - اعتمادی کارگران را نسبت به تشکلات کارگری بوجود آورده بود. این امر به پراکنندگی طبقه کارگر و اذیت از سوی ساواک و مأموران در میآید.

اعتدالی انقلابی و بعد از آن بوجود آمدن موقعیت انقلابی در جامعه، تا شیروزیای بر روی جنبش کارگری میگذاشت. تشکلات مختلف کارگری یکی پس از دیگری در عرصه مبارزه تشکلی میگیرند و رهبری مبارزات توده های کارگر را بدوش میکشند، اما نبود سازمانی از انقلابیون کمونیست که رابطه تنگاتنگی با طبقه کارگر داشته باشد و در جریان مبارزه آبدیده شده و رهبری مبارزات را بر عهده بگیرد، باعث می شود علل تعیین کننده و همچنین کم تجربگی و جوانی طبقه کارگر، مانع از آن میگردد که مهر رهبری این طبقه بر پیشانی انقلاب خورده شود. اما بهر حال دوران انقلابی مذکور، دوران شکوفایی جنبش کارگری و دوران رشدها و نهایی کارگری بود. توده های کارگری شور و شوق از تشکلات کارگری استقبال میکنند و پیشروان طبقه نیز به سازمانهای سیاسی جذب میشوند، که این امر بنوبه خود در تقویت تشکیلات توده ای کارگری موثر واقع میشود چرا که عنصر آگاهی تاحدودی در این تشکلات وارد میشود.

کارگران که طبقه سرمایه دار را متزلزل و زخم خورده می بینند دست به تفرقات متفاوت بر علیه آنها میزنند و امتیازاتی کسب میکنند در برخی از کارخانجات کارگران کارفرمایان را از کارخانه اخراج کرده و خود به اعمال نظارت و کنترل کارگری میپردازند. وجود سرمایه و فاسد سرمایه داران را تشدید می شود و اوچ خود را در تظاهرات با شکوه اول ماه مه سال ۵۸ به نمایش میکشاند. رژیم جدید که وظیفه پادشاهی و تحکیم سرمایه داری

"کارگری به تنهایی ناتوان و در مقابل سرمایه داران که ما شین را بکار میگیرد، بی دفاع است. کارگری باید به هر قیمتی که شده است و شامل مقاومت در برابر سرمایه داران باشد تا از خود دفاع کند، و این وسیله را در سازمان میآید. او به تنهایی ناتوان است. کارگری و تشکیلاتی رفقا پیش از زمان یافت قدرتی میشود و قسا در است که با سرمایه داران ربه نبرد بپردازد و در مقابل حمله او مقاومت کند." (لنین - اتحادیه های کارگری).

رشد سرمایه داری در ایران و غلبه مناسبات سرمایه داری وابسته بنوعی مناسبات حاکم برجای آمده، بعد از فرم امپریالیستی شاه در سال ۴۱، موجب رشد طبقه کارگران ایران گردید. دهقانان ورشکسته و بی زمین بسوی شهرها روان گشته و مبدل به سپاه ذخیره کارگردیدند. سرمایه های امپریالیستی به کشورهای غربی رفته و به همراه سرمایه های داخلی در صدد استفاده هر چه بیشتر از این نیروی عظیم کارگران، برآمدند کسب مافوق سودهای کلان امپریالیستی از یکطرف و تجار بی حساب منابع زیرزمینی کشور (بخصوص نفت) از طرف دیگر، لزوم برقراری یک حکومت سرکوبگر و خشن را برای امپریالیستها بیشتر می نمود. بدین لحاظ موجودیت رژیم پهلوی چون رژیم شاه خائن و دیکتاتور عربی نشی از ویژگیهای دوران رشد سرمایه داری در ایران است. این امر مانع بزرگی بر سر راه آگاهی و تشکلات طبقه کارگران ایران ایجاد نمود. علاوه بر این ریشه دهقانی داشتن اغلب کارگران و بی مهارت دیگر جوانی طبقه کارگر که از لحاظ کمی رشد چشمگیری داشت، نیز مانع هماهنگی این رشد با تشکلات و آگاهی این طبقه بود. حال اگر در کنار این عوامل ضعف شدید و انحرافات حاکم بر جنبش کمونیستی ایران را نیز اضافه کنیم علل مبارزات خود بخودی طبقه کارگر در طول سالهای اخیر، بهتر در خواهم یافت.

مع ذلک مبارزات کارگران چه در دوران اختناق رژیم شاه که عمدتاً بصورت صنفی بوده و به سرکوبی آن منتهی میگردد، و چه در دوران طوفانهای انقلابی اخیر که ضربات زیادی بر

# خلق ها و مسئله ملی



## خاطره تحمین یک ماهه مردم دلاور سنندج پر شکوه باد

۱۱ دی ماه امسال، اولین سالگرد تحمین تاریخی مردم دلاور سنندج است. سال پیش در چنین روزی پاسداران ارتجاع مستقر در بانگاه افسران سنندج در ادامه اعمال فدمردمی خودو خشمگین از زفرت توده ها نسبت به خود و حضور پیشمرگان در شهر، بدون دلیل و بها نه دست به تیراندازی بطرف مردم شهر زدند و چها رفتن را بشها دت رساندند و باعث مجروح شدن عسده ای دیگر گردیدند. این عمل وحشیانه چنان خشم و نفرتی در میان مردم شهر بوجود آورد که از فردای آنروز تمام منازعه ها و ادارات شهر تعطیل شد و مردم به تحمین در استان داری دست زدند. آنها خواها ن خروج پاسداران جنایتکار از شهر بودند. به این ترتیب اعتبار عمومی تمام شهر را فرا گرفت. تحمین و اعتبار عمومی مردم دلاور سنندج علیرغم تمام تلاشهای مذبحا نسه ارتجاع حاکم برای به شکست کشاندن آن یکماه ادا مه پیدا نمود و بالاخره نیز با موفقیت آنها

با بیان پذیرفت، این بیروزی مشت محکمی بسردها ن ارتجاع حاکم و بیباک تکر قدرت لایزال توده ها بود مردم مصمم سنندج در این تحمین و اعتبار عمومی آبدیده شدند و یکبار دیگر قدرت و عزمت آهنین خویش را در ادامه مبارزه و مقاومت پر شکوه اربیبشتند و مقابل سرکوبگران ضد خلق نشان دادند. اکنون سنندج بعد از تقدیم صدها شهید و مجروح در راه پیروزی جنبش مقاومت در زیر چکمه مزدوران رنگارنگ رژیم جمهوری اسلامی همچنان به مقاومت و مبارزه خود ادامه میدهند. ما ضمن بزرگداشت اولین سالگرد تحمین پر شکوه مردم سنندج در سال گذشته خاطره تمام شهدای این شهر دلاور پرور را گرامی میداریم و مطمئنیم که مردم قهرمان این شهر یکبار دیگر عزم و اراده بولادین خویش را در مبارزه علیه ارتجاع حاکم نشان خواهند داد. دوستندج را به گورستان مزدوران آن تبدیل خواهند نمود. (پیکار رگردستان شماره ۵)

## یاد رفیق پیشمرگه پیکارگر شهید صادق بهمنی گرامی باد

اطلاع یافتیم که پیکارگر دلیبر پیشمرگه قهرمان رفیق صادق بهمنی در کما میاران بشها دت رسیده است. ما ضمن گرامی داشت خاطر رفیق صادق، مشروح زندگی پرافتخار و رشاد را از مبارزه و جیان شهدا دتش را متعاقبا به اطلاع خواهیم رساند. درود بر تمامی شهدای جنبش مقاومت خلق کرد!

## عملیات نظامی پیشمرگان انقلابی پیکار

۵۹/۱۰/۱۶ - یک دسته از پیشمرگان قهرمان سازمان پیکار (دسته شهید تیمور) در پی چند روز کمین گذاری درجا ده سقر - با نه موفق شدن در یک ستون شامل ۷ کامیون ارتشی را که از سقرز بطرف با نه حرکت مینمود به کمین بیاندا زند. اولین کامیون زیل که با نارنجک انداز و سلاح های سبک مورد حمله قرار گرفت از کار افتاد و تمامی سرنشینان آن کشته و زخمی گردیدند. درگیری با نیروهای ارتشی و پاسدار ریش از یک ساعت ادا مه داشت و پیشمرگان موفق شدند فرباتی دیگر بر نیروهای سرکوبگر رژیم فسد خلقی وارد آورند. بطوریکه ستون مجبور به بازگشت به سقر گردید. در این حمله بیش از ۹ نفر از افراد ارتش ضد خلقی و پاسداران ارتجاع کشته و زخمی گردیدند. تمامی پیشمرگان به سلامت به پایگاههای خود بازگشتند و در مسیر عبور خود مورد استقبال توده های زحمتکش روستائی قرار گرفتند.

### ● مهیاد

۵۹/۱۰/۲۰ - عصر این روز یک دسته از پیشمرگان قهرمان سازمان پیکار به شهر مها با دوا رد شدند. پیشمرگان بیش از یک ساعت در یکی از مناطق شهر دست به تبلیغ و افشاگری زدند که با استقبال اهالی منطقه روبرو شدند. پیشمرگان ما هیت رژیم و عملکردهای مشخص آنرا در شهر مها با دفاشا نموده و پیرامون ما هیت ارتجاعی هر دو جناح هیات حاکمه و علل اختلافات آنها توضیحاتی دادند.

سپس پیشمرگان قهرمان حدود ساعت ۹/۳۰ شب به مقرسبا هیا سداران و جاشها در خانیا ت حمله نموده و با نارنجک انداز و سلاحهای سبک

## من میهمان پیشمرگه ها بودم

خاطرات یک ارتشی، از دستگیری و اقامتش در کنار پیشمرگه های کومله

ولی پیشمرگه ها آنها را به خوشردی دعوت می کردند و میگفتند "جنگ ما با یدمثل خودمان مقدس باشد".

بعد از چند ساعت درجای دیگری، در دفتر کومله بودم. به گذشته و حال خود فکر میکردم. میگفتم "تمام رنج ها را باید ما فقیر بیچاره ها تحمل کنیم" به حال آرام گرفتیم و وضع برایم کمی عادی شد. به علت کمی جا و لگرها و چاقو - کتان و... را به اطاق ما میا آوردند. با آنها به مهربانیت صحبت میکردند و راهنمایی شان می کردند. دعوایشان را حل و فصل میکردند و این برای من تازگی داشت. احساس کردم که این "سازمان" در بین مردم خیلی جا دارد جای من هم مشخص شد و مقررات محلی را هم برایم توضیح دادند. در یک دره مستقر شدیم و درجا مکانی نشان

"درا و خرفورودین ماه امسال بعد از اینکه ارتش بیبانه "دفاع" از مرزها، کردستان را مورد تهاجم قرار داد ما را نیز با بوق و کرنا برای مبارزه با فساد انقلاب و "جنگ با کفار" و "عملیات بعث عراق" روانه کردستان کردند. اغلب سربازها و درجه داران حاضر به کشتار خلق گردیدند. فرماندهان دستور حمله به شهر را میدادند و بسا تهدیدخواست خود را عملی میساختند. شام بودم که درجه داری را که ضربه تیراندازی نبود در برابر برچسبان وحشت زده ما با سلاح کمتری کشتند اما من سرنوشت دیگری داشتم به دست پیشمرگان "کومله" دستگیر شدیم و دفترچه خاطراتم بگونه ای دیگر ورق خورد. هنگام انتقال بیباکانه پیشمرگه ها، از شهر... گذر کردیم چهره های خشمگین مردم را دیدم که با شوق و کشتار عزیزان نشان بدست ارتش میخواستند به من حمله کنند

بقیه در صفحه ۶

## حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



● **مربوان**

۵۹/۱۰/۴ - دودسته از پیشمرگان سازمان پیکا ربا خمیاره و سلاحهای سبک به پایگاه نیروهای دشمن در "تیژ تیز" حمله نمودند.

نیروهای ضدخلقی در پی این ضربه پیشمرگان قهرمان، درحالی که وحشتزده شده بودند، بدون هدف مشخص مناطق اطراف را با سلاحهای سنگین کوبیدند.

● **سقز**

۵۹/۱۰/۹ - ستونی از نیروهای سرکوبگر متشکل از ۷ کامیون ارتشی و یک آمبولانس که بوسیله ۲ هلیکوپتر اسکورت میگردد به روستاهای "کوندلان" و "مرخوز" در اطراف سقز یورش آوردند. این ستون که با سلاح قصد "پاکسازی" داشت دوشن از روستایان زحمتکش آبا دی "مرخوز" را به اسارت گرفت. پیشمرگان پیکا رکه در منطقه مستقر میباشند به محض شنیدن خبر حمله نیروهای رژیم به روستاها بطرف منطقه استقرار این نیروها حرکت نمودند و در روستاهای بین راه مورد استقبال وسیع توده ها قرار گرفتند. اما نیروهای سرکوبگر رژیم قبیل از رسیدن پیشمرگان به منطقه روستاها را ترک نموده و به پایگاههای خود عقب نشینی نموده بودند.

در این جریان روحیه مبارزاتی مردم بسیار خوب بود. زنان روستائی همان شب به پختن نان پرداختند تا در صورت درگیری، مواد غذایی به پیشمرگان برسانند. این امر نشان دهنده پیوندناگسستن توده های زحمتکش با پیشمرگان انقلابی میباشد.

(پیکا رکردستان شماره ۵)

● **حمله پیشمرگان کومله به مقر پاسداران در مهاباد**

۵۹/۱۰/۱۵ - در این روز چهار دسته از پیشمرگان کومله به شهر مهاباد دوا رده دست به پخش اعلامیه و خبرنا مه زدند که با استقبال وسیع زحمتکشان شهروبروگردیدند. پیشمرگان سپس بعد از نیمه شب با سلاحهای سبک و سنگین حمله دلورانه ای را به مقر پاسداران و ارتجاع مستقر در ماکرونیو، رادیو و تلویزیون آغاز نمودند. که پیش از دو ساعت بطول انجامید. در جریان این حمله ضربات سنگینی بر نیروهای سرکوبگر وارد آمد. بعد از این حمله پیشمرگان با روحیه ای عالی درحالی که سرود میخواندند همگی به سلامت شهر را ترک نموده و به پایگاههای خود بازگشتند.

(پیکا رکردستان شماره ۵)

● **بقیه از صفحه ۵ من میفشان...**

اما مکانات رفاهی در اختیارمان بود، البته بطوریکه ن. زندگی در میان پیشمرگه بسیاری از حقایق را که برای ما و رونه جلوه داده بودند، روشن کرد. به صداقت پیشمرگه ها بی میبردیم و سعی میکردم از رفتار و گفتارشان بیاموزم. می- دیدم نسانهای خوبی که با داشتن مدرک دکتری مهندسی و شغل های چون استادی دانشگاه، قضاوت و... حقوق های خوب و زندگی راحت را در شهرها ول کرده و با اینجا آمده اند و آستین با لا زده و به روستاها میروند، آنها را ما چنان در مسان میکشند، به درد دلشان گوش میدهند و... به آنها علاقه مند میشدم و در مقابلشان احساس شسرم میکردم. با فروتنی در کنار ما کار میکردند، برای ساختن خانه سنگ جمع میکردند، با ما غذا می- خوردند. با دیگر فرقی که خوب زندگی کردن را بیاموزیم، برای تهیه غذا، ما هیچکس نمیگردیم در روپنجره ها را میساختیم. هر کس چیزی میدانست به دیگری یاد میدادیم. کلمات اولیه، با نسمان و تزییفات را بخوبی یاد گرفتیم. اگر پیشمرگه ای کوچکترین خطائی میکردیدون ترس در جلسه انتقادی مطرح میکردیم و پاسخ منطقی دریافت میکردیم.

نظم و ترتیب کارها را شیفته خود کرده بود. آنان بر راستی زبان گویای مردم کردستان بودند و بهترین دلیل در دل شهری و روستائی و تمام مردم زحمتکش کردستان جای داشتند. ما از زندگی و مبارزه آنان میا موختیم ما هیبت عملکردهای رژیم کم کم برایش روشن میشد. زندگی گذشته ما در ارتش در پیش چشم من میگردید و به پیونده بودن آن بی میبردیم. در یادهاست که ارتش ذره ای برای ما ارزش قائل نیست. علنا به خانوادها من گفته بودند که بهیچوجه جا ضربه میادله گروگانها نیستند.

در کلاسهای آموزشی، آگاهی سیاسی کسب میکردیم، واقعیتها را بهتر درک میکردیم - توانائی های تجزیه و تحلیل گذشته و حال خود

را پیدا میکردیم. حرفهای پیشمرگه ها بدلایمان می نشست. به ماهیت انقلابی کومله، سازمانهای دیگری را، وحدت انقلابی و... بی میبردیم. از رفتارهای صمیمانه آنها با هم، مفهوم واقعی رفاهت را یاد میگرفتم و با بی بردن به خواستهای مردم کرد و در اثر نزدیکی روزمره با پیشمرگه ها به آنها ایمان میا وریم. میدیدیم که چگونه حزب توده و چریکهای فدائی "اکثریت" با جاپلوسی و قبیاحتیه به هیبت حاکمه و فحاشی به انقلابیون کرد، به مردم کردستان خیانت می- کنند.

تسلیمات دروغین رژیم و حزب توده در مورد همکاری این سازمانهای انقلابی با عراق برایمان در عمل روشن میشد. پیشمرگه های قهرمان همچنان که به هیبت حاکمه ارتجاعی کینه داشتند، از دولتهای ارتجاعی و از جمله عراق نیز متنفر میبودند. حتی شنیدن رادیو عراق و ادرا کردستان تحریم کرده بودند. ادعاهای بوج هیات حاکمه و خائنین حزب توده در مورد آسلیحه گرفتن کومله از بعضی ها "برای هموار کردن راه سرکوب جنبش کردستان است. تمام سلاحهای پیشمرگه ها سلاحهای ارتشی بود، آنها را ما دره کرده بودند. حتی در میان آنها توپ و تانک هم وجود داشت. در آمدن سلاحهای نظامی را بخوبی میشناسم. مقداری هم سلاحهای روسی نظیر کلاشینکف داشتند که از کردهای عراق بقیمت نازل خریده و علیه رژیم شاه بکار برده بودند.

پیشمرگه ها میگفتند ما همانطور که با ارتش و پاسداران ارتجاع ایران میجنگیم، در مقابل رژیم ارتجاعی عراق هم می ایستیم. در حرفها - نشان جرقه های پیروزی را میدیدم.

بعد از هفت ماه که مهمان پیشمرگه ها بودم در حالیکه شناخت واقعیتها روشنائی بخش آینده ام بود، با اراده و ایمانی آهنین به پیروزی زحمتکشان، بر میگشتم تا زندگی نویسی را از سر بگیرم. من از تاریکی و جهل بیرون آمدم و آنرا مدیون خلق قهرمان کردستم. ۵۹/۹/۲۴

● **بعثیهای فاشیست بار دیگر کاروانیان بی دفاع را به گلوله بستند**

عراق را به شهادت رسانده اند. همانطور که قبلا به اطلاعتان رسانیدیم چندین پیش فاشیستهای جمهوری اسلامی روستای "هلوی" را بگلوله بستند و نفر را بشهادت رسانده و نفر از زخمی نمودند. بدنبال این حادثه دردناک عده ای از زخمیها به بیمارستان سردشت برده شدند ولی بنا به دستور فرماندار چنانچکه رسدشت که سبک پاسداران است از مداوای آنها خودداری کردند و در همان حال به با زجوشی از آنان برداشتند.

اینگونه اعمال چنانچکه را به با عسکرت رسوائی هر چه بیشتر رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی در منطقه است.

(بمنقل از خبرنا مه کومله شماره ۱۰۵)

چندی پیش عده ای از اهالی روستاهای مرزی منطقه سردشت جهت خریدما بیجان زندگی به مرز ایران و عراق میروند که در هنگام بازگشت بین روستاهای "کاشی شینگ" و "دیلو" در مرز به کمین مزدوران بعث افتاد و مورد هجوم واقع شدند. در این حمله یکتا از کاروانیان بنام "احمد ملاره شه" توسط مزدوران بعث دستگیر و پس از اغارت دارا شیشوی را همانجا بشهادت رساندند. بقیه کاروانیان موفق به فرار شدند ولی سیازان بعث ۲۰ الی ۳۰ را ساقط کرده - ایشان را تلف کردند.

بعثیهای مزدور در طول ماههای گذشته بارها مرتکب این جنایات شده اند و تا کنون تعداد زیادی از کاروانیان کردستان ایران و



بقیه از صفحه ۴ گماهی ...

اما مسئله مهم اینجا است که اتحادیه‌ها و تشکلات کارگران، بعد از قیام مبرجها، اساس بوده و از چهره عوامی تبعیت میکنند؟ لنین آموزگار ریسزرتک طبقه کارگر میگوید:

"در آغاز فعالیت سندیکائی، کارگران هر حرفه در یک سندیکا متشکل میشوند، ولی به تدریج سرمایه داری، تمرکز سرمایه و تولید تجمع گروهیهای مختلف سرمایه داری در بخشهای مهم صنعتی ایجاد کارتلها، تراستها و... انحصارات عمودی واقعی... سندیکاهای مختلفی که بر حسب حرفه‌های گوناگون بوجود آمده بودند، در سازمانهای صنفی بزرگتری مجتمع گشتند. منطبق مبارزه طبقاتی کارگران را بسوی تشکیل سندیکا بر حسب رشته‌های صنعتی سوق داد." (\*)

بنابراین اولاً با بدو وضعیت مشخص سرمایه داری، تمرکز سرمایه و تولید، رادرجریان تشکیل سندیکاها و اتحادیه‌ها در نظر داشت و ثانیاً با بدو جهت ایجاد سندیکاها و اتحادیه‌ها، هائی بر مبنای رشته‌های صنعتی حرکت نمود، مثلاً در ایران رشته صنعت نفت شکل خاص خود را داشته است که بر اثر ضرورت مبارزه بوجود آمده است، اما رشته‌های دیگری نظیر حمل و نقل و راه آهن، ساختمان، ماشین سازی و ترمینال سازی، صنایع ریستنگی و پانفندی و... اتحادیه‌های خود را تشکیل داده اند.

بطور کلی باید دید که کدامیک از این رشته‌های صنعتی دارای کارفرمایان متشکل نیز میباشند، یک نظر اجمالی به وضعیت سرمایه داری در ایران پس از قیام نشان میدهد که اولاً بعلت فرار احیاناً صنایع بزرگ، اکثریت این صنایع در دست دولت متمرکز شده است، ثانیاً دولت در برخی از صنایع که روبرو و رنکستی میرفتندولی کارفرمایان آنها باقی مانده بودند، سهمیم شده است، ثانیاً در بخشهای دیگری مثل داروسازی که کارکنان متعلق به سرمایه‌های امپریالیستی هستند، مدیران دولتی را بکارگزارانده اند، بنا بر این میتوان گفت که دولت هم اکنون بر بیشترین رشته‌های صنعت و تولید تسلط مستقیم دارد و وحدت و تشکل کارفرمایان صنعتی در دولت متجلی است، بنا بر این در اکثر مراکز و واحدهای تولیدی کارگران مواجه و در دولت هستند.

چه رشته‌هایی کارگران بخشهای مختلف را بیکدیگر پیوند میدهد؟

باید دید بین کارگرانی که از نظر موقعیت اقتصادی و آگاهی طبقاتی در سطوح مختلفی قرار دارند، چه زمینه‌ای برای اتحاد وجود دارد؟ مثلاً کارگران بعضی از کارخانجات توانستند تا

۵ ماهه سودویژه دریافت کنند چرا لیکه به کارگران ساختمانی اصلاً سودویژه‌ای تعلق نمیگیرد. کارگران کارخانجات کم و بیش از حق مسکن، سرویس ایاب و ذهاب، ناها زخوری، بیمه، کار دا شو ما بر مزایا استفا ده میکنند، در حالیکه کارگران ساختمانی از بسیاری از این مزایا محرومند، همچنین بسیاری تفاوتی دیگر. حال باید دید که جمع شدن کارگران از واحدهای مختلف صنعتی و تولیدی در یک تشکل مانند کارگران شوراهای از روی چه ضرورتی صورت میگیرد و در رشته‌های پیوند میان این کارگران کدامند؟ مسئله را در موارد مشخص مورد مطالعه قرار میدهم:

مسائل اقتصادی:

اینگونه مسائل را سه دسته می توان تقسیم نمود: نخست خواسته‌های اقتصادی که در شرایط مشخص یک کارخانه مطرح میشوند مانند گرفتن حق مسکن ۷۵۰ تومان در ماه، که علی‌رغم آنکه تحت تاثیر شریک جنبش طبقه کارگر میباشند، ولی در هر کارخانه تشکل خاصی بروز میکند، نوع دوم مبارزه حول شعارهاست که هر ساله بصورت دوره‌ای طرح میشوند و جنبه عمومی دارند مانند سودویژه و افزایش دستمزد.

الف - نوع اول: این مبارزات حتماً روی کارخانجات متناهی اثر میگذارد مثلاً کارگران کارخانجات سیما "چون با کارگران ایران" تا سیونال "شرایط و اوضاع مشترکی را می یابند، لذا مبارزات اقتصادی آنها را دنبال میکنند و بالعکس.

فرعاً با بالا رفتن حق مسکن در یکی، حتماً روی دیگری تاثیر میگذارد و کارگران این یکی را نیز طلب افزایش حق مسکن می نمایند، اما این افزایش حق مسکن روی کارگران دیگر

نظیر کارگران ساختمانی، بسیار کم اثر است. مثلاً در کارخانهای کارگران تحت تاثیر آشنائی با یک کارخانه مواد غذایی که کارگزارانش از مزایائی نسبتاً بالایی برخوردارند، خواستار حق مسکن بیشتر میشوند ولی شما بنده خود فروخته - شان تحت این عنوان که "اگر در آن کارخانه کارگران ۷۵۰ تومان حق مسکن میگیرند، بخاطر فروش سرام آ و مواد غذایی است و وضعیت بسیار کارخانه ما فرق دارد!" کارگران راقانع میکنند در صورتیکه اگر کارگران تحت تاثیر هم رشته خود بودند، حتماً با فشاری بیشتری برای کسب حق مسکن بیشتر میگردند.

بدین ترتیب با مشاهده ترکیب کارکنان شوراهای می بینیم که این تشکل کارگری، از کارگزاران حتماً نمی گرفته تا کارگر معدن، کارگر بیکار و کارگران واحدهای صنعتی، همگی را گرد خود آورده بود، بنا بر این طبیعی بود که مسائل مشخص و مشترکشان بسیار کم باشد و لذا نمی توانست پیوند مستحکمی بین کارگران برقرار کند.

ب - نوع دوم: مسائل مبارزاتی کارگران مانند سودویژه یا افزایش دستمزد، میتواند کارگران را از هر رشته صنعتی حول خود جمع کند اما مسئله اینجا است که چگونه تشکلاتی برای سازماندهی مبارزات کارگران لازمست؟ لنین کبیر در این باره میگوید:

"تنها سازماندهی، توده‌ها در عرصه جنبش‌ها است که به حد کافی میتواند کارگران را بسیج کند و آنها را برای پیروزی نهائی آماده سازد، اهمیت عمل توده‌ها تنها در نتایج و شمرا ت بلاواسطه آن نیست، بلکه بطور عمده در این است که توده‌های کارگر را بسیج و متشکل میکند." (در باره سندیکائی طبقه‌ای).

بنابراین، این سوال پیش میاید که دلیل وجودی تشکلاتی چون "کارگران شوراهای شرق" که از تجمع ناممکن کارگران تشکیل شده است، چیست؟ یا کارگران میتوانند وظیفه یک اتحادیه واقعی یعنی رهبری مبارزات طبقاتی کارگران را با چنین ترکیبی انجام دهد؟ یا قادر است به تعرض علیه بورژوازی یا بخشهای از آن بپردازد یا اینکه تنها میتوانند احکامات تدافعی داشته باشند؟

در برتنا عمل بین الملل سندیکائی که در جنبش آمده است: "سندیکاهای حرفه‌ای (ای-ای) انجمنها در ره اول افرادیک صنف مشخص را در بر میگیرند و از همین رو صنفی گری تشکل - نظراته، نقطه حرکت تشکیل سندیکاهای کارگری شد. (که در طول سالیان درازی بوجود آمده بودند تبدیل به ارگانهای دفاعی طبقه کارگر شدند، سندیکاهای در اشکال جنبینی خود متدو قها و

(\*) - در باره سندیکائی طبقه‌ای صفحه ۲۲ - تا کیدها از ما است.

Advertisement for 'Pikar' newspaper. It features the title 'منتشر شد' (Published) and 'راهپیمایی ۱۳۰۵ هجری قمری' (1305 Hijri Pilgrimage). The ad includes the newspaper's name 'پیکار' and its address 'مجلس شورای اسلامی، تهران'. It also mentions 'کمیته ضد انقلاب' (Anti-Revolution Committee) and 'روزی یک شماره' (One issue per day). The ad is framed with a decorative border.

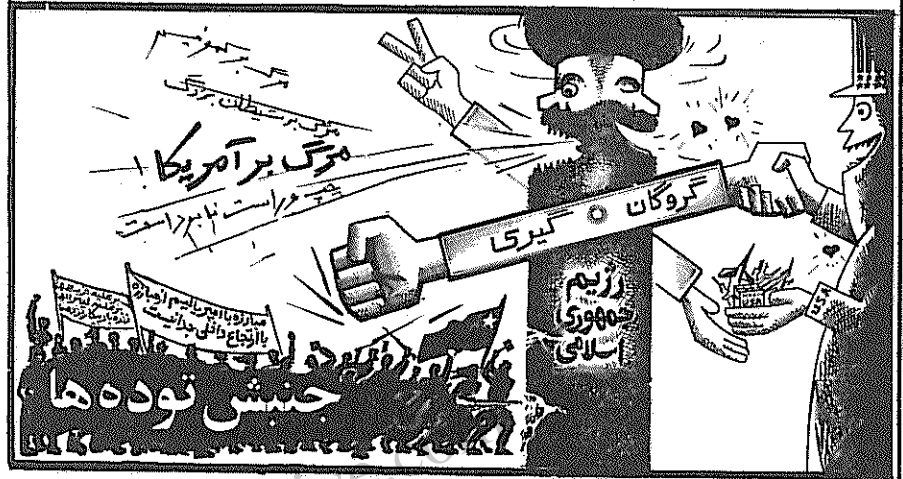




# حقیقت واقعه سفارت را چه کسی به توده ها گفت؟

نامه مستند یکی از دانشجویان پیرو خط امام به مجاهد:

سندی زنده در اثبات حقایق نظرات ما و ننگ دیگری برای رویونیستها و همه مرتجعین



## دانشجویان خط امام چه کسانی بودند؟ (واقعه سفارت بدست جناح حزب)

سازمان ما مرعوب جا روجنا لهای دروغین خدا مهربا لیستی حضرات بگشته و بدرستی بیسان داشت که این واقعه توسط یک جناح از رژیم عملی گشته است ما گفتیم که استکا را این عملیات در دست خرده بورژوازی مرفه سنتی قرار داده است حزب از آن پشتیبانی نموده و ما دانشجویان خط امام را بعنوان بازیچه های حزب معرفی کردیم. ما گفتیم "دانشجویان پیرو خط امام" این دکان سیاسی نیز که برانسیوهی از اسناد دسترسی دارند تنها وقتی به اصطلاح به افشای سطوری از آنها می پردازند که صرفا در خدمت منافع جناحی از روحانیون قدرتمند و باندها کامپرومیسور باشد" (پیکار ۸ بهمن ۵۸)

اکنون حقایق آن چه گفته ایم در "مجاهد" آشکار میشود:  
"... بهر حال، بدین ترتیب با حمایت سپاه (پاسداران)، به وسیله قیچی های آهنین زنجیرها را پاره کرده و پیدا خل ریختیم" (مجاهد ۱۰۲)... "البته کار ما چندان کارمشکلی هم نبود به اشغال در آوردن این محل، تحت حمایت سپاه و زیر نظر و با هدایت برخی مسئولین..."  
(۱۰۳) "حزب جمهوری اسلامی... به ایادیشان در جاسوسخانه یعنی شورای هماهنگی دستور داده بودند... (۱۰۳) "در وابستگی سران شورای هماهنگی به حزب همین بس که مطابق با سیاست های کلی "و بنابر خواسته های ناآشنا" افشاگری تهیه کنند، مثلا هنگامیکه "موسوی سردبیر روزنامه جمهوری اسلامی مراجعه کرده و خواستار تأیید حزب و روزنامه جمهوری اسلامی شد و ملت مسانها استدلال کرد که حزب در یک نقطه ای کیفی نزول محبوبیت قرار داده و بسیاری از شبهه های آن در شهرستانها تعطیل شده و... رنگ آمیزیهای این سند افشا شد که "روزنامه جمهوری اسلامی ضد آمریکا شایترین روزنامه ها است!!" (۱۰۴)

### ۲- سفارت چرا اشغال شد؟

مادر آن هنگام قاطعانه گفتیم هر اس خدا انقلاب از رشد انقلاب، جنبش خلق کرد، او جگیری مبارزات کارگران بیکار، جنبش دانش آموزی، صیادان انسانی و... سوار شدن بر موج جنبش توده ها برای تثبیت و تحکیم حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی از یک طرف و تقاضای معین جناحی از قدرت "باز آمریکا و لیبرالها از سوی دیگر خدا انقلاب حزبی" را به آنها داد این تاکتیک واداشته است، شکست تاکتیک سرکوب، تقاضای اساسی موقعیت هیئت حاکمه و پیشرفت و موفقیت های

و دیگر نیروهای سیاسی انقلابی نیز تا ماهها پس از این واقعه همچنان انحرافات بسیاری را در این زمینه با خود حمل می کردند، مثلا مجاهدین خلق و رفقای فدائی (اقلیت) نبرد بر زمین گان و راه کارگر بنوعی عملکرد خدا مهربالیستی برای این جریان قائل میگشته اند تحلیلی سازمان در بر خورد به واقعه سفارت علیرغم برخی انحرافات راست، در چهار رچوب عمومی منطبق بر منافع انقلاب و خط مشی مارکسیستی بود. ما چه در واقعه سفارت وجه در تنسید پیچ دیگر تاریخی یعنی جنگ، عمدتا مسیر صحیح و مارکسیستی حرکت جا معه را کم نگردیم و نشان دادیم بیکارگیری خلق ما ر کسیم - لنینیسم چگونه میتوانند شناخت حقیقی و درست جهان را بتوده ها معرفی کند. ما در آن هنگام ما زما جراحی پشت پرده گروگان گیری، بصورتی که اکنون "مجاهد" افشا کرده است، اطلاع نداشتیم ما در کقا نونمندا ز طبقات اجتماعی و حرکات و تاکتیک های خدا انقلاب موجب شد، حتی علیرغم وجود یک گرایش انحراف بر است در سازمان، ما شناختی مارکسیستی از واقعه سفارت بدست دهیم. ما ضمن مقایسه نظرات خود با آنچه امروز از اقدامات دانشجویان خط امام افشا شده است، تحلیلی سازمان در واقعه سفارت را بعنوان حقیقتی اثبات شده، به ما به یک دستاورد در رخا ن برای جنبش کمونیستی میبشمارد ارزیابی میکنیم.

چهارده ماه و نیم از واقعه گروگان گیری در جاسوسخانه آمریکا میگذرد و جمهوری اسلامی با خفت و سازش تمام گروگانها را آزاد میکند، امروز نگریستن به مسئله گروگانها برای بسیاری امری ساده است، اکنون بسیاری گروههای انقلابی اهداف حزب جمهوری اسلامی را از این گروگان گیری در یافته و آنرا بهیچوجه مباح و رضامند مهربالیستی نمیبشمارند. تقاضا است میان امروز که تشتت رسوایی جمهوری اسلامی در قضیه گروگانها از با ما افتاده است و آن هنگام که تزلزلات رویونیستی و لیبرالی بسیاری از نیروهای انقلابی تشدید یافته و آب به آسیاب رژیم میریختند، تقاضا و کمونیستهای پیگیر با دیگر نیروها نیز در همین جا است، آنها بقدرت سلاح عظیم و مترک ما ر کسیم - لنینیسم قادر به تشخیص واقعی پدیده های اجتماعی هستند، "علم انقلاب ورهائی بشر" یعنی ما ر کسیم به آنها این امکان را میدهد، در زمانی که دیگران قادر به تشخیص صحیح مسائل نیستند، راه نشان دهند و حقیقت را آشکارا گردانند.

تغییر تاکتیک خدا انقلاب بخشهای نا پیگیر - ترا انقلاب را دچار انحرافات ساخت که در نهایت منجر به در غلطیدن دنیروی سیاسی یعنی فدائیان (اکثریت) و اتحادیه کمونیست ها به متجرب خدا انقلاب و رویونیسم گردید و

آزادی گروگانهای آمریکایی، مقدمه ای برای وابستگی بیشتر به آمریکاست

### قطع پخش مذاکرات مجلس از تلویزیون نشانگر وحشت از بیداری توده‌ها!

علیرغم کلیه تبلیغات کرکننده و سرام‌آوری که در باره "حقانیت" جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی و غیره می‌شود با زهم‌توده‌های مردم به حقیقت پی برده و وحشت دروغ‌گویان جمهوری اسلامی یساز میشود.

پخش علنی جلسات مجلس در تلویزیون، به دلیل آنکه "پته" مجلس فرمایشی جمهوری اسلامی را بیش از پیش روی آب می‌انداخت قطع گردید و "نمایندگان" تصمیم گرفتند دور از نظرساز مردم نشست و برخاست کرده و تصمیمات "انقلابی" در مورد نحوه داد و ربه با زسی سیستم سرمایه داری وابسته بگیرند.

مجلس بجای آنکه وسیله‌ای تبلیغاتی تسمی برای سردمداران جمهوری اسلامی بشود که به مردم بگویند، "ما چنان کردیم و چنین شد" - بر- عکس حماقت و بلاهت این نمایندگان را بر ملاحظا ساخته و اختلافات هر دو جناح را رومی نمود - هر جناح برای حقه‌گردن حریفه، قسمتی از "پته" را رومی کرد و این باعث میشد مردم تماشاچی "پته روی آب" هر دورا ببینند و بیش از پیش اعتماد خود را به رژیم زدست بدهند. در حقیقت پخش مذاکرات مجلس خود افشاگری زنده‌ای بود که توده‌ها به رأی العین میدیدند چگونه قانئون پشت قانئون بنبغ سرمایه‌داران و زمینداران گذرانده میشود و چگونه بیگه جناح غم‌وفصه تیسره شدن روابط با امپریالیسم را خورد و آشکارا می‌گوید "ما با آمریکا جنگی نداریم!!" و جناح دیگر در ترکتاری و سرکوب خلق و ایجاد حسرت انحصاری رستاخیز، حتی به رقیب لیبرال نیز مهلشی نمی‌دهد!

و خلاصه اینکه این به اصطلاح نمایندگان مردم چگونه در باره همه چند نظر می‌دهند و قانئون می‌گذرانند، الا در باره منافع مردم. باری، زمانیکه اصل ۶۹ قانئون اساسی توسط "خبرگان" وضع گردید و در آن بصراحت گفته شده بود "مذاکرات مجلس باید علنی باشد" "از ما بهتران" فکر اینرا نکرده بودند که ممکن است پخش مذاکرات مجلس به ضرر خودشان شود و مجبور شوند برای رعایت مصالح مملکتی! از پخش آن جلوگیری کنند.

بهر حال قطع پخش مذاکرات مجلس از تلویزیون را بدینکارشان میدهند که رژیم جمهوری اسلامی تا چه حد از آکا شدن توده‌ها حتی نسبت به آنچه که خود می‌گوید هراسناک است.

سفارت، بلازست که به یه لایبی نظرات خود بپردازند مباحزه طبقاتی به پیش می‌رود و حقایق روز بروز آشکارتر میشود. در این میان تنها با بر خورد مدد و مبه انحرافات خود میتوانیم تمام قوا در خدمت توده‌ها قرار بگیریم.

نکنیم". (۱۰۲)  
بدین ترتیب در مورد مسئله اسناد نیز آنها تا آنجا که توانستند اسناد را از زمین بردند مانند اسناد مربوط به روابط سران ارتش و حوزب جمهوری (رفسنجانی و بهشتی) با آمریکا و اسناد لیبرالها را نیز در ارتباط با جنگ قدرت آنهم بسیار محدود و روگرداند قبول نامه دانشجوی مذکور:  
"هرگاه ارتجاع، در مشکلات اجتماعی و سیاسی لنک می‌ماند و در راه چاره‌یگری با قسی نمی‌ماند، سندی متناسب با اوضاع و احوال و برای روحی تازه بخشیدن به کالبد آنها افشای می‌شد." (مجاهد ۱۰۴)  
۲ - حقانیت با چگسی بود؟

پس بدین ترتیب مشخص است، اشغال سفارت اگر چه بیان تفاد جناحی از حکومت با آمریکا بود (البته تفادی با ما هیئت فدا انقلابی) اما اساسا بخاطر جلوگیری از رشد انقلاب، بسرای بدست آوردن بیشترین قدرت و انقیاد لیبرالها منحرف کردن مبارزه فدا میریالیستی توده‌ها، فریب خلق وسی در کشیدن آنها بسوی خود بسا تکرار شعارهای بی محتوا بود.

بدین ترتیب هیئت حاکمه از یکطرف به باز سازی سیستم سرمایه داری وابسته می‌پرداخت و از طرف دیگر به حفظ و حراست منافع امپریالیسم و سرکوب انقلاب می‌پرداخت و آنگاه برای فریب توده‌ها، جارجنگل‌های دروغین فدا میریالیستی برامی انداخت، همه آنچرا که گفتیم، خاطرات دانشجوی خط اما در مجاهدان میدهد آری موضع ما در قبالت سفارت گیری و خاطرات نفوق نشان میدهد که حقانیت با سازمان ما بوده است. ما با رویزیونیستهای خاشن که اشغال سفارت را مبارزه‌ای کبیر بر علیه امپریالیسم که آمریکا را به لرزه در آورده است. کاری نداریم چرا که این خاشنین روز بروز بیشتر رسوا میشوند بلکه روی سخن ما با نیروهای انقلابی است.

دوستان مجاهد! مگر شما نبودید که پس از اشغال سفارت، برای اشغال کنندگان هسورا کشیدید برای تاخیر نشان در تظاهرات شرکت کردید و توده‌ها را نسبت به آنان بعنوان مبارز - ان علیه امپریالیسم متوهم کردید؟ مگر شما نبودید که ما را "چپ‌رو" معرفی کردید؟ چگونه است اکنون حاضر نیستید در پیگاه خلق نسبت به اشتباهات خود اعتراف کرده از خود انتقاد کنید یا این حقایقی که در مجاهد چاپ کرده‌اید نا درستی بر خورد شما را به واقع سفارت و تطهیر رژیم نشان نمیدهد؟ پس چرا به برخورد های انحرافی خود اشراف نمی‌کنید، همینطور دیگر نیروهای کمونیست، آیا با توجه به این حقایق لازم نیست در مورد آنچه گفته اند اکنون نادرستی - اس آشکار شده است. به خود برخورد کنند؟ به اعتقاد ما برخورد های نادرست فداشی (اقلیتی) رزمندگان، نبرد دورا که رگردار این زمینسه نشانده انحراف ایدئولوژیک آنان بوده است. بتکراری دوباره به نظراتشان در مورد واقع

جنبش توده‌ای هیئت حاکمه را ناگزیر از تغییر تاکتیک نمود. این جناح خرده بورژوازی مرفه سنتی و نما بنده معتبر آن آیت الله خمینی بود که بدلیل شرائط مشخص کنونی و بحران سیاسی جامعه میتوانست در نقش مبتکر و حلال مشکلات هیئت حاکمه جلوه‌گر شود تا از فروریزی فزاینده توهم توده‌ها و انفراد هیئت حاکمه جلوگیری از خرده بورژوازی مرفه سنتی فدا انقلابی بس از ما هما مقابله با پیشرفت و سرکوب میسازات دموکراتیک و فدا میریالیستی توده‌ها، "مبارزه فدا میریالیستی" خود را در چهره رچوب حفظ هیئت حاکمه شروع میکند. "تصمیمه - پیکار ۲۶ آذر" اکنون به نام میکی از دانشجویان خطا ما مبنگریم! و ابتدا به مسائل و مشکلات اجتماعی سیاسی قبل از سفارت می‌پردازد و با آوردن سندی از سفارت اشبات میکند که رشد انقلاب (مبارزات کارگران و جنبش خلق کرد، جنبش دانش آموزی و...) کاهش یافته توده‌های حزبیهما و نیز مجلس خبرگان زمینها اشغال سفارت توسط عمال و ایادی حزبیهما بود (۱۰۱) و نیز:

"الف - الف... پس از مراجعت از شورای انقلاب طی سخنانی در جمع دانشجویان گفت: "الحق شما با این کار خود را اعتماد با تخلص گیری کرده و باعث شدید که قانئون اساسی با رای زیاد تصویب شود... این ضربه کافیه بود که بسیاری از رویاهای ما فرو بریزد، آیا ما با سوسپای آمریکا بی راه گروگان گرفتیم بودیم که قانئون اساسی تصویب شود یا صدای مردم را خاموش سازیم؟ این سئوالات با وضوح بیشتری در ذهن من مطرح میشد که آیا ما با زیچه‌های بازی - های پشت پرده‌ی سیاسی نشده بودیم؟ پس ما را بعنوان وسیله‌ای برای از میدان بدر کردن رقبای با کار گرفته بودند؟... (۱۰۲)..." بنا بر این با مشاهده‌ی عواقب این حرکت آیا من حق ندارم که اینطور قضاوت کنم که بزرگترین سرمایه‌ی این جریان عوام فریبی آن بود. آیا برای سردمداران این حرکت دکانیتی نبود که در آن برای خود اعتبار و رواجت کسب کنند و سپس... (۱۰۵) در ایننگه واقعه سفارت منافع اساسی امپریالیسم در ایران و بایگایهای اصلی سرمایه‌داری وابسته، ارتش و... را مورد حمله قرار ندادشکی نیست. جالب اینجاست که گروگانگیرندگان سفارت در افشای اسناد جاسوسخانه نیز کوشش لازم را نکردند و تا آنجا برخی از اسناد را افشا کردند که به ضرر جناح رقیب یعنی لیبرالها بود.

"در اینجا فقط به سخنانی اشاره میکنیم که نیات گردانندگان این جریان در آنها بخوبی پیداست. آقای موسوی خوشینی ها چند روز پس از اشغال سفارت، هنگامیکه از جانب بچه‌ها مورد سئوال قرار گرفتند که چرا اسناد مهم را افشا نمی‌کنید، گفتند: "ما از ابتدا برنامهای برای افشای اسناد نداشتیم و این اسناد هم بطور تصادفی به دست آمده و اصلا شایدها را افشا

## دو سیاست رویزیونیستها در قبال مجاهدین: در پیوزگی - چابلو سی و کینه تیزی

مدت زمانی است که با گسترش مجدد جنبش انقلابی و تشدید بروسه فرو پاشی توهم توده ها نسبت به رژیم ناستور جمهوری اسلامی و در رابطه با آن، قوت گرفتن رادیکال لیسم در جنبش انقلابی خلق، و بویژه مجاهدین، رویزیونیستها این دشمنان کمونیستها و انقلابیون، حملات خود را بر علیه مجاهدین افزایش داده اند.

همه نیروهای ضد انقلابی مانند رویزیونیستها، لیبرالها و حزب جمهوری، بر آنند که مجاهدین را با استفاده از تزلزلتشان بسوی خویش بکشند. حزب جمهوری اسلامی که سرکوب مجاهدین و دیگر کمونیستها، سیاست اصلی و همیشگی اوست پس از او جگری مبارزات توده ها و قوت گرفتن رادیکال لیسم در مجاهدین به دست و پا افتاده و پیشتی دیر حزب رای فریب شده ها و کشتن مجاهدین بطرف خود، آنان را "پاره تن" خود میخوانند!

آیت الله منتظری که با زبانه دست حزب و تحت هدایت آن است نیز مجاهدین را عزیزانی خوانده است که مسلما نندوان درست عکس حرفه های قبلی اش میباید شده در باره مجاهدین گفته بود که "منافقین بدتر از کفارند".

سیاست لیبرالها نیز تلاش برای برخی حمایت های کوچک و نا چیز از مجاهدین و کشتن آنها بزرگتر از خود بعنوان نیروی ذخیره ای در مقابل حزب و... است. دودوزه - با زنی لیبرالها و نا شوک و لایه اذیت و آزار مجاهدین، که خود عملاً در کلیه سرکوب ها فعالیت داشته اند، بیان چیزی جز ریاکاری و فریبکاری نیست.

اما تنها حزبیه و لیبرالها نیستند که میگویند با فریبکاری و دودوزه بازی، از مبارزات مجاهدین جلوگیری کنند. رویزیونیستها، این دشمنان طبقاتی انقلابیون نیز فعالیت خود را در تشدید حملاتشان و در عین حال چابلو سی از مجاهدین افزوده اند، آنها نیز میگویند با دودوزه بازی، از مبارزات ضد امیراللیسمی مجاهدین جلوگیری کرده و مجاهدین را بزرگترین بزرگترین رزیونیستها، بکشانند، سخن پراکنی - های مدوامی که توسط "حزب توده خائن ایمن رویزیونیستها" گفته می شود بر علیه مجاهدین صورت میگیرد، تا مه پراکنی رویزیونیستها، فسادشان اکثریت کسه مملو از چابلو سی و کینه تیزی علیه مجاهدین و دعوت

از آنها برای ترک میدان مبارزه و پذیرش حاکمیت موجود و اخیراً با زهم نا مه پراکنی مجدد حزب توده و اکثریت برای مجاهدین نمونه های بارزی از توطئه های خائنه و دشمنی آشکار رویزیونیستهاست. "کمیته مرکزی حزب توده" که رسوای عام و خاص است، کوشیده است با تقلید از آنچه ما، تحت عنوان بیام کمینه مرکزی به مجاهدین منتشر شده است، اینان نیز تحت عنوان گفتگوی کمیته مرکزی "حزب توده" با مجاهدین آخرین کوششهاشان را برای جذب مجاهدین انجام دهند.

کمونیستها برخلاف رویزیونیستها، لیبرالها و حزبیه، بدو راهی که عوام فریبی، ضمن حمایت از مبارزات ضد امیراللیسمی مجاهدین تا بیکریه ای آنان را افشا ساخته و خواهان مرز بندی کامل مجاهدین با تزلزلتشان بویژه در برخورد به لیبرالها میباشند، سازمان ما با پیروی از این سیاست مبارزه با تزلزلت لیسم فاعلی را بر علیه دشمنان مجاهدین و کمونیستها بویژه رویزیونیستها، این روشنگران و جاگران بورژوازی که بقول رفیق لنین بیش از خود بورژوازی بها و کمک میکنند پاره انداخته است. در زیر میگوئیم تا با ردیگر رویزیونیستها را رسوا کرده، تزلزلات مجاهدین را افشا نموده و حمایت خورا از مجاهدین بماند به یک نیروی ضد امیراللیسمی اعلام نماشیم.

۱- رویزیونیستها نه تنها دشمنان پرولتاریا، بلکه دشمنان خلق و کلیه انقلابیون نیز هستند!

رویزیونیسم، که بیایان نفوذ بورژوازی در صفوف پرولتاریا و مولود امیراللیسم است نه تنها دشمن پرولتاریا، بلکه دشمن خلق نیز می باشد. چه وظیفه رویزیونیستها تظهِر بورژوازی امیراللیسمی و جلوگیری از مبارزه پرولتاریا علیه امیراللیسم است. و از آنجا که در جوامع تحت سلطه نظیر ما، نه تنها پرولتاریا، بلکه خلق نیز رو یا روی امیراللیسم قرار دارد، و بدین ترتیب که رویزیونیستها که حافظ منافع امیراللیسم هستند و اصولاً بیان نگر منافع بورژوازی میباشند، با خلق و انقلاب نیز دشمنی میورزند. لیکن طبعاً برخورد آنها، به کلیه نیروهای انقلاب یکسان نخواهد بود. دشمنی آنها با انقلاب، پرولتاریا و کلیه نیروهای انقلابی را موظف میکند که در مبارزه علیه امیراللیسم

به مبارزه علیه آنان (رویزیونیستها) بپردازند. در این باره لنین میگوید:

"خطرناکترین افراد در این مورد کسانی هستند که نمیخواهند به این نکته پی ببرند که اگر مبارزه علیه امیراللیسم بطور لاینفکی با مبارزه علیه بورژوئیسم توأم نباشد، جز عبارت بردازی بوج و دروغ چیزی نخواهد بود. (امیراللیسم بماند به بالاترین مرحله سرمایه داری

تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی جهان و ایران این واقعتاً را بوضوح نشان میدهد که چگونه رویزیونیستها از فرانسه سرگردگسی مورس تروز، در کشتار و سرکوب خلق الجزایر، با رژیم فرانسه همکاری می نمودند. چگونه رویزیونیستها عراقی با بعثتیه ای جسد در سرکوب خلقیها کرد و عرب عراق همکاری می کردند. چگونه رویزیونیستها افغانستان در یک دوره با همکاری با "محمد داوود خان" در سرکوب خلق افغانستان دست داشتند و اکنون چگونه به کمک آریا با روسی اشان با تمام قدرت خلق افغانستان را سرکوب میکنند. دورتر میبینیم که چگونه حزب خائن توده، با خائننها همکاری تا ریحی بویژه در سال ۳۲، با ارتجاعی خواندن جنبش انقلابی سال ۴۲، با "مترقی" خواندن رژیم شاه، با او نمودن ختن جنبش تبریزه بعنوان کار ساواک و... دشمنی خود را با جنبش انقلابی نشان داده است و اکنون نیز چگونه بی شرمانه در مبارزه علیه انقلابیون، در دفع مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشان، با دشمنی با جنبشهای انقلابی خلق کرد، ترکمن و... در دفع از حاکمیت ضد انقلابی و... این دشمنی را تشدید نموده است. تشدید دشمنی رویزیونیستها با انقلاب و کمونیستها، زمانی صورت میگیرد که بویژه جنبش اوچ گرفته باشد.

چه هما نظور که انگلس میگوید:

"بررسیب اساسی آنان خوف از انقلاب است" (۱) بهمین دلیل است که حزب خائن توده در بی او جگری جنبش در کردستان بود که "کومله" را آمریکا بی نامید و جنبش خلق کرد را تخطئه نمود. انقلابیون ایران را تخطئه نمود و قیحا نه آنان را عامل ایجا دفایسیم خوانند و با لخره هرجا که جنبشی بود و مبارزه ای، هم جنبش و هم انقلابیون را تخطئه نمود. اگر کارگران دست به مبارزه بزنند حزب توده، آنرا "اخلالگری ضد انقلاب" میخوانند. اگر کمونیستها تظهِر هراتی ترتیب دهند، با در پیوزگی تمام رژیم میخوانند که آنان را سرکوب کند و در مبتنیگ حزب جمهوری که در آن خواستار انحلال مجاهدین میشوند، شرکت میکنند و...



۱- به نقل از پورتونیسیم و ورشکستگی انترنا سونال دوم

## رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

## اقدامات انقلابی فرهنگیان آواره برای تهیه مسکن

فرهنگیان مبارزان مناطق جنگزده در ادامه مبارزات خود برای روشن شدن وضع حقوقی و مسکن خود، روز چهارشنبه ۱۷/۱۰/۵۹ در ساختمان وزارت آموزش و پرورش اجتماع کردند. آنها در این اجتماع ضمن توضیح بی نتیجه بودن تمام اقدامات خود از جمله به وزیر آموزش و پرورش گرفته تا خمینی و بنی صدر به افشای سیاستهای ضد خلقی رژیم پهلوی پرداختند. در ضمن این افشاگریها یکی از عناصر خود فروخته رستای خیزی که به حمایت از رژیم جمهوری اسلامی و ارکانهای سرکوبگرش برخاسته بود مورد تنفر و اعتراض فرهنگیان قرار گرفت. در ادامه تجمع، آنها نتیجه گرفتند که تنها راه رسیدن به حقوق خود، اقدامات انقلابی و قاطعانه آنهاست. به همین خاطر آنان برای تهیه مسکن برای خود، بطرف دهکده المپیک شروع به راهپیمایی کردند. این راهپیمایی که با شرکت حدود ۶۹ نفر از فرهنگیان مبارزان انجام گرفت در مسیر خود از

بقیه در صفحه ۲۷

از اینرو بود که حزب خائن توده در پاسخ به اعلامیه انقلابی فدائیان بنیادین با سرور شهادت خسرو روزبه کار را روزنامه بورژوازی و خاوندند و افکار آنها را "ما شویستی" قلمداد نمودند (۲) و از آن مهتمتر در مقابل اعلامیه انقلابی ۲۹ اردیبهشت پیشگام که "حزب توده" را ضد توده و ضد طبقه کارگر و روزنامه مردم را ضد مردم خوانده بود، "توده" آنها "پیشگام" را کستری که رهبرش امیرالیم است "خواهتد (۳) اما بتدریج که مواضع فدائیان راست ترمیکشتن حزب خائن توده، تعریف و تمجید از فدائیان بیشتر نمود تا آنجا که امروزه خواهان بیوستان فدائیان اکثریت به حزب توده است. حزب توده در برخورد به مجاهدین نیز عینا همین سیاست دوگانه را در پیش گرفته است. از یکطرف در راه پیماشی هائی که در آنها انحلال مجاهدین در خواست میشود، شرکت میکند و از طرف دیگر آنان را "دوستان" مجاهد، مترقی و... میخواند. رویزیونیستها میکوشند با حمله به مواضع انقلابی مجاهدین و طرفداران و با تکیه بر تزلزلات وضعیای مجاهدین آنان را بسوی خود بکشند. در این راه حزب خائن توده و رویزیونیستها ی خائن اکثریت با یکدیگر رسا بقه گذاشته و بسا چابلسی و حزب زبانی، عا جز آنها از مجاهدین تقاضای ترک مواضع انقلابی شان را دارند. ولی کدا مضعیای و انحرافات مجاهدین باعث میگردند که میدرو رویزیونیستها قطع نگردد؟

ادا مه دارند.

۲۲ و ۲۳ روزنامه مردم شماره ۱۷، سوم  
خرداد ۵۸

تاریخ نیز سران را از این نمونه های دشمنی شما معیار رویزیونیستها با کمونیستها ی انقلابی است. مبارزه منشوبکها با بلشویکها در روس زمان در نمودن فرمان دستگیری لنین به جرم "خیانت"، کشتار کارگران و زمینکشان آلمان توسط رویزیونیستها ی خائنی چون "شیدمان" و بیویزه قتل عام کمونیستها ی آلمان و حتی رهبران برجسته آن چون رفیق کارل - لیبکنخت و روزا لوکزا مبورگ "کشتار کمونیستها در اریتره"، تیبوی، افغانستان و... نمونه های گویای دشمنی سرخستانه رویزیونیستها بسا کمونیستهاست. از اینرو وضعیای خائنی یگردد که دارودسته حزب خائن توده نیز کمونیستها ی انقلابی را آمریکا یی و ضد انقلابی بنا مد.

ب- در برخورد به نیروهای ناپیکیر جنبش کمونیستی و انقلابی خلق، سیاست رویزیونیستها دودوزه بازی است. از یکطرف مواضع انقلابی آنان را مورد حمله قرار میدهند و از طرف دیگر با تکیه بر تزلزلات و ناپیکیریها یشان میکوشند آنان را بطرف خویش کشند. شیوه برخورد به بخش منشعب (م. ل) فدائیان و مجاهدین کنونی نیز از همین سیاست ناشی میشود.

در برخورد به بخش منشعب (م. ل) مجاهدین، از آنجا که هنوز مواضع ما زمان در قبال سوسیال - امیرالیمسکاملا روشن نبود، و تحولات مبارزه طبقاتی و انسجامیایی گرا یشتا گوناگون (که امروزه کارگزاران روشن گشته است) دقیق نگشته بود حزب خائن توده در برخورد به بخش منشعب از یکطرف آنرا در درون جنبش قلمداد میکند و "رفقا" خطاب میکند و از طرف دیگر به سیاستهای انقلابی بخش منشعب، شدید حمله میکند و آنرا "گرافه های ما شویستی" و "خرده بورژوازی" میخواند. لیکن علیرغم آن قطع امید نگردد! و همین دلیل در بررسی انتقادی مواضع جدید مجاهدین خلق ایران (بخش م. ل) میکوبد. روی سخن ما به شما با ما زمان مجاهدین خلق ایران (بخش م. ل) بلکه همه آن عناصری است که در درون جنبش هنوز از خرافات ما شویستی رهاس شده اند. (بسوی حزب شماره ۱۱)

آنان در این نوشته شان میکوشند مواضع انقلابی بخش منشعب را در قبال سرکردگی پرولتاریا در انقلاب، علیه بورژوازی لیبرال و حزب توده، در جبهه و خدمت دیکتاتور و... طرد نمایند. اما سیاست دوگانه آنها بتدریج که مواضع ما زمان در قبال سوسیال امیرالیمسکاملا هیات حاکمه و حزب توده دقیق تر و روشن تر میگردد و با تحولاتی که در عرصه قدرت سیاسی روی میدهد اینان در دفاع از حاکمیت ضد انقلابی، حملات خود را نسبت به ما زمان شدید کرده و موزورانه آنها را "ضد انقلابی و آمریکا یی" و... میخوانند. در برخورد به فدائیان نیز اینان در تزلزلات رویزیونیستی فدائیان را دریا فته بودند، با تکیه بر این تزلزلات میکوشیدند آنها را بسمت خود جذب کنند و در عین حال مواضع انقلابی آنان را مورد هجوم قرار دهند.

و در این راه از هیچگونه دروغ پردازی، فرصت طلبی، و شانتاژ و... رویگردان نیست. -  
تجدید حملات کنونی آنها علیه مجاهدین نیز ناشی از شدت جنبش و تقویت رادیکالیسم در مجاهدین است. اما این بدان معنی نیست که رویزیونیستها به کلیه انقلابیون یکسان برخورد میکنند.

۲- رویزیونیستها در برخورد به انقلابیون دوسیاست را در پیش میکینند!  
رویزیونیستها روشنگران نقاب زده بورژوازی هستند، از اینرو در برخورد به طبقات و نیروهای سیاسی جامعه، سیاستهای متناقض و "سجیده" بورژوازی را بکار میکینند! آنان حملات خود را بنا بر مقتضیات شدید کرده و بسا تخفیف میدهند و در برخورد به نیروهای انقلابی آنان دوسیاست متناقض و در پیش میکینند. الف: اندسته از نیروهای کمونیستی و بیگیر که فاقد تزلزل بوده و سرخستانه در راه انقلاب میروند، مورد تنفر آنهاست. رویزیونیستها آنان را با بیرحمانه میکوبند و از هیچ دروغ گوئی شان رانان نیز موبور خورد های ماکیا ولیستی رویگردان نیستند. بدین دلیل است که آنها ما زمان ما، کومله و برخی دیگر را ضد انقلابی میخوانند و بیشتر ما نه تر از آن ما را "سیاسا خسته" آمریکا یی" قلمداد میکنند. برای آنها لجن پراکنی، فحاشی، دروغ پردازی ذره ای خجرت ندارد. چه آنان ماکیا ولیست هستند، برای اینان هدف وسیله را توجیه میکند، به همین دلیل برای رسیدن به اهداف ضد انقلابی شان از هیچ دروغ پردازی و لجن پراکنی خودداری نمیکنند. چه آنها برای رسیدن به اهداف بورژوازی شان طبعا شیوه برخورد بورژوازی را نیز در پیش میگیرند، ببینید حزب خائن توده با چه حرارتی، وقیحا نه خواهان سرکوب نیروهای انقلابی نظیر ما و کومله و... میباشد. ببینید با چه وقاحت و بی شرمی میکوشند ما را "سیاسا خسته" آمریکا یی" جلو دهند.

چنین است که آنها در برخورد به کمونیستها و انقلابیون بیگیر، لحظه ای از کینه تیزی، دروغ پردازی، لجن پراکنی و... دست بر نمی دارند. و بدتر از آن ما تند جا سوسان، به سودان کمونیستها و انقلابیون بردا خسته و خواهسان سرکوب کامل آنها میشوند.

رویزیونیستها ی نوپای فدائیان اکثریت نیز که تازه بدوران رسیده اند، هنوز تماما مومکمال این شیوه کینه کاران رویزیونیست را فراموش کرده اند اما بتدریج همچنانکه مواضع رویزیونیستی شان منجم تر میشود، آنها نیز شیوه برخورد "حزب توده" ی "سیاسا رضی" دخیفتر ماکیا ولیستی را بیشتر و بیشتر در پیش میکینند. بدین ترتیب سیاست رویزیونیستها در مقابل انقلابیون بیگیر و بیویزه کمونیستها ی بیگیر، سیاست دشمنی نامعیا روطرد و حسی سرکوب کامل انقلابیون است.

اگر چه در بررسی درک امت از مناسبات خارجی که کمابیش درکی همانند رویزونیستهای خروشنجی است، سخن بسیار میتوان گفت، لیکن آنچه در اینجا مورد نظر ماست، بررسی دیدگاه "راه سوم" در برخورد به مبارزه طبقاتی جادرون جامعه و افشای این نظرگاه فربیکارانه میباشد.

ببینیم مباحثی اساسی تفکر راه سوم "امت" چیست: "حفظ وحدت جبهه خلق علیه امپریالیسم تحت رهبری امام خمینی" و "با اتکا به قانون اساسی مرحله‌ای، پرهیز از تشا‌دهای فرعی و فراموش نکردن دشمن اصلی، مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک با جریان‌های سازشکار و لیبرال و قشری و فرصت طلب، تنگ نظر و انحمارگر، تشدید مبارزه ضد فئودالی و ضد سرمایه داری و..." (امت شماره ۹۱) امت نظرات خود را چنین فرمولبسته

# خط سوم: خطی بدنبال ارتجاع حاکم!

جناح در شیوه تحقق اهدافش از اختلاف دارند. آنان برای رسیدن به هدف واحدشان از روش‌های گوناگون استفاده میکنند. راه آنان خط ضد-انقلاب بوده و در مقابل آن چیز خط انقلاب که با سادار منافع بوده‌است و از در هم کوبیدن خط ضد انقلاب میگذرد و وجود ندارد. خط سوم "درجه‌ای-جوب همان خط ضد انقلاب است، برای شناختن از

**مسئله آنجاست که "امت" طریقه مختلف سلیقه‌های پیشمارچوب تضاد های جانمایی در یک روند عمومی خواهان یکسری رفرم در چهارچوب همین نظام موجود است. این راه نه از طریق انقلاب، بلکه بصورت گام به گام و با رفرم در ماشین دولتی خواستار اهداف خویش است. امت از راه سوم سخن میگوید ولی اگر منظور وی راه انقلاب است، بسیار پرسید چرا در نشریات امت سخنی از ضرورت نابودی ماشین دولتی حاکم نیست؟**

میکند که "امپریالیسم آمریکا، خط اساسی مبارزترین دشمن خود میداند" و در برخورد به انقلابیون امت چنین نظر میدهد: "الف - نیروهای کمونیستی چون سازمان پیکار را قیام نه "فدا انقلابی" میخواهند و حرکت نیروی فدا امپریالیستی چون مجاهدین را بنفع "آمریکا" میخواهند (امت شماره ۹۱)

تحلیل از دیدگاه امت از یکسوی برخورد به فدا انقلاب و بخصوص خط امام خمینی و از سوی دیگر در برخورد به نیروهای انقلاب مشخص کننده جایگاه واقعی امت است.

## خط امام: بزرگترین دشمن امپریالیسم یا حافظ منافع امپریالیسم؟

نیروهای فدا انقلابی گوناگونی میکوشند خود را پیرو خط امام "جلوه دهند تا بتوانند از طریق آن به منافع فدا انقلابی خویش ناشل گردند. حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی خود را اصیل ترین نیروی بیروخط امام میداند. حزب خائن توده و فدا خیان اکثریت خائن نیز، خود را طرفدار امام میداند. لیبرال‌های فدا انقلابی نیز برای عقب نماندن از غافل‌وبنا بر مقام صد فرصت طلبانه فدا انقلابی شان هر گاه اوضاع را پس ببینند خود را پیرو امام موخط آن میخوانند! سه جبهه‌ای های مرتجع نیز حساب امام را از حزب خاکم جدا کرده و خط او را خط استقلال طلبانه نه شرقی نه غربی "میخوانند! اکنون دیر زمانی است که "امت" نیز خود را پیرو خط امیل امام "میخواند! اینک چه خطی و چه کیسه‌کل و کساد است که گلیه فدا انقلابیون خود را پیرو آن میخوانند! سئوالی است که با سخنان آن امت انقلابی

راه سوم با دیدگاه بین راه در خدمت کدام طبقه اجتماعی و کدام سیستم اجتماعی - اقتصادی قرار دارد و موضوع آن در قبایل نیروهای انقلابی و کمونیست چیست؟ مسئله آنجاست که "امت" علیرغم اختلاف سلیقه‌های پیشمارچوب تضاد های جانمایی در یک روند عمومی خواهان یکسری رفرم در چهارچوب همین نظام موجود است، این راه نه از طریق انقلاب، بلکه بصورت گام به گام و با رفرم در ماشین دولتی خواستار تحقق اهداف خویش است. امت از راه سوم سخن میگوید ولی منظور وی راه انقلاب است، بسیار پرسید چرا در نشریات امت سخنی از ضرورت نابودی ماشین دولتی حاکم نیست؟ نکند امت خیال داردهمچون رویزونیستهای کهنه کار حزب توده و فدا خیان اکثریت از "بالا" و بتدریج، جامعه را راه رشد غیر سرمایه داری "سوق بدهد"!

نوشته‌های امت سراسرا کننده از این طرز تفکر است. اگر امت از یکسوی ضرورت قطع مناسبات با آمریکا، افشای لیبرال‌ها، صحبت میکند از سوی دیگر از نزدیکی به شوروی، گسترش مناسبات با "اردوی سوسیالیستی" و جبهه با بداری عرب "همکاری با احزاب مترقی" همچون اکثریتی‌های خائن حرف میزنند! امت ادعا میکند که علیه امپریالیسم میخواهد مبارزه بر خیزد، لیکن شمیادند و نمیخواهد بداند و نمی‌تواند بداند که مبارزه با امپریالیسم هرگز به معنی تقویت مناسبات با شوروی سوسیالیستی نیست. مبارزه با امپریالیسم گسترش مناسبات با رژیمهای فدا انقلابی مانند سوریه نیست. سوسیالیسم امپریالیسم امپریالیستی را تشکیل داده و سوریه جزئی از کل ارتجاع جهانی بشمار می‌آید.

او جگیری محدود مبارزات دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهای قهرمان میهن مان و ناتوانی رژیم جمهوری اسلامی توهمات افشار وسیعی را نسبت به هر دو جناح هیئت حاکمه، لیبرال‌ها و بیوز حزب جمهوری اسلامی فروریخته است و توده‌ها در زیر فشارهای سنگین اجتماعی اقتصادی، بدنبال آلترنا تویجیدی برای رهایی از جنگال فقر و استثمار و اختناق موجود در جامعه اندامی دهشتناک بحران اقتصادی - سیاسی و ناتوانی جبری رژیم جمهوری اسلامی در پیا سنجوشی به گسترش بحران از یکسو و عدم توانائی در مقابل با گسترش ناراضی و اعتراضات توده‌ها از سوی دیگر بروخامت اوضاع افزوده است. پوختی که کمونیستها و انقلابیون با ارائه برنامه انقلابی و بسیج توده‌ها بگرد آن میکوشند، بر فراز ویرانه‌های کاخ ستگران حاکمیدان با سخ کوبند و فدا انقلاب نیز میکوشد با سرکوب توده‌ها و بازسازی سیستم خم‌خورده سرمایه داری وابسته با بحران با سخ کوبد. بدین ترتیب دورا بیشتر برای با سخ کوبی به بحران کنونی وجود ندارد، یکی با سخ انقلابی که با نابودی سیستم سرمایه داری وابسته و رژیم حافظ آن میسر است و دیگری با سخ فدا انقلابی که جز با مقابله و سرکوب انقلاب و بازسازی سرمایه داری وابسته و کلیه نهاد های حافظ آن میسر نیست.

بنابراین راه سوم وجود ندارد. مبارزه و همپا با رژیم وابسته سرکوب خلق پرداخت (راه فدا انقلابی) و یا بر علیه آن برخاست و آنرا به گورتاریخ سپرد (راه انقلابی) راه سوم، راهی بین انقلاب و فدا انقلاب وجود ندارد. با انقلاب علیه فدا انقلاب، و یا با فدا انقلاب علیه انقلاب، این حکم جبری تاریخ است.

لیکن مدتی است که زمره‌های "راه سوم" از جذب برخی نیروها بگوش میرسد، اینان بی‌شرمانه میکوشند راه لیبرال‌ها و حزب جمهوری را دورا مجاز از یکدیگر نشان داده و سپس راه دیگری که با اصطلاح همپا لیبرالیسم "غرب‌گرا" و همپا "انحصار طلبان مرتجع" مرز بندی دارد، را ارائه دهند. برخی از این نیروها که خود از گرایشات متفاوت طبقاتی برخوردارند، تحت عنوان خط اصیل امام "برخی دیگر تحت عنوان "خط مکتب"، راه سوم را عرضه نموده‌اند! امت آن جریان فکری است که راه سوم را "خط اصیل امام" میخواهد. ما در اینجا به بررسی "راه سوم" از دیدگاه "امت" می‌پردازیم.

امت چنین وانمود میسازد که لیبرال‌ها یک راه و حزب جمهوری راه دیگری را عرضه نموده و حال آنکه خود با هر دو مرز بندی داشته و راه سوم را ارائه مینماید، اما آیا چنین است؟

اگر هم منظور که با رها گفته به ما هیت طبقاتی این "راه" ها توجه شما شمر روشن میشود که اولاً حزب جمهوری و لیبرال‌ها هر دو راه واحدی را طی میکنند و آن عبارت است از سرکوب انقلاب و بازسازی سرمایه داری وابسته لیکن این دو





نما "یا یدیدهد، آنطور که بیداست "خط امام" خطی است که از پیروان شعار نه شرقی نه غربی (لیبرالها و سبجهانیها)، تا آنکه پیرو شعار نه غربی، نه شرقی " (اکثریت و حزب توده...) و آن تا آنکه پیرو شعار نه شرقی، هم غربی! هستند و در بر میگردد، آیا برآستی این خط جز خط ضد انقلاب است؟

الف: رسالت خط امام ممانعت از در هم شکستن سلطه امپریالیسم است. این خط حافظ سیستم سرمایه داری وابسته است، اگر خط راحتی به طرز عایمانه، همان چیزی بدانیم که خود گفته و عمل کرده است، می بینیم؛ که این خط در مقطع قیام مانع از پیروزی قیام توده ها گشت، مانع از آن شد که ما شین دولتی سرمایه داری وابسته و اصلی ترین ابزارش (ارتش) داغان شود، این خط با بردار خواندن ارتش در نزد توده ها و بسا خلع سلاح آنها، مانع از در هم شکستن ارتش ضد خلقی گشت از خیانتهای خط امام حمایت از ارزش بهشتی و هوپیز و حمانیت از باز رگان و تشکیل دولت موقت بود، خود خمینی باز رگان خاثن را محبوب خوانده و دشمنی با دولت موقت را ضد انقلابی، حرام و کفر خواند!

مگر امام "نبوده که از سرمایه داران وابسته دعوت نمود که بر سر کار باز گردند و کارگران را دعوت به کوشش و تلاش بیشتر برای سرمایه داران نمود؟ مگر امام نبود که دستور عفو و منع محاکمه عوامل سرسپرده آمریکا (از جمله ارتشیها و ساواکیها) را اعلام نمود؟ مگر به برکت رهبری امام ارتش آمریکا شای ایران بازسازی نشد و سرسپردگانی چون باقری، فلاحی، علوی، و مدنی این "دست نیرومندا امام" به فرماندهی ارتش گمارده نشدند، مگر به برکت خط امام نبود که لیبرالهای خائنی چون باز رگان، یزدی، قطب زاده طباطبائی و دهها نفر دیگر به قدرت رسیدند؟ و بالاخره مگر در کشاکش جنگ قدرت به برکت همین رهبری و همین خط "نیست که حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی بر ارگانهای اساسی قدرت تکیه زده است؟ آیا چنین خطی بزرگترین دشمن امپریالیسم است؟!

ب: رسالت خط امام سرکوب دموکراسی و انقلاب است مگر به برکت همین رهبری، جلوی تسدوم مبارزات ضد امپریالیستی، ضد ارتجاعی توده های میهنمان گرفته نشد؟ مگر همین خط به سرکوب کارگران و زحمتکشان، این بزرگترین دشمنان واقعی امپریالیسم دست نزد؟ مگر فرماندهی لشکرکشی به کردستان قهرمان توسط همین "رهبری" صورت نگرفت؟ مگر مسلح نمودن خوانین و فئودالها در اقصی نقاط کشور از کردستان گرفته تا شمال و فارس، در پرتو چنین "رهبری" حاصل نیامد؟ مگر خود همین "رهبری" با حذف بندج<sup>۱</sup> زرفرما رضی دست بخت خودشان، حفاظت از منافع فئودالها و زمینداران بزرگ را بر عهده نگرفت؟ مگر با تهدید کارگران و دهقانان منع اعتصابات و تحمن و تظاهرات و

با منع مبارزه "خود سرانه" زمین توسط دهقانان بر علیه انقلابی ترین طبقات جامعه برنخواست؟ مگر جناحهای مرتجع حاکم در پرتو رهبری همین خط امام و با استفاده از نفوذ آن، توده های میهنمان را تحمیق ننمودند و مبارزه با هر جنبش اعتراضی و مبارزه با هر نیروی انقلابی را مبارزه علیه امپریالیسم نخواهند؟ مگر همین "خط امام" خود امام ضرورت سرکوب انقلابیون چون مجاهدین و کمونیستها را اعلام نکرد؟ و مگر به برکت همین رهبری، آزادیهای دمکراتیک سرکوب نگشته است؟ آیا بد از امت پرسید مگر همین حزب "انصار" - طلب "مرتجعی که شما خود را مخالف آن می خوانید، به برکت همین خط بر سر کار نیا رسیده است و مگر مورد حمایت همین خط و رهبری آن نیست؟ مگر...

ترکمن... را تعقیب نموده است. اکنون با ردیکری پرسیم آیا میتوان ضد انقلابی بود و در عین حال ضد امپریالیست؟ آیا میتوان رهبری بورژوازی (چه حزب، چه لیبرالها) را پذیرفت و آنها و بویژه حزب را مورد تائید قرار داد و ضد سرمایه دار و ضد امپریالیست بود؟ آیا میتوان منافع فئودالها، زمینداران و طبقه سرمایه دار را حفظ و حراست نمود و با زهم ضد امپریالیست بود؟ آیا میتوان کلید دستاوردهای دمکراتیک قیام را سرکوب نمود و بنا بود که زهم ضد امپریالیست بود؟ آیا میتوان سلطه سیاسی، اقتصادی امپریالیسم را بر میهنمان حفظ نمود و با زهم ضد امپریالیست بود؟ آیا میتوان توده های ضد امپریالیست و انقلابیون ضد امپریالیست را سرکوب نمود و

**\* بدین ترتیب در راه بیشتر برای پاسخگویی به بحران کنونی وجود ندارد. یکی پاسخ انقلابی که با خود ناپودی سیستم سرمایه داری وابسته رژیم حافظ آن میسر است. دیگری پاسخی ضد انقلابی که جز با مقابله و سرکوب انقلاب و بازسازی سرمایه داری، وابسته و کلیه نهاد های حافظ آن میسر است.**

اگر بخوایم، یکا یک اقدامات ضد انقلابی مرتجعانه و ضد دمکراتیک که توسط این خط و صد البته تحت هدایت حزب جمهوری اسلامی صورت گرفته است، متنشوی هفتاد من کاغذ شود، امت ما ننشد ما کیا ولیست های حزب خاثن توده ای و اکثریت "خط امام" را شیری یا ل و دم و او شکم کرده و سپس بدلیل مخالفت ضد انقلابی خط امام با آمریکا آنرا خط ضد امپریالیستی جا میزند، در اینجا است که ماهیت خط امت روشن میگردد: خط امت خطی است که مشاطه گردان انقلاب حاکم بوده و نه در پی مبارزه با رژیم بلکه اساسا در سازش با رژیم می باشد در اینجا است که با یدیه امت گفت که خط شما نه خط ضد امپریالیستی و مبارزه جویانه، بلکه خطی ضد انقلابی است چرا که خط شما:

- ۱- توده ها را دعوت به پذیرش رهبری خرده بورژوازی مرفه سنتی که مدت ها است ضد انقلابی گشته، می کند.
- ۲- توده ها را به زیر پرچم بورژوازی فرامیخواند چرا که خط امام در خدمت بورژوازی حاکم است و همواره خواهان ایجاد تقابل هم بین لیبرالها و حزبیها، (که تقاطک گویا شما با هر دو مخالفید)، میباید و خط امام بویژه و عموما از حزب ارتجاعی حمایت میکند!
- ۳- خط امام بدنبال خطی است که هیدست با بورژوازی، سلطه امپریالیسم را بر میهن ما حفظ نموده است از طبقه سرمایه دار و فئودالها حمایت میکند و اصلی ترین ابزار سرکوب امپریالیسم (ارتش دست پرورده) را حفظ و حراست میکند.
- ۴- خط امت بدنبال خطی است که در خدمت سرمایه داری و وابسته بزرگترین سرکوب را در طول بعد از قیام بر علیه انقلابیونی چون مجاهدین و کمونیستها انجام داده است و فعلا لانه سرکوب کارگران، دهقانان، و خلقهای کسرد و

با آنها دشمنی نمود و با زهم ضد امپریالیست بود؟ ممکن است بگوئید خط امام اقدامات ضد امپریالیستی نظیر مبارزه با آمریکا، دفاع از اشغال سفارت و... داشته است و آمریکا با این خط و رهبری مخالف است و این است نشانه ضد امپریالیست بودن این خط! در جواب ما می گوئیم اگر هر مخالفتی با امپریالیسم آمریکا نشانه ضد امپریالیست و مترقی بودن طرف مقابل است بنا بر این "ایدی امین" از "امام" ضد امپریالیست تراست، چه اگر خط امام "سفارت را اشغال نمود و بر آن صدها گداشت، ایدی امین، این مرتجع تاریخ در ضدیت با امپریالیسم انگلیس، انگلیسها را مجبور نمود تا وی را بر دوش خود حمل نمایند؛ ولی آیا این نشانه ضد امپریالیست بودن آن است، خیر! بنا بر این اگر چه "خط امام" تقاطدهای با امپریالیسم آمریکا دارد، لیکن این تقاطد از مقوله تقاطد درون ضد انقلاب است و هیچگونه ماهیت مترقیانه و دمکراتیکی ندارد، و خلاصه کلام آنکه "خط امام" نه تنها بزرگترین دشمن امپریالیسم جهانی نیست، بلکه در هم دوشی با بورژوازی ایران (حزب جمهوری لیبرالها) حافظ سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم و در حقیقت داسدار منافع امپریالیسم جهانی است.

**جبهه متحد امت  
جبهه متحد ضد انقلاب**

جلوتر برویم جبهه خلق شما که تحت رهبری ضد انقلاب قرار دارد از چه کسانی تشکیل میشود؟ ضد انقلابیونی نظیر حزب توده و اکثریت و حزب جمهوری و "امت" و... جبهه ای که در دشمنی با دمکراتهای انقلابی و کمونیست ها دست رژیم



## آیا زحمتگشان ایران به هدف های بزرگشان رسیده اند؟ آیت الله خمینی را به ایران برگردانند، رسیده اند؟

۱۲ بهمن امسال، دو سال از بازگشت آیت - الله خمینی از تبعید ۱۵ ساله در خارج از ایران میگذرد، دوازده بهمن ۵۷، در اوج مبارزات خلق - های ایران علیه رژیم دست نشانده شاه ، زحمتگشان ایران "آیت الله خمینی را که در اس - جنبش مردم قرار گرفته بود با ایران برگردانند و یکی از پرشکوهرترین استقبال های تاریخ را از وی بعمل آورده اند، توده های زحمتکش آیت - الله را با ایران بازگردانند ندیدگمان اینک روز - های سیاه گذشته با این خواهی داشتند، استثمار و ستم طبقاتی از بین خواهد رفت و چهره زندگی زحمتگشان بگلی شیرین خواهد یافت، خلقهای قهرمان ایران انتظار دارند که با بازگشت آیت الله خمینی خواهند توانست حاکمیت انقلابی خود را اعمال کرده و با معایب نوسازند توهمات توده و تبلیغات آیت الله خمینی و اطرافیانش که رهبری مبارزات مردم را بدست گرفته بودند و نیز نبودن یک آلترنا تویو قدرت انقلابی در جامعه، شرایطی پدید آورده بود که توده ها در چهره آیت الله خمینی، خلال همه مسائل و مشکلات خود را میدیدند و به همین جهت در اثر مبارزات انقلابی شان ایشان را به ایران برگردانند، اما وی که به همت توده های

زحمتکش به ایران برگشته بود، زمان بسیار کوتاهی پس از بازگشت، با زرگان لیبرال سازش - کار را به نخست وزیر برگزید، فرماندهان مزدور ارتش شاه را تطهیر کرد و عفو نمود، دستور یورش به آزادیهای دمکراتیک را صادر کرد، مهرها و مزدوران رژیم شاه و از جمله جلادان ساواک را مورد عفو قرار داد، سخما دستور حمله به کردستان قهرمان را صادر کرد، بدترین تهمت ها را به کمونیست ها و انقلابیون دیگر که سالها در سخت ترین شرایط بخاطر رهایی زحمتگشان مبارزه کرده بودند، وارد کرد، کشتار خلق عرب خوزستان را بدست مدنی مزدورتا شید کرد و ....  
و آرا مآ را مخلقهای زحمتکش ما دریا فتنه (ومی یا بند) که آنچه از بازگشت "آیت الله" انتظار داشتند، سرا بی بیش نبود.

آری زحمتگشان ایران با دستا ن برتوان خود، شرایط بازگشت آیت الله خمینی را به ایران فراهم ساختند ولی ایشان بنا به ما هیت طبقاتی اش قدرت و تمایل با سخگوشی به نیا ز - های توده های ستمکش را نداشت و مردم قهرمان ایران با درک این واقعیت مبارزه خود را برای تحقق خواسته های انقلابی شان ادامه میدهند.

شاه را از پشت بسته اند، برآستی جبهه خلق شما برهبری "امام خمینی" چه تفاوتی با جبهه متحد خلق "حزب فدا انقلابی توده ها" ترکیب نیرو - های آن که یگان است، پذیرش رهبری ضد انقلاب که در هر دو یگان است، دشمنی با کمونیست ها و انقلابیون که در هر دو یگان است، تبلیغ ضرورت نزدیکی با آردوی سوسیال - امپریالیسم که در هر دو یگان است، آری به - درستی آنچه شما در فکر تشکیل آن هستی توده جبهه متحد خلق، بلکه جبهه متحد فدا انقلاب است جبهه - ای که تنها جای لیبرالها در آن خالی است! آری دیدگاه سوم "که در فکر تشکیل جبهه فدا انقلاب تحت رهبری فدا انقلاب است، مبنای فعالیت خود را نیز پذیرش حاکمیت جمهوری اسلامی و قانون اساسی مرحله ای قرار داده است آیا مگر روشن نیست که قانون اساسی کنونی، قانونی درجهت برسمیت شناختن مناسبات سرمایه داری، قانونی ضد دمکراتیک و فدا انقلابی است؟ چگونه میخواهد با پذیرش چنین قانون اساسی ارتجاعی، مبارزه انقلابی کنید، چه فرقی بین مبارزه شما و مبارزه لیبرالها در دوره شاه خا شن که با برسمیت شناختن قانون اساسی، فعالیت میکردند، وجود دارد، واقعیت این است که شما میخواهید با پذیرش قانون اساسی فدا انقلابی با تشکیل جبهه متحد فدا انقلابی، با پذیرش رهبری فدا انقلابی و با قیدت با نیرو ه - های کمونیست و انقلابی در چپا رچوب پذیرش حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی عمل کنید، دیدگاه سوم شما، چیزی جز فدا انقلاب بزرگ کرده نیست، راه سوم شما علیرغم تمام شعارهای پوچ و تو - خالی و رادیکال نما یا نه "شما، راه سوم نیست، بلکه راه فدا انقلاب است راهی که امکان نخست وزیر شدن ریاست جمهوری و وزارت امور - خارج و ... را برای سردمداران امت در رژیم ارتجاعی کنونی مهیا ساخته است، قرار گرفتن در راس چنین مقامهایی ما هیت واقعی کمانی چون دکترین ما آشکارا بر ملا خواهد شد.

## فساد و فحشا در سپاه پاسداران

شدن "قرصهای ضد ملنگی" داستا نها میسرا بد و شب و روز از زهد و تقوا دم میزند، در دامن خود چنین پاسدارانی را پرورش میدهد که ۵ برابر "مکتبی" و آنهم پاسدار با خواهر مکتبی شان روابط آنچنانی برقرار میکنند! زهی بر شرمی! در حالیکه کمونیست ها با پیروی از اخلاق و فرهنگ کمونیستی در مورد مسائل مربوط به روابط زن و مرد با تبلیغ روابط با لئو و انقلابی با هرگونه لال با لئوگری و فساد مبارزه کرده و در جهت از بین بردن علل پیدایش آنها با یمردی میکنند. در حاشیه این واقعیتها یادآوریم که رویزیونیست های "اکثریت" (فدا خا ن) کرده در دفاع از پاسداران "گاسداغ تراز آتش شده بودند و این مسئله را "نا یعه پراکنی" بی اساس "فدا انقلاب" قلمداد میکردند. رویزیونیست های مرتد چه زود و آه های معمول حزب جمهوری اسلامی را یاد گرفته اند اما ارجاع پیرونده - ها دادگستری و آفتابی شدن این ماجرای رسوا در نزد مردم شهر، این مدافین جدید ارتجاع را نیز آفشا کرد.

در اوائل دیماه یک نفر از پاسداران بجرم داشتن "روابط نامشروع" با یک دخترتاریا سدار دستگیر شد، این دخترتاریا سدار با کما مور شلاق زدن زنان بدکاره بود (||) آبتن هم شده بود، زعمای پاسداران نوشهر برای جلوگیری از در زخیر به بیرون به پاسدار مذکور فشار می - آورنده که با دخترتاریا سدار ازدواج نماید، ولی او نمی پذیرد. "وجدان" این پاسدار که هم "مکتبی" و هم با "تقوا" بود، او را و دار به فاش ساختن حقیقت می نماید، وی اعتراف میکند که علاوه بر وی چها پاسدار دیگر (که لابد آنها هم مکتبی بودند) با این دخترتاریا سدار "مکتبی" (که ما مسور تنبیه زنان بدکاره بود!) را بطنه داشته اند، در نتیجه هر پاسدار با زدا شت شده و پیرونده به دادگستری ارجاع میشود.

رژیم جمهوری اسلامی که روزی نامه هایش را از فحاشی و ناسزا های تولید می کند و همانند رژیم شاه بدترین و کشیف ترین اتهامات را به انقلابیون و کمونیست ها در مورد با صلاح دانستن روابط نامشروع وارد کرده و از با صلاح پیدا

بقیه از صفحه ۱۷ برگشته  
خرابی را که در اختیار داشتند در زیر چادر روشن کنند و این مسئله موجب میشود که ۵ تن سن از زحمتگشان آوار در اثر تراک زگرفتگی به وضع دردناکی کشته شوند.  
این زحمتگشان تا زمانی که در مناطق جنگی بودند توسط توپخانه و هوا پیمای مزدوران عراقی کشته میشدند و امروز بعلت نداشتن مسکن مناسب و دیگر نیازهای اولیه زندگی در واقع بدست رژیم جمهوری اسلامی این چنین جان خود را از دست میدهند. این واقعیت دردناک لکنه تنگ دیگری است بر دامن رژیم جمهوری اسلامی و مهربان طلب سر شعاری غریبکاران که آن در مورد ادعا هسای حمایت از زحمتگشان میزند.  
نقل با ختم از "فربا آوارگان" ۱۱  
کمیته خوزستان



**حمایت از آوارگان با خرید و فروش آنان**

درینما بوریا ساری به مردم بیستها دمیکرد که میتوانند از ۴۰ زن و بچه ای که از آوارگان جنوب میباشند در نیشا بوریا کن هستند سیرینی کنند و در مورد شرایط این "معامله" میگفت که هرکس در مقابل پرداخت ۱۰ هزار تومان می تواند یک زن و سه کودک را برای سرپرستی تحویل بگیرد پس از تحقیق معلوم شد که زن و مردی که بچهدان شده اند در مقابل پرداخت ۵ هزار تومان یک سرپرچهره را تحویل گرفته اند.

رژیم خاش در حرف دم زحما بیت از آوارگان جنگ میزند، ما در عمل نه تنها مسازات آنان بخاطر خواسته های اولیه و برحقشان سرکوب میکنیم بلکه از راه فروش آنان درآمدی را به جیب میزنیم!

شک بر چنین رژیمی که سر پای آن دروغ و فریب است!



**آوارگان زندان را بچادرهای خارج شهر ترجیح میدهند**

آوارگان جنگ زده در شهر شوشتر نیز چون دیگر شهرها با مشکلات فراوان از نظر غذا، مسکن، پوشاک، بهداشت و... بسر میبرند و جز از رودرد سرخیز دیگری از عوامل رژیم ندهیده اند.

عده ای از این آوارگان در شرایط سختی در مدرسه مطهری بسر میبرند ولی رژیم بجای بهبود وضع آنها سعی کرده تا با تهدید و اهرام آنها را بخارج شهر و به زیر چادرها منتقل کنند، که با مقاومت شدید آوارگان روبرو میشوند، مزدوران رژیم آنها میکوبند که اگر برای رفتن به چادرها امضاء ندهند، کمیته را بسراغشان می فرستند، مردم زحمتکش و آوارها اظهار می دارند: "ما حاضریم به زندان برویم ولی به چادرها نخواهیم رفت."

عوامل رژیم که در مقابل مقاومت آوارگان خود را زیون می یابند بزبان همیشگی رژیم های ارتجاعی آنها را تهدید به سرکوب میکنند، آوارگان زحمتکش که می بینند علی رغم زندگی در شهر و هم بستگی مردم رژیم جمهوری اسلامی با آنها چنین رفتار میکند بخوبی آگاهند که در خارج شهر نه تنها هیچ کمکی به آنها نخواهد کرد بلکه دواز چشم ندهده ها همچنان آنان را در شرایط طاقت فرما نگهداشته و به سرکوب و آزار آنها خواهد پرداخت ولی این بازنیز با مقاومت رزمجویانه نوده های آوارها روبرووند.

**اخبار جنگ**

**کمکهای جمع آوری شده برای آوارگان در کجا خرج میشوند؟**

آوارگان زحمتکش، مردم مبارزانزلی با خلع سلاح و انحلال گروه ضربت "بره سر" توسط مردم مبارز و متحدان در خارج کربسی مرتجع معروف رئیس گروه ضربت، معلوم شده است که مبلغ ۷۰ هزار تومان که برای کمک به آوارگان جنگ از مردم جمع شده بوده، صرف ساختن زندان گروه ضربت و بقیه خرید یک اتومبیل با نام و برای رئیس گروه ضربت گردیده است. در ضمن مقادیر زیادی تاید، سیکار، روغن، بنرچ، احتکار شده در گروه ضربت بدست مردم افتاده است.

مردم مبارز زحمتکش!

هم اکنون آوارگان انزلی که قربانیان جنگ سرما به داران ایران و عراق هستند در بند تریس سراط بسر میبرند. در حالیکه جمهوری اسلامی کمکهای مردم را صرف ساختن زندانها و خرید ماشینهای لوکس میکند، اینست ما هیئت رژیم فدخلقی جمهوری اسلامی، این حق عادلانه توده ها است که با مسازده انقلابی هتلها، ویلاهای سرمایه داران و اجناس احتکار شده توسط رژیم و سرما به داران را بدست آورند.

گسترده با دجنش و بگیرنده تعرضی توده ها! با تمام قوا از آوارگان جنگ تا عادلانه حما بیست کنیم!

مرگ بر امپریالیسم و ربح داخلی حامی آن! برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق! سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر (جوهره انزلی)

**آش کشک خالته - بخوری پاته نخوری پاته!**

بسررا کیک زده است، در آشها گرم بپسدا شده و اغلب سومیدهند اغلب خرماها گرم زده هستند، در غذای دوبیا زه میخ پیدا شده است، آب گوشتها سومیدهند و قابل خوردن نیستند، غذاها کم هستند و دیر داده میسوند، تا کنون این عداها با عت مسومیت و بسیاری تعدادی از جنگ زندگان شده است، اما رژیم در پاسخ اعتراض مردم مسکوب و مکرظلم کار زید، همین که هست، می -

خواهند محورید، می خواهند محورید، سازدها بند خدا، اهم سرکارها سازید، آری از نظر رژیمی که هاشمی رفسنجانی یکی از سرمداراناش در یک قلم ۲۵۰۰/۰۰۰ میلیون تومان خرج خرید سلاحه برای با سادارانش میکند و ۸۳ میلیون تومان به روحانیون سی و شصده برای تحمیل مردم میدهد و میگوید این جنگ خانمان براندا زخیرات بسیار داشته است حتما این راههمه حساب خیرات جنگ میگذارد، غافل از اینکه ما با اتحاد خود و با افشای سیاست های ضد مردمی نخواهیم گذاشت بیش از این بما اجاف بکند.

متحد نیوم و حقوقی حقه خود را از حلقوم رژیم بیرون بکشیم!

آوارگان جنگ هوارا سازمان پیکسار در راه آزادی طبقه کارگر - شیراز - ۱۳۵۹/۱۰/۱۹

**روی "شیر و خورشید" شمس پهلوی را سفید کردند!**

رسمیتی به ما گزارش کرده است که: در خیابان گرگان میدان ثریا در جاده در جاده ساری یکی به مردم پیوستی فرسود، از چند روز قبل این پتوها به قیمت ۱۶۰ تومان و به هر نفر تا ۴ پتو فروخته میشود، ولی به تازگی به خاطر استقبال مردم به هر نفر یک پتو با در دست داشتن کارت نفقت و به قیمت هر پتو ۲۰۰ تومان میفروشند، این پتوها همان پتوها است که مردم به جنگ رده ها کمک کرده اند، در ضمن یکی از همسایه های ما یک کیسه بنرچ خریداری میکند و بعد در موقع آن نوشته شده بود "این کیسه بنرچ را به جنگ زندگان هدیه کرده ام اگر به مصرف دیگری برسد ما حیا آن زانی نیست."

**از مذاکرات محرمانه مجلس!**

روز ۲۴ دی ماه در مذاکرات محرمانه مجلس مطرح میشود که "شهرها از نقاط مختلف آن کلا ملا تحت محاصره است، ضمنا در شهر هویزه، در حوالی سوسنگرد، جنگ تن به تن جریان دارد و تمام نواحی که طرف ۱۰ روز گذشته رژیم از جنگ نیروهای عراقی بردارده و آنهمه حول آن تبلیغات کرده اند از طرف نیروهای عراقی باز پس گرفته شده است."

راستی مذاکرات "نمایندگان مردم" چرا از "مردم تحقیق نگاه داشته میشود؟ آیا تا به این است که رژیم از رویدن حقایق وحشت دارد؟

**جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق**



### "آواره زندانی آزاد باید گردد"

ما هشیمر: رژیم جمهوری اسلامی با ادا محنت غیرعادلانه کنونی که به نفع سرمایه داران است باعث تشدید خرابی، فلاکت، فقر، گرسنگی و آوارگی نوده های زحمتکش کمت، رژیم که به دروغ خود را حامی "مستضعفین" جا میزند، در طی این مدت آوارگی نه تنها خود کمکی به آسایش نکرده بلکه کمک های مردم به هموطنان جنگ زده را نیز دزدیده است.

زحمتکشان آواره زانها رگرسنگی، دریدری بی چیزی و برای گرفتن حقشان در کمپ "ب" نمایندگانی انتخاب میکنند رژیم که قصد ندارد حق آوارگان را بدهد سعی میکنند فریاد آنها را در هر کجا که هستند خفه کنند. بی شرمه آنها بندگان واقعی را که مردم آواره آنها انتخاب کرده بودند دستگیر و روانه زندان میسازد همین منظور در تاریخ ۵۹/۱۰/۹ از طرف زحمتکشان آواره کمپ نظا هراتی صورت میگیرد. نظا هر کنندگان در حالیکه برای اطلاع بقیه آوارگان در کمپ دور میزند شعراهای "آواره زندانی آزاد باید گردد" "نمایند" نما بنده حما بیتت میکنیم" "حرف ها، حروف نما بنده ما ست" " اتحاد، اتحاد، آوارگان اتحاد" را میدادند.

جمعیت پس از تجمع در محوطه و روبروی دبستان "بها آزادی" ما هشیمرنو، در حالیکه شعارهای با لارا تکرار میکردند بیطرف ما هشیمر کهنه پراها افتادند. راهیما بی زحمتکشان آواره که تواتا نسته بود مح رژیم را پیش از زین در بین کلیه آوارگان کمپ و مردم ما هشیمریا زکندو نظا ن دده که رژیم بچریک منت دروغ چیزی به آوارگان نمیدهد، باعث وحشت رژیم و پاسداران سرمایه شد. آنها بخاطر آنکه از رسیدن فریاد آوارگان به گوش دیگر زحمتکشان جلوگیری کنند بعد از رسیدن نظا هرات به اول بیابان ما هشیمرنو ما هشیمر کهنه با سدر کردن جاده مانندگان دریده به جمعیت حمله ور شدند.

پاسداران چند نفری را دستگیر کردند که تعدادی از آنها با بقا و مت مردم زحمتکشان آزاد شدند. پاسداران که ابتدا "الله اکبر" گویان به آوارگان حمله کرده بودند زبونی و بیترمی خود را به منتها درجه رسانده و خروج به شلیک هوائی میکنند

پاسداران بعد از مدتی در کبری توانستند ۶ دختر و پسر آوارگان را دستگیر کنند. نظا هر کنندگان بعد از این در کمبری دست به دست مطرف کمپ بازگشتند.

رژیم که ما را و با رهائی دستانی خود را با رحمت کسان به ایات رسانده است برای خفه کردن

### نگاهی به جنبش آوارگان جنگ در سراسر ایران

نریا زحمتکشان آواره به ایجا دجو حقتان در کمپ میادرت میکنند رهی خیال باطل ایاسداران و جاسویان رژیم بعد از تمام شدن راه هیما بی در محل کار (در ورودی کمپ) ایستاده بودند تا مردم آواره ای را که در راهیما بی شرکت کرده بودند دستگیر و با تعقیب نمایندگان در فرصت مناسب دستگیر و زندانی کنند.

آوارگان مسترد در کمپ با این حرکت اعتراضی خود نشان دادند که اهیت اتحاد و همبستگی را به خوبی درک کرده و صف دوستان و دشمنان خود را تشخیص میدهند.

مختصر شده از "فریاد آوارگان" ۱۵ (کمپته خورستان)

### زحمتکشان عراقی: قربانیان بمبارانهای ارتش جمهوری اسلامی

از آغاز جنگ ارتجاعی کنونی کمونیستهای راستین ادعاهای یوح سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را که گویا "تنروی هوائی جمهوری اسلامی هدف های غیرنظامی را بمباران نمیکند" را با دلایل و ارا نه سندا فسا کرده اند و نشان دادند که آنها هم بطوریکه ارتش مزدور بعث عراق زحمتکشان ایران را بخاک و خون کشیده و سمارستانها، مدارس، محل تجمع زحمتکشان و... وادار آبادان آهواز، خرم آباد، کرمانشا ه و... بمباران مستعاید در اشریما را نه ای ارتش جمهوری اسلامی بیخ از همه زحمتکشان عراق هدف حمله های وحشیانه قرار میگیرند. عکس با لاکه در روزنا مه میزان



بمبارانهای جمهوری اسلامی، پاکتکار زحمتکشان عراقی، "انقلاب" صادر میکنند!

### نمونه ای از دزدی پاسداران

پس از مصاحبه تلویزیونی فارس با آوارگان ساکن خوابگاهها را مونت ساکنین متوجه میشوند که کمک مالی به این خوابگاه مبلغ ۴۰۰۰۰ تومان و سه انگشتری طلا بوده است و با ادعای پاسداران که کمک مالی را ۱۲۰۰۰ تومان با باقی پول انگشتری اعلام کرده بودند تمام داد و پس از بر ملا شدن دزدی پاسداران سرمایه و اعتراض ساکنین پاسداران که قصد دستگیری معتزین را داشتند در اثر اعتراض مردم عقب نشینی میکنند.

اما روز بعد پاسداران بوزی بدست به خوابگاه ریخته و شعار آوارگان را دستگیر میکنند که پس از گرفتن عهد آوارگان میگویند. این نمونه ای از "اخلاق اسلامی" پاسداران "مکتبی" است رژیمی که بر پایه منافع سرمایه داران و جبا و لکران موجودیت پیدا کند چسب پاسدار در دو... نمیتوانند تربیت کنند. به نقل از اخبار از "فریاد آوارگان" ۱۱ کسسه خورستان

جاب شده بخوبی واقعیت را نشان داده و صدق گفته های کمونیست ها را یکبار دیگر ثابت مینماید. سند فوق بروشنی نشان میدهد که قربانیان بمباران بغداد توسط ارتش ایران را زحمتکشان عراق تشکیل میدهد.

### مرگ دردناک زحمتکش آواره لکه تنگ دیگری بردمان رسوای رژیم

در اردوگاه هجادی آوارگان واقع در ۶ کیلومتری نیزهما نند بسیاری نقاط دیگر زحمتکشان آواره در شرایط بسیار بدی بسر میبرند. ریزش برف در اطراف بهیما ن سردتر شدن هوا زندگی را بر آنها سخت تر نموده است. در تاریخ ۶ دیماه یک خانواده جنکرده برای گرم کردن خانواده خود مجبور میشوند چراغ نفتی

بشده در صفحه ۱۵

## مبارزه علیه جنگ رابه اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

درباره اتحادیه رویزیونستها

برخی چتر رفا در مورد اتحادیه رویزیونستها از ما سوال کرده اند، که نظر ما درباره آنان چیست و چرا به لجن پراکنی ها و فحاشی های آنها نسبت به ما زمان جوانی نمیدهم.

در مورد اول یعنی ما هیت اتحادیه با بد بگوئیم که بنظر ما این نیرو، یک دارودسته ضد انقلابی و رویزیونست می باشد. چه اینان بسا حمایت از رژیم جمهوری اسلامی و کینسه روزی نسبت به کمونیستها و انقلابیون، بعنوان سدی هر چند بسا رنای چیز و حقیر در برابر تمام انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهای میهنان قرار گرفته و بسا برای این از طریق افشا و طرد با بد لایروبی شوند.

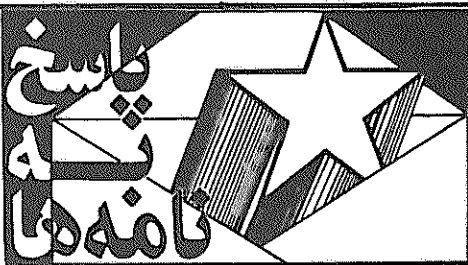
اینان خدمتگزاری و چاکرمنشی در آستان بورژوازی و دشمنی با کمونیستها (بویژه سازمان ما) را با بد انجام داده اند که به منظور خوش خدمتی به رژیم و بزعم خودشان افشای ما برای افراد بسیج کلاسیک گذشته و آموزش ضد پیکاری میدهند (در خوزستان) مردم را جمع کرده و بزعم خود با افشای مواضع ما، ما را خیانتکار به انقلاب جلوه میدهند.

اینان در دشمنی و لجن پراکنی به کمونیستها و خدمتگزاری بورژوازی دست پذیر خا نده رنجبر - پشان را از پشت بسته اند و با حرارت دوسد - چندان بیشتر از همپا لکی های اکثریتی و رنجبری از ضد انقلاب حاکم دفاع میکنند. ممکن است عده ای بگویند آنان هنوز کما ملا رویزیونست نشده اند چه فی المثل علیر عم کرایشات قوی سهجانی هنوز سهجانی نشده اند. در پاسخ به این دسته از رفا با بد گفت: اشکال رویزیونسم در رویزیونسم خروشجفی و سهجانی خلاصه نمیشود. همه منظور که رفیق لنین میگوید رویزیونسم پدیده ای بین المللی است که در اشکال بی نهایت متفاوت ظاهر میشود. لیکن علیرغم دوری و یا نزدیکی اشکال آن به یکدیگر - ما هیت یکی هستند و آن عبارت است از تجدید نظر در ما رکیسم - لنینسم و نفوذ ایدئولوژی بورژوازی در پرولتاریا.

اساسی ترین مقوله ای که ما رکیسم با آن سروکار دارد، دولت و مبارزه طبقاتی است. تجدید نظر در ما رکیسم در این دو مقوله اساسی به اشکال گوناگون و پیچیده آشکار میشود.

اتحادیه رویزیونستها در این دو عرصه اساسی کما ملا تجدید نظر نموده و با ملی خواندن دولت ضد انقلابی، حمایت فعال از آن و دشمنی با جنبش کمونیستی و انقلابی خلق، ما هیت رویزیونستی خویش را به نمایش گذاشته است. آیا جنگ، این رویزیونسم پوشیده اتحادیه رویزیونستها را همچون "فدا شیان اکثریت" به سویال شوینیسم آشکار و بی پرده تبدیلسل نموده است؟

اینکه بینداریم رویزیونسم در چند اصل



ما نند قبول تئوری سهجانی و با قبول راه رشد غیر سرما یه داری، همزیستی مسالمت آمیز و... خلاصه شده است، سخت دچا ره سادها ندیشی گشته ایم و بدین ترتیب مظار گوناگون آن را نمیتوانیم توضیح دهیم. فی المثل آیا "اکثریت" بعد از ۵۹ ر، علیرغم آنکه رسا راه رشد غیر سرما یه داری را قبول نکرده بود، می با یست گفت چون ایسن تز رویزیونستی را کما ملا قبول نکرده است، پس رویزیونست نیست؟! آنگاه اگر دچا ر چنین ساده

- نگری می گشتیم، رفرمیسم ضد انقلابی، ارتداد ایدئولوژیک و دشمنی آنان با جنبش کمونیستی و خلق را چگونه توضیح میدادیم؟! گره به دلیل آنکه دوسیستم عمیقاً منسجم رویزیونستی (خروشجفی و چینی) وجود دارد، اما اشکال دیگری از رویزیونسم میتوانند وجود داشته باشند که نسبت به دوسیستم فوق از ویژگیهای برخوردار است. دارودسته اتحادیه رویزیونستها نیز که همخوانی بسیاری با پدرخواندگان رنجبری خود دارند، در حال حاضر بدافع با صلاح "برداشت انقلابی" از تزنسهجانی است، سرانجام احتمالاً به پذیرش کما مل تئوری ارتجاعی سهجانی تن خواهد داد، اگرچه هم اکنون ترهات رویزیونستی این ترزا در عمل و درجا معما پیدا میکنند. دفاع از حکومت ضد انقلابی کنونی یعنی همان کشوری مستقل و در برابر بردوا بر قدرت "نمونه ای از این ترهات است.

اما در جواب به قسمت دوم سوال که چرا ما با این جریان برخورد نمیکنیم.

با بد بگوئیم که از آنجا که این نیروییگ جریان و رشکته سیاسی است که در صف دشمنان خلق و کمونیستها قرار دارد، و آنقدر نا چیز است که بعنوان یک نیروی مخرب اساساً نقشی در جنبش خلق ندارد.

از اینرو ما رزه ایدئولوژیک با اینس جریان هیچ تا شیر محسوسی در جنبش کمونیستی و انقلابی ندارد و لذا از هیچ اهمیتی برخوردار نبوده و افشای آن تا شیر قابل ملاحظه ای در جنبش باقی نمیگذارد و جز خرده کاری و بازماندن از مسائل اصلی، هیچ نتیجه ای در بر ندارد. بالعکس "چریکهای اکثریت" که در صف دشمنان جنبش کمونیستی و انقلابی قرار دارند، لیکن بدلیل نفوذ نسبتاً توده ای که دارند، نقشی بسا مخرب و ضد انقلابی را در جنبش ایفا میکنند و بسا همین دلیل افشای این جریان و شرکتی توده ای، از اهمیت حیاتی برخوردار است و با بد بپیکان مبارزه ایدئولوژیک ضروری رویزیونستی متوجه این نیروهای ضد انقلابی رویزیونست با شد.

رفیق بن از دانش آموزی غرب تهبران پرسیده است آیا شعار "رژیمهای که خلقهای خود را سرکوب میکنند، نمیتوانند در جنگی بنفع مردم شرکت کنند" شعار غلطی نیست؟

رفیق! بنظر تودرست است، این شعار از آنجا که حکم کلی ما در نموده است که کلیه رژیم های ارتجاعی نمیتوانند در جنگ عا دلانه شرکت کنند، اشتباه است. جنگ ضد ارتجاعی، جنگ جهانی دوم نمونه های دیگرش اهدا بین مدعسا هستند که رژیمهای که خلقهای خود را نیز سرکوب میکنند، شرکتشان در یک جنگ عا دلانه میتواند عملاً بنفع جنبش تمام شود. اگر چه آنها از موضع ضد انقلابی خودشان و برای منافع خویش در جنبش جنگی شرکت میکنند، در این مقاطع، منافع خلق و رژیم ضد انقلابی همسو میشود.

از اینرو اگر چه بطور عموم رژیمهای سرکوبگر نمیتوانند در جنگی بنفع مردم شرکت کنند، اما این امری مطلق نیست و به ما هیست جنگ سیاسی که منجر به جنگ شده بر میگردد. اما در مورد خاص ایران و عراق این شعار درست است. چه جنگ کنونی، جنگی ارتجاعی است و رژیمهای ایران و عراق که خلقهای خود را سرکوب مینمایند، اهداف و سیاستهای ارتجاعی را در این جنگ دنبال میکنند و نمیتوانند در جنگی بنفع مردم کشور خویش شرکت کنند. این شعار در این مورد مشخص صحیح است و ما شعار قبلی را بدلیل اینکه جنبه ای کلی داشت حذف کردیم.

رفیق ع - ه طی نامه ای خواستار روشن نمودن درک سازمان ما نسبت به ساختار ما، مرحله انقلاب، مضمون انقلاب دمکراتیک و مرز بندی با نظرات دیگران شده است سپس پرسیده است چگونه در روسیه انقلاب دمکراتیک بدون رهبری پرولتاریا تحقق یافت و آیا امکان گذار به انقلاب سوسیالیستی بدون عبور از مرحله دمکراتیک امکان پذیر است یا نه؟

ما در مورد مسائل فوق در آتیه نظرات خود را بیان خواهیم نمود اما در مورد انقلاب دمکراتیک فوریه روسیه بصورت مختصر در اینجا پاسخ میدهم:

رفیق، ما مع روسیه یک جامعه سرمایه - داری بود، که تحت سلطه امپریالیسم نبود، بلکه خود یک کشور امپریالیستی محسوب میشد ولی از آنجا که در روسیه بقایای نیرومند متاسبات فئودالی برقرار بود و بدلیل آنکه بین زیربنا و روبنا آن تضاد وجود داشت یعنی طبقه مسلط اقتصاد بورژوازی و طبقه مسلط سیاسی فئودالیها بودند، مرحله انقلاب دمکراتیک بود. در آن شرایط هنوز سرمایه جایگاه کما ملا ارتجاعی نیاخته بود (پس از سال ۱۹۱۴، ارای چنین جایگاهی گشت) از اینرو لنین در دوتا کتیک از دورا ابرای تحول دمکراتیک انقلاب سخن

بقیه در صفحه ۲۱



### علی اکبر هاشمی رفسنجانی (حزبی)

اسم: طلی اکبر هاشمی رفسنجانی  
ایدئولوژی: "مکتبی" مکتب سرمایه داری  
شغل: زمیندار، پسا زنفروش، عضو شورای اسلامی.

جرم: شرکت فعال در بازاری سرمایه داری وابسته به امپریالیسم سرکوب و کشتارگران و زحمتکشان و یغیانت به خلقهای قهرمان ایران  
- حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در حالیکه بورس بازاری و زمینخواهی ناشی از رشد سرمایه داری وابسته و دسترنج میلیونها تن از زحمتکشان ما را و حشیا نه می بسلید و صدها هزار تن از کارگران و زحمتکشان در حصر آبادها و حلبی آبادها در حسرت خانه های محقر بسر میبرند به شغل انگلی و پرورد آمدیسا زو بیفروشی مشغول بود. در اواسط سالهای ۴۰ زمینهای وسیعی در خیابان آزادی (حول وحوش مسجد صاحب الزمان) را ساخت و فروخت. در کرج هم به همین کیسار مشغول بوده. منجمله ما ختمان بانک صادرات مقابل شهرداری کرج را ساخت. همچنین در زمینهای "سالاریه" قم نیز به شغل بازاری و بیفروشی میپرداخت. داشتن باغهای پسته در رفسنجان نیز یکی دیگر از افتخارات ایشان است که معروف همگان میباشد. آقای رفسنجانی طی سفری به خارج کشور در سال ۵۴ کوشید امتیاز نمایندگی برخی از شرکتهای ژاپنی را نیز کسب کند. بنا بر شواهد فوق و یک سرمایه دار و زمینخواه میباشد.  
- طبق اسناد مکشوفه در سفارت امپریالیسم آمریکا رفسنجانی به همراهی رجبی خود بهشتی بطور مخفیانه و دور از چشم خلقهای بیچاره ایران در سال ۵۷ قبل از قیام با ارتش "فره باغی" و سپهبدان صرمدی رئیس ساوگشا ملاقات کرده است (تا مهرداد شجوی سابق "پیرو خط امام" به نشریه مجاهد ۱۰۴) آقای رفسنجانی زمانی به ملاقات و مذاکره و سازش با جلادان خلق های ایران مشغول بود که توده های زحمتکش

## گیر خوار است انقلاب علیه ضد انقلاب افشای ماهیت سران لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی در پستگاه خلق

ما رژیم شاه را آستانه نابودی قرار داده بودیم  
- عفت در شورای با مصلح انقلاب که مرکز تجمع فدا انقلابیون لیبرال و حزبی و اهرم کرداننده سرکوب انقلاب و توده ها بوده است.  
- تلاش برای منحرف کردن مبارزه فدا مبریا لیستی توده ها به سمت فدیت با کمونیستها و سرکوب آنان. رفسنجانی پس از ترور مطهری به وسیله گروه فرقان، آن اقدام را وقیحانه به کمونیستها نسبت داد. اینترادریک سخترانسی در مراسمی که با حضور آیت الله خمینی بهمین مناسبت در قم برپا شده بود ایراد کرد (روزنامه ۱۳ اردیبهشت ۵۸) این عنصر عوام فریب کمونیستها را به "ترور" متهم میکنند تا توده های ناآگاه را به دشمنی علیه کمونیستها - ایمن دشمنان آشتی ناپذیر سرمایه داری - برانگیزد اما حوادث بعدی مشتاقان را با زکردن نشان داد که تروریست و آدمکش رژیم جمهوری اسلامی بویژه حزب ایشان است. ترورهای که رژیم جمهوری اسلامی تا بحال علیه انقلابیون کمونیست و مجاهدان زحمتکش و رهبانان انقلابی خلق ترکمن (توماج، مختوم، جرجانی، واحسدی) و پیکارگران شهید طیب نجم الدین، مسعود صالحی را دوغیره به اجرا در آورده ما هیت جنایت کارانه و تروریستی آقای رفسنجانی و حزبی را بخوبی نشان میدهد  
- از بنیانگذاران حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی: حزب جمهوری اسلامی که آقای رفسنجانی از اعضای اصلی شورای مرکزی آن است خیانتهای بی شمار مرتکب شده که یکی از آنها ممانعت از اتمام انقلاب، تلاش برای سرکوب انقلابیون و کمونیستها، ترور آدمکش و قتل عام در کردستان و دیگر مناطق، ایجاد جو خفقان و تفتیش عقاید و دستجات مبارزه با احزاب سازمانهای الهی - که رفسنجانی بویژه در زمان تصدی وزارت کشور در آنها نقش فعال ایفا کرده است.  
- ایفای نقش فعال در اجرای انتخابات قلابی مجلس و فرماندهی قانون اساسی ولایت - قبیله که "تصویب" آن ضربه بزرگی به انقلاب بقیه در صفحه ۲۲



### دکتر ابراهیم یزدی

اسم: دکتر ابراهیم یزدی  
ایدئولوژی: لیبرالیسم بورژوازی ضد انقلابی  
تابعیت: تبعه آمریکا (تا قیام بهمن ۱۳۵۷)  
شغل: معاون سابق نخست وزیر در "مورا انقلاب" وزیر پیشین امور خارجه نمایندنده ویژه "ام" در امور استانبول سرد پیر سابق روزنامه کیهان، نماینده مجلس شورای اسلامی  
جرم: توطئه علیه انقلاب خلقهای ایران و حفظ بازاری سرمایه داری وابسته و یغیانت به منافع خلقهای ایران

- در سالهای خفگان، آنگاه که معیار مبارزه و انقلابی بودن در میدان مبارزه محک زده میشد، آسوده بال به آمریکا رفته و در آن کشور مقیم میشد.  
- با داشتن تیتراژ دکتر در روسا زدر شهر وستون (تگزاس) بیکار رپرداخته و با اثبات "لیاقت" و "ناپستی" اش، "افتخار" "تبعیت کشی" آمریکا را پیدا کرده و دارای گذرنامه آمریکا میگرد و تا برقراری جمهوری اسلامی و قبضول مسئولیت اجرائی وی رسماً آمریکا میبود و موظف به دفاع از منافع امپریالیسم آمریکا (میگویند) و هنگامی که با سیور آمریکا که به کمک یکی از سنا توره های لیبرال فراهم شده بود آقای یزدی طبق مرسوم پرچم آمریکا را بوسیده و بدین سوگند و فدا داری یاد کرده است!  
- او جگری فعالیتهای انقلابی مسلحانه در ایران از سال ۵۰ بیعد و افتادن تمام مجاهدین خلق بر سر زبانه ها و و چمران و قطب زاده را بفرسود استفا ده از نا مجاهدین انداخت. آنها گمان می بردند با مصلح حمایت از مجاهدین و چسبیدن خودشان به آنان میتوانند در روی مجاهدین تا شیر گذارده و لا آنها را از هم کاری با کمونیستها با زدن و دیگری آنگاه آنان را از نا شیدا ر کسب لنینیسم بعنوان "علم رهایی خلقها در مبارزه با امپریالیسم" منصرف سازند. یزدی کوشید با انتشار نشریه ای

## علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها!

سیا مها همدرد را با صلاح پشت جبهه مجاهدین معرفی کند ولی بخش خارج از کشور مجاهدین که در آن موقع بوسیله رفقای ما اداره میشد هتیاران و در حدی که توان ایدئولوژیست و سیاسی آنان در آن زمان اجازه میداد ما منع چنان سوءاستفاده ای شد. (رجوع شود به پیکار ۲۸ مورخه ۲۴ دی ماه ۱۳۵۸).

● دکتر یزدی با انتشار رپیا مها همدرد آمریکا (که آن را قطب زاده درباری تشریح میکرد) با ادعای طرفداری از مجاهدین برای خود را و دستهای بر اهتدای خت ولی نیروهای انقلابی را هرگز نتوانست بفریبید. رفیق شهید مرتضی - خاموشی یکی از کسانی بود که بزودی آنها را رها کرد و به سازمان مجاهدین پیوست (پیکار ۴۴ مورخه ۸ اسفند ۵۸) تلاش یزدی برای منحرف کردن و مشغول نمودن هواداران مجاهدین در آمریکا و جمع آوری امکانات مالی فراوان بنام مجاهدین و صرف آنها به میل خویش داستان طولانی دیگری دارد.

● نقش ضد کمونیستی یزدی بویژه پس از تحولات درونی سازمان مجاهدین در سال ۵۴ و انشعاب عربیان ترکشت و او با با صلاح حمایت از "مجاهدین اصیل"، "منافقین" یعنی کمونیستها را می گوید حقایق پس از دوران قیام مبخوبی نشان داده است که این با صلاح حامی مجاهدین اصیل "تا چه حد به اندیشه انقلابی مجاهدین وفادار بوده است" یزدی از فردای قیام که دولت موقت قرار گرفت هرگز کینه نوری خود را بحکم موضع طبقاتی شیش علیه مجاهدین خلق نتوانست است لاپوشانی کند. "حما بیت" او در گذشته فرصت طلبانه و معامله گرایی نه بود و این را هم و وهم چمران و بسیاری دیگر بوضوح نشان داده اند.

● نشریه "پیا" مها همدرد "دکتر یزدی و شرکاء" در قبایل جنبش خلق فلسطین با حمایت بیدریغ از "حرکت المحرومین" موسی صدر نقش خائنه ای ایفا میکرد (برای نمونه به شماره تیر - مرداد - شهریور ۵۵ این نشریه مراجعه شود).

● یزدی تا او جگیری جنبش بوده ها در سالهای ۵۷ - ۵۶ بزندگی "ارام" به حرکت تابعیست آمریکا شایع مشغول بود. وی با اوج مبارزات توده ای برای پیا ده کردن نقشه های ضد انقلابی و خزیدن به "قدرت" به حرکت درآمد.

● دکتر یزدی در پیا نیز ۵۷، هنگام خروج آیت - الله خمینی از عراق و پس از مقدماتی شک برانگیز به عراق رفت و اولین قدم را برای طی "ردبان ترقی" برداشت.

● ابراهیم یزدی هنگام اقامت آیت الله خمینی در پاریس از مشاوران ایشان بسودودر اغلب مواجیه ها نقش مشاور (ظاهرا مترجم) را بازی میکرد. وی در بهمن ۵۷ با تفاق آیت الله به ایران بازگشت.

● با انتخاب مهدی بازرگان از سوی آیت الله خمینی به نخست وزیر، دکتر یزدی به "معاونت نخست وزیر در امور انقلاب" انتخاب شد و تمام

اسناد و اوک در اختیار وی قرار گرفت (اسنادی که هرگز فاش نشدند).

● در نخستین روزهای قیام، عسده ای از انقلابیون، "سفارت" امیریا لیسیم آمریکا را اشغال و "سولیوان" سفیر آمریکا را با سارت گرفتند. یزدی خاشی همرا ه سرهنگ توکل سی مزدور شتا یزده در آنجا حاضر شده و بسسه "داد" آمریکا شیان جا سوس رسیده و سفارت را با لیم په آنها بر کرد اندند و هم سوئی منافع خودشان را با امیریا لیسیم آمریکا در عمل به ثبوت رسانیدند.

● در اوائل بهمن ۵۷، از طرف دکتر یزدی و به دستور آیت الله خمینی هیئتی که شهیار روحانی (داماد یزدی و سردبیر سابق کیهان) و دکتر جلیل - ضرابی (از همداستان یزدی در آمریکا) و... در آن عضویت داشتند به سرپرستی سفارت ایران در آمریکا انتخاب شدند. آنها با سردمداری یزدی اسناد و روابط ایران و آمریکا را از آنجا خارج کردند ولی هرگز معلوم نشد که این اسناد به کجا رفتند.

اسناد جنبایات آمریکا در ایران و دیگر کشورهای منطقه که در سفارت ایران در اوائل شنگشت و نیز سفارت ایران در بیروت بود، همسه در اختیار یزدی بوده است. او در خدمت به آمریکا شیا و در خیانت به خلقهای ایران و منطقه ای - اسناد را پنهان یا معدوم کرده و یا بهتر بگوئیم به اربابانش زگردده است!

● پس از استعفا ی دکتر سنجابی از وزارت خارجه دکتر یزدی خاشی، بجای او منصوب شد تا بسسه خیانتها ییش در ایضا دگسترده تری ادا بدهد.

● دکتر یزدی بی اعتنا به شورا انقلابی مردم و پشتیبانی و همبستگی آنان با انقلاب خلقهای منطقه، خاشیانه از "یوسف العلوی" کفیل وزارت خارجه سلطان نشین عمان در تهران استقبال کرد (روزنامه های ۶ تیر ۵۸) و با ردیگر دشمنی اش را با انقلاب خلقهای منطقه و هم سوئی اش را با رژیم ارتجاعی و وابسته عمان نشان داد (پیکار شماره ۱۰ مورخه ۱۱ تیر ۵۸)

● یزدی خاشی برای آرایش چهره امیریا لیسیم آمریکا و تقویت "روابط ایران و آمریکا" و معرفی آندرویانگ بعنوان "دوست" خلق فلسطین این نماینده امیریا لیسیم آمریکا را به ایران دعوت کرد (کیهان ۳ شهریور ۵۸ و پیکار ۲۰ مورخه ۱۹ شهریور ۵۸).

● این لیبرال خاشی، هنگام تصدی وزارت امور خارجه در کنگرانس کشورهای با صلاح غیر متعهد در کوبا شرکت کرده و در باره زگشت طی توفیق در آمریکا با مقامات آمریکا شای ملاقات و قرار داد خرید ۲/۵ میلیارد دلار اسلحه از آمریکا را امضاء نمود.

● او که همواره با پشتیبانی آیت الله خمینی و با استفاده از توهم توده ها در مقابل افشاگری های انقلابیون و کمونیست ها با فحاشی و توطئه موقعیت خود را حفظ کرده بود پس از ملاقات با برژینسکی (مشاور ویژه کاتر) (که با تفسیق بازرگان در لجزیه صورت گرفت) مورد انتقاد

جناح رقیب قرار گرفت. (صدالیه "انتقاد" حزب جمهوری اسلامی از موضع ارتجاعی و در جهت تقویت مواضع خودش صورت میگرفت). وی و بازرگان در این ملاقات وعده های "شیرینی" برای امیریا لیسیم آمریکا داده بودند.

● پس از اشغال "سفارت" امیریا لیسیم آمریکا در آبان ۵۸ و تشدید جنگ قدرت بین لیبرالهای خاشی و "حزب" یزدی خاشی تلاش زیادی برای آزادی فوری ۵۲ گروگان آمریکا شای نمود ولی موفق نشد.

● با جریان اشغال سفارت "دولت موقت" بازرگان استعفا داد. اما دکتر یزدی فرصت دیگری برای ادا مخیانتها ییش پیدا کرد. در این مورد، خود این خاشی میگوید: "به خدمت اما رسیدم ایشان تا شهید کردند که من حتما مسئولیتی داشته باشم. و وزارت امور خارجه که بتوان وزیر چند ماهی در آنجا خدمت کردم مورد تا شیدا ییشان هست." (با مادام ۲۶ دی آبان ۵۸). دکتر یزدی از طرف آیت الله خمینی بعنوان نماینده ایشان در امور اسانتها انتخاب شد. اولین ما موریت وی در این مقام، سفر بسسه بلوچستان بود که با نظاهرات و اعتراض شدید مردم زاهدان مواجه گشت. (رجوع شود به مقاله "یزدی دزدی که" "مین قافله" میشود" - پیکار ۲۵ مورخه ۳ دی ۱۳۵۸).

● در انتخابات "مجلس شورای اسلامی"، یزدی خاشی بعنوان "نماینده تهران" سراز صندوق های رای "در آورد".

● از طرف آیت الله خمینی به سرپرستی روزنامه کیهان انتخاب شد و آن روزنامه به یکی از ارگانهای لیبرالهای خاشی تبدیل شد.

● در ادامه و تشدید جنگ قدرت در بلا آیت الله خمینی برای روزنامه کیهان فرد دیگری که از نزدیکان "حزب جمهوری اسلامی" است انتخاب بگرد. این خاشی همچنان مورد تا شیدا ییت خمینی است او با آیت الله خمینی ملاقات کرد. (میزان شنبه ۲۰ دیماه ۵۹).

آیا خلق قهرمان ما خیانتهای یزدی لیبرال، دوست و همدست امیریا لیسیم آمریکا را خواهد بخشید؟ طبیعی است که توده ها با انقلاب بیروز مندشان آنچنان تودهنی به لیبرالها و حزبیها خواهند زد و آنچنان درنی به دوستان نشان یعنی امیریا لیسیم خواهند داد که برای خلقهای دیگر نیز سر مشقی گردد.



بقیه از صفحه ۲۳ **چیانگ چینگ** ●●●

چیانگ چینگ میبهره سدرچا که از این مبارزه طبقاتی جاری وحشت دارد. او میداند عداوت یک ما رکسیست لنینیست ختم توده ها را سرا فروخته تر خواهد ساخت و آن ترابی با کانه ترسوی مبارزه انقلابی علیه بورژوازی حاکم سوق خواهد داد. تنگ از عداوت چیانگ چینگ وحشت در دچسون چیانگ چینگ سمبولی از مبارزه طبقاتی جاری در چین است.

۸ بهمن ۵۷

توده‌ها فریاد

می‌کشیدند:



### رهبران ما را مسلح کنید! اما رهبران صلاح نمیدانستند!

۲ سال پیش درچنین روزهای توده‌های زحمتکش و انقلابی خلقهای ما، درروند او جگربرنده مبارزات خویش تدارک قیام پرشکوه بهمن را می دیدند. بختیار مزدور، آخرین "نخست وزیر" شاه جلاد با مشت های آهنین زحمتکشان مواجه شده بود. بحران انقلابی جا معه هر لحظه اوج و شدت بیشتری می یافت. ارتش شاهنشاهی در مقابل استواری و پایداری توده های انقلابی به ستوه آمده بود. درچنین شرایطی بود که روز هشتم بهمن ماه ۵۷، زحمتکشان و جوانان انقلابی در تهران و... حماسه های پرشکوهی از عشق به رهائی زحمتکشان، خلق کردند و نمایش های شورانگیزی از کینه و نفرت طبقاتی به مزدوران امپریالیسم و ارتجاع داخلی بپا کردند. بختیار خاکن که "آزادخواه" نمائی های فریبکارانه اش نتوانسته بود کوچکترین خلی دراراده انقلابی مردم زحمتکش ایجاد نماید، چهره واقعی خود را نشان داده و با ارتش تاپه دندان مسلح و با گلوله های آمریکائی و اسرائیلی به سیل خروشان توده ها که فریاد آزادی سزاده بودند، بیورش برد. توده های انقلابی در مقابل شلیک بی امان مسلسل های ارتش آمریکا شایه با تکیه به تجربه یکساله مبارزه ورهنمودهای انقلابی، خواهان پاسخ انقلابی و قهرآمیز بودند. آنها در اطراف دانشگاه با خشم فریاد برآوردند که: "رهبران ما را مسلح کنید"، "گلوله، پاسخ گلوله" و... و... و... رفسنجانی اعتراف میکند که، پاسخ آن به اصطلاح رهبران این بوده است که: "الا صلاح نیست! درست است مسلح شدن توده ها به سلاح آمریکا و همداستان مرتجع اش نبود! چه شورانگیز بودتها جماعت انقلابی توده ها به مزدوران گسارد جاویدان و خلق سلاح مزدوران ارتش در میدان "انقلاب"! توده ها، امیدچندانی به "رهبران" نداشتند، خود در صدمه مسلح شدن برآمدند. آری درچنین لحظاتی نا رهبران سازشکار، بهیسی ها رفسنجانی ها، موسوی اردبیلی ها، بازرگانها... در توافق با خمینی با ژنرال هویز آمریکائی

بگفتگو نشست و با ارتشید قره باغی، بختیار و تیمسار مقدم مزدور راه سازش را می جستند. توده های انقلابی، در برابر ارتش مزدور شاه مهرمانانه جانفشانی میکردند، مسلسل مزدوران را بقیمت جان خود، از دستهای شبهکارآنان خارج میکردند، تیمسار "صدری" مزدور را با وجود محافظان نظامی مسلح اش، خلق سلاح کرده و مجازات انقلابی مینمودند... فریاد مسلح شدن بر- میا آوردند، ولی "رهبران" نردخیانت میباختند و تدارک سازش خائنه خود را می دیدند. در روزهای تاریخی بعد از ۸ بهمن نیز فریاد "رهبران، ما را مسلح کنید! توده ها، از جانب آنان بی پاسخ ماند و جز این نمیتوانست باشد. در فقدان سازمان انقلابی سرتاسری و آهنین زحمتکشان که مبارزه انقلابی توده های زحمتکش را رهبری کرده و به سرانجام پیروزی برساند، توده های انقلابی دست به ارتش انقلابی زده و در صدمه مسلح شدن برآمدند. آنان در اوج قیام حماسه آفرین بهمن نیز چشم دیدند که در برابر مارش انقلابی و پرشورانان بسمت سربازخانه های ارتش شاه و خلق سلاح آنان از ناحیه "رهبران" قریباً دسرداده میشد که: "ا مام حکم چها دنداده!" رژیم که رهبران اش به مذاکره با هویزها میبپرداختند تا مانع قیام توده ها گردند و قیام خونین توده ها و خون شهدا را با اعمال کرده و اکنون نیز به سرکوب و کشتار توده ها و بستن و نیست با امپریالیسم و با زسازی سرمایه داری وابسته مشغول است. بیپوده می کوشد خود را میراث دار شهیدان مبارزات توده ها بر علیه شاه جلوه دهد.

واکسون ادا مدهنده سنت انقلابی توده ها در ۸ بهمن و... توده های انقلابی خلق های ما هستند که در گردستان و... با مبارزه بر علیه حافظان جدید سیستم سرمایه داری وابسته، پرچم خونین مبارزات را در دست گرفته اند. یادقیرمانانی های توده های انقلابی را در ۸ بهمن ۱۳۵۷، با ادا مراه سرخ انقلاب گرامی می داریم.

بقیه از صفحه ۱۸! پاسخ...  
میگوید، یکی تحت رهبری پرولتاریا و دیگری تحت سیاست خرده بورژوازی و بورژوازی که البته بهترین راه، راه حل اول بود.  
تحولات روسیه چنین میشود که در انقلاب فوریه بورژوازی جانشین تزار میسرود. از این لحاظ انقلاب دمکراتیک تحقق میپذیرد. چنانچه تشریح تفاد یعنی تفاد بین زیربنای (طبقه مسلط اقتصاد) و روبینا (طبقه مسلط سیاسی) حل میشود. و درحقیقت با یک انقلاب سیاسی، تغییر ماهیت قدرت سیاسی... صورت میگیرد. لیکن وظایف دمکراتیک آن دست نخورده باقی میماند که پرولتاریا در طی انقلاب سوسیالیستی اکتبر و بعد از آن به حاصل این وظایف میپردازد.  
اما در عصر کنونی (امپریالیسم) در جوامع تحت سلطه، انقلاب صرفاً سیاسی معنی و مفهوم ندارد، چه جانشین قدرت سیاسی هیچ مسئله ای را به تنهایی حل نمیکند و آن جا معماران دو اردوگاه سرمایه جها بی باقی نگه میدارند. در این جوامع طبقه مسلط سیاسی و طبقه مسلط اقتصادی برهم منطبق بوده و مضمون اصلی انقلاب را اهداف دیگری تشکیل میدهد.  
در مورد آخرین نکته یعنی امکان گذار به انقلاب سوسیالیستی بدون عبور از مرحله دمکراتیک با یادگفت که بنظر ما اگر چه روند عمومی جا مع ما چنین راهی را بعید میسازد، اما غیر ممکن نیست و این امر نه فقط در جا مع ما، بلکه اصولاً در سراسر جوامع تحت سلطه نیز میتواند صادق باشد، یعنی مرحله دمکراتیک سپری گردد و با پیروزی انقلاب سوسیالیستی وظایف انقلاب دمکراتیک در دوره سوسیالیسم به انجام میرسد، اما نباید فراموش کرد که شرایط عینی و ذهنی لازم برای گذار به انقلاب سوسیالیستی، در جا معی که مسائل دمکراتیک در آن حل نگشته است، به سختی ممکن است فراهم آید و در واقع برای گذار به مرحله سوسیالیستی بطور عموم باید از مرحله دمکراتیک عبور نمود.

سایر رفقا شای که برایمان نامه فرستاده اند:  
رفیق س، الف شیراز - حمید - ط - ه، کافیروز - آبا دفارس، م - ط - ده - تل - رفیق مصطفی مشهد - غ، الف تبریز - ن، تبریز - ع، ال، تبریز - فواد - م - ر، تبریز - حبیب از تبریز - مهناز - نسرين - محلات جنوب تهران - ج - م - ع - س، ب - فیروز تبریز - رفیق از اهلواز - افسانه آبا دان - ع، بیشرگه - امیرا - ف - از معلمان تهران - هواداران - قم - یکی از مروجین دانشجویان و دانش آموزان پیکار - الف اچهرم - P تهران - م، کاهواز - احمد - الف دزفول - کمیته غرب تهران - م، ع: اهلواز - محسن بلوچستان - ف، مسراوان - آ، برورد - م، ب - ماردف دزفول - هسته "پاران حجت" اندیشک.



## هجوم و حشیا نه پاسداران به خوابگاه دختران دانشجو

پس از مدتها درگیری وزدو خوردبین اوباشان جمهوری اسلامی و دختران دانشجوی خوابگاه شماره ۳ واقع در ۱۶ آذر که توسط مردم حمایت میشدند و عدم موفقیت اوباشان برای بیرون راندن دختران دانشجو، روز جمعه بعد از ظهر اوباشان و پاسداران جمهوری اسلامی به خوابگاه دختران حمله کرده و بعد از مدت مدتی درگیری وزدو خورد و مجروح کردن دختران دانشجو، آنان را از خوابگاه بیرون کرده و مکان زندگی را نیز از آنان گرفتند؛ پاسداران مردمی را که از دختران دانشجو حمایت میکردند، دستگیر کرده و میکوشند با این اعمال مانع حمایت توده ها از دانشجویان شوند؛ زهی وقاحت ویی - شرمی! رژیم جمهوری اسلامی با این اعمال ضد انقلابی تنها ساعت مرگ خود را نزدیک میکند. رژیم جمهوری اسلامی با این بیانه که خوابگاه را به آوارگان جنگ اختلاس میدهد به آنجا حمله میکند ما این فریبی بیش نیست مردم زحمتکش میپرستند؛ اگر رژیم واقعا برای آوارگان دل میسوزاند چرا هتلها و ساختمانها را که ما ظل مانده اند برای سکونت به آنها نمیدهد؟ حمله به خوابگاهها توطئه ای دیگر برای سرکوب دانشجویان انقلابی و آواره و سرگردان نمودن آنها درخیا با آنهاست.

میلیون نفر از مردم مناطق جنگ زده آواره و گرسنه شده اند، دزدان و بوردور از چشم توده های گرسنه ۲۰۰ میلیون تومان از بیت المال مردم را به جیب امپریالیستها میریزد؛ دانشا: آقاسای رفسنجانی با این پول که از خون دل کارگران و زحمتکشان و از طریق استثمای آنها توسط سرمایه داران بدست آمده برای پاسداران اسلحه می خرد تا پاسداران در حفاظت از سرمایه داران مبارزات کارگران، زحمتکشان و خلقهای ستمدیده و نیروهای انقلابی بویژه کمونیستها را شدیدتر و مجهزتر از پیش سرکوب کنند.

حجت الاسلام رفسنجانی نیز همچون دیگر پاسداران جنا پیکارش، دستش بخون کارگران و زحمتکشان و انقلابیون آلوده است، این عنصر فریبکار که معمولا صحبت خود را با رنگ و لعاب عوام فریبانه و با جملات لفظی به امپریالیسم می آراید در عمل خائنه، با امپریالیستها عقداً متحد دوستی بسته و به سرکوب انقلاب و کمونیستها می پردازد. رفسنجانی از یاران آیت الله خمینی بوده و در زیر چتر حمایت او بر آریکه قدرت تکیه زده است و با جمع کردن مفت - خوران و عوام فریبان بدور خود در مجلس ارتجاعی به تحمیل مردم زحمتکش پرداخته و ضمن سرکوب انقلاب کارگران و توده های زحمتکش رابه تن دادن به استثمار سرمایه داران دعوت میکند.



عوام فریبانه از "سازنده امپریالیستی" دم میزنند، اما وقتی پای منافع طبقاتی در میان می آید دست نیا زوا نهادن سوسی امپریالیستها دراز میکنند تا بر علیه دشمنان شما راه یک و آغشی - ناپذیر سر ما بیداری یعنی کمونیستها را ستین متحد شوند. دعوت رفسنجانی از امپریالیستها چیزی را نشان نمیدهد جز حمایتی ناپسند و دارو دست حزبی اش از امپریالیستها و استثمای رگران وحشی اروپا در مقابل کمونیستها بگذریم؛ از اینکه عناصری مثل ایشان شوروی امپریالیستی را نیز جزو کمونیستها بحساب می آورند! (رجوع شود به افشاگری پیکار شماره ۶۹)

● شرکت فعال در بازسازی نظام منکبت سار سرمایه داری وابسته؛ او بعنوان یکی از مهره های اصلی رژیم جمهوری اسلامی چه در شورای - انقلاب چه وزارت کشور و چه در مجلس ارتجاعی فعالانه در بازسازی سرمایه داری وابسته شرکت کرده و هرگونه حرکت انقلابی برضد این سیستم را به همراه دیگر جناحهای رژیم سرکوب کرده است ● شرکت در تمام مخیانها و جناحیاتی که بهشتی و امثال او انجام داده است بطور مثال روشن است که ملاقات بهشتی و موسوی اردبیلی با جاسوسان امپریالیسم آمریکا (قبلا افشا شده است) هرگز بدون اطلاع آقای رفسنجانی نبوده است.

● رفسنجانی مژورانه دعا میکند که در نظام جمهوری اسلامی افزایش دولت با یکدیگر برآیند و در سفر به خارج نخست وزیر شدن رجائی را به رخ میکشد که از معلمی به نخست وزیر رسیده است ولی هیچ سخنی از بازسازی و قوم و قبیله پرستی رایج بهمان نمی آورد. هم اکنون آقا زاده ها، دامادها و برادرها و بانوان حضرات بصورت شخصیتهای معتبر جمهوری اسلامی درآمد و امتیازات با داده و البته "معجزه آسای انقلاب" استفاده میکنند. سند حقوق ۱۴ هزار تومان یکی از برادران رفسنجانی را که زفره ای قیام به او پرداخت شده ما در پیکار افشا کردیم. محمد هاشمی رفسنجانی برادر رئیس مجلس به معاونت وزارت کشاورزی و بعد بعنوان مشاور سیاسی نخست وزیر منصوب شده است.

این "خاصه خرجیها و پارتی بازیها" درست درحالی صورت میگیرد که کارگران انقلابی و دسته دسته از هواداران نیروهای کمونیست و انقلابی را از کارخانه ها، مدارس، دانشگاهها و ادارات دولتی بیرون میریزند ولی فرصت طلبان بوقلمون مفت، ساواکیهای دیروز و رویزیونیستهای خائن را با آغوش باز و البته زیر چتر حمایت یکی از "مکتبیها" می پذیرند

● ریختن ۲۰۰ میلیون تومان از دسترنج زحمتکشان به جیب امپریالیستها با بیت خریسد اسلحه برای سپاه پاسداران (سند این اقدام ضد خلقی رفسنجانی توسط سازمان ما افشا شد) آقای رفسنجانی اولاد در شرایطی که میلیونها نفر از مردم زحمتکش بیکار اما حتی نان خالی برای خوردن ندارند و در حالیکه بیش از ۱/۵

## رفسنجانی...

بقیه از صفحه ۱۹  
دموکراتیک فدا امپریالیستی مردم ما بوده ● - رئیس مجلس شورای اسلامی: آقاسای رفسنجانی ریاست مجلسی را بعهده دارند که مرکز تجمع عوام فریبان، مفتخوران، ساواکیها و سرمایه داران لیبرال و حزبی و ضد کمونیستهای مرتجع و سرکوبگران کمونیستها و انقلابیون در تمام شهرهای ایران میباشد. مجلسی که ساواکی و سرمایه دار بودن افرادی از آن همچون عسکر - اولادی و معین فرسا و آکی فخرالدین حجازی مجبزیگوی شاه، خلخاللی جلال، دیالمه چاقه دارو... بارها به اشکات رسیده و خلقهای زحمتکش از ماهیت آنها بخوبی اطلاع دارند، بنا بر این رفسنجانی کارگردان مجلسی است که توده ها را تحمیل کرده و به استثمای هر چه بیشتر میکشاند. ● - رفسنجانی از جمله کسانی است که در جریان قیام با تمام قوا تلاش کرد تا نیروهای سرکوبگر رژیم شاه را دست نخورده نگهدارد و خود اعتراف میکند که در برابرخواست توده ها که فریاد میزدند "رهبران ما را مصلح کنید" میگفته است "حاصلاً وقتش نیست" (!) و توده ها را از درمهم گفتن قدرت نظامی دشمن معافت نمیکرد است. رفسنجانی و دیگرها اصطلاح "رهبران" مسئول ضربات دردناکی هستند که در نتیجه دست نخورده ماندن ابزارهای سرکوب رژیم سرمایه داری وابسته بر پیکار انقلاب خلقهای ما وارد آمد. این موضعگیری رفسنجانی جزئی از برنامه وسیع سازشی است که بین جناحهای ارتجاعی داخلی از یکطرف و منافع امپریالیسم جهانی از سوی دیگر در جریان انتقال قدرت از رژیم شاهشن گذشته به رژیم کنونی صورت گرفت.

● دشمنی با کارگران و دهقانان و زحمتکشان بنا به ماهیت طبقاتی خود با تصویب لوایح و قوانین ضد کارگری و ضد دهقانی در مجلس: آقای رفسنجانی در مقام ریاست مجلس شورای اسلامی قوانین و لوایحی را که بر ضد کارگران و دهقانان و به نفع سرمایه داران و فئودالها میباشد از تصویب خود و همپالکیهای حزبی و لیبرال خود میگذراند.

● تلاش برای تأمین رفاه ساواکیها و آدمکشان و جلادان رژیم ضد خلقی شاه؛ حجت الاسلام رفسنجانی گفته است: "ساواکیها هم باید آسایش و رفاه داشته باشند. آنها همانسان هستند" (پاسخ به شتوندگا، را دیوبعداً ظهر ۲۲ تیر ۵۹) این جناب جلادان ساواکی را به چه مجوزی موردالطاف و محبت خود قرار داده است. آنهم در شرایطی که زحمتکشان ستمدیده ما خواهان مجازات و اعدام جانیان ساواکی و جلادان ارتش شاهنشاهی بوده و هستند؟

● دعوت از امپریالیستها ی غربی برای اتحاد در مقابل کمونیستها؛ رفسنجانی در ملاقات با سفیر ایالتلیا، بلژیک، هلند و ژاپن گفت: "امروز دول غرب در برابر کمونیسم احتیاج به اتحاد و همکاری دارند" (کیهان سه شنبه ۲۸ مرداد ۵۹) رفسنجانی و دارو دسته اش شب و روز

### کنفرانس ارتجاعی اسلامی واهداف آن

کنفرانس سران کشورهای اسلامی بزودی در مکه (عربستان) تشکیل میگردد و دستور کار این کنفرانس عبارت از بررسی تهاجم شوروی به افغانستان، برخورد به جنگ ایران و عراق، رسیدگی به مسئله اشغال سرزمینهای اعراب و... میباشد. اما پرواضح است که هدف قطعی این کنفرانس فراتر از موازات تعیین شده فوق میباشد.

درواقع برگزاری این کنفرانس تحت رهبری وهژمونی کشورهای مرتجع طرفدار امپریالیسم آمریکا هدف تحکیم نفوذ آمریکا و منفرد کردن امپریالیسم شوروی را تعقیب میکند. امپریالیسم آمریکا از طریق رژیمهای سرسپرده - ای چون عربستان و پاکستان... میکوشد تا کشورهای وابسته به امپریالیسم غرب را متحد - تر ساخته و کشورهای متمایل ویا نزدیک به شوروی را بسوی خود متمایل سازد. در دستور قرار دادین بررسی تجا و زوسوئال امپریالیسم به افغانستان، نقطه اتکای بسیار مهمی است که به آمریکا اجازه میدهد تا از طریق رژیمهای وابسته به خود سیاست خویش را در مقابل جوشی با شوروی پیاپی دهد. در واقع امپریالیسم آمریکا میکوشد تا شوروی را منفرده ساخته و محیطه عملگر دونفوذ خود را گسترده نماید. دورنمای رشد جنبش خلقها و رقابت هر چه افزونتر شوروی و آمریکا می طلبد تا هر یک از این دو قدرت امپریالیستی به وسیله امکانات خود بپردازند.

اگرچه اعضای این کنفرانس ۴۲ کشور اسلامی میباشد، اما در این کنفرانس اخیر مصر، لیبی، چاد و ایران شرکت میکنند. عضویت مصر پس از قرار داد صلح با رژیم میهنیستی در سال ۱۹۷۹ به حالت تعلیق در آمد. شرکت لیبی و چاد در این کنفرانس مواجهاست با اعتراض وسیع کشورهای شرکت کننده، چرا که اکثر آنان مخالف "اتحاد لیبی و چاد" میباشد و این "اتحاد" را بیفایده و سوسیال امپریالیسم اریایی می نامیند و به علاوه بایاد عدم شرکت ایران در کنفرانس یا دند نمود. اگر چه اکثر کشورهای شرکت کننده میکوشند تا از طریق طرح مسئله جنگ ایران و عراق و طرح راه حلهایی جهت خاتمه دادن به جنگ ایران را به کنفرانس بکشانند، اما ایران ورود خود به کنفرانس را موقوف به عدم حضور صدام حسین نموده است. البته در ایران لیبیها علیه غم حضور صدام خواهان شرکت میباشد، اما خمینی مخالف این شرکت است. البته خمینی و حزبیهها نیز متمایل به شرکت در این کنفرانس امپریالیسم آمریکا میباشند، اما نمیخواهند در شرایط فعلی که از نظر نظامی در موضع ضعف هستند در کنار صدام قرار گیرند. تحریم این کنفرانس از جانب ایران نه به لحاظ ماهیت ارتجاعی



کنفرانس میباشد، بلکه فقط بخاطر موقعیت کنونی ایران در جنگ با عراق است. بنا گفته نمائند که رژیم مرتجع سوریه که در کنفرانس قبلی شرکت نکرد این بار شرکت کرده است. شرکت سوریه در این کنفرانس آمریکا می یکبار دیگر ماهیت ارتجاعی رژیم سدر را برملا کرده و نشان میدهد که رژیم سوریه اگر در کنفرانس قبلی شرکت نکرد بخاطر ماهیت "مترقی" اش نبوده است. در ضمن سازمان آزادیبخش فلسطین نیز اما دگسی خود را جهت شرکت در این کنفرانس اعلام نموده است.

### چیانگ چینگ: سمبلی از مبارزه طبقاتی در چین



دادگا و رویزیونیستها ی ضدا نقلابی حاکم برجین مدتی است که به محاکمه چند تن از کمونیستها از جمله چیانگ چینگ نایان داده است. لیکن هنوز نتوانسته حکم قطعی را صادر نماید. این دادگا ها اگر چه برای رفیق چیانگ - چینگ تقاضای اعدام کرده است اما مرجعین کشتیفی چون تنگ سیا شوپینگ هنوز جزات آنرا پیدا نکرده اند که بر تقاضای اعدام کمونیستها مهترتا شیدبزند. تنگ از چه میبهره سده پس از سر - کار آمدن رویزیونیستها ی خائن در چین، اگر چه دولت بورژوازی جدید به سرکوب گسترده ای علیه کمونیستها و طبقه کارگر و توده های آگاه دست زده است، اگر چه رویزیونیستها ما رکیست - لنینیستها را از مرکز قدرت و از جمله از حزب اخراج نموده و به زندان انداخته و مورد شکنجه

روخی و جسمی قرار داده اند، اگر چه ضدا نقلابیون مرتد، کمونیستها را به محاکمه کشیده و منسوخ و قبیح ترین اتهامات مرتجعانه قرار داده اند، اما از اعدام کمونیستها وحشت دارند چرا که آنها میداندند توده های آگاه طرفدار کمونیستها میباشد. چرا که میداندند خون سرخ کمونیستها نفرت سنگینی را علیه رویزیونیستها در دل طبقه کارگر و سربازان پرتوده ها میافریزند. رویزیونیستها از اعدام کمونیستها می چون چیانگ چینگ که در دادگا هداورا نه ایستا دگی نمود و رژیم ارتجاعی حاکم را به محاکمه کشیده است، میبهره مند زینسترا میداندند که خون سرخ ما رکیست لنینیستهاست. جریان مبارزه طبقاتی را سیال تر و پرجوش تر می نماید.

از همان فردای کسب قدرت توسط رویزیونیستها ی خائن، مقاومت و مبارزه کمونیستها، کارگران انقلابی و توده های آگاه علیه دولتها ضدا نقلابی تنگ سیا شوپینگ شروع گردید. مبارزه طبقاتی حتی گاه در شکل مبارزه فیزیکی علیه دولت رویزیونیستی جریان پیدا کرد. اگر چه رویزیونیستها پیوسته مذبحها نه منسوخ کرده اند تا این مبارزه متوقف شده و یا لا فصل پوشیده بماند و تا شیری بر بخشهای وسیعتر از زحمتکشان نگذارد، اما علیرغم این تشویشها ضدا نقلابی مبارزه طبقاتی کارگر و توده های آگاه در اشکال گوناگون ادامه داشته و بیش از پیش توده وسیعتری را در بر میگردد. یک روزنامه رسمی چین بنام "آزادی شنگهای" اخیرا نوشته است: "در حال حاضر در شانگهای و دیگر مناطق کشور مسائلی رخ میدهد که قابل توجه است. بطور مثال عده ای سعی دارند مملکت را دچار هرج و مرج و بی نظمی کنند و از روشهای انقلاب فرهنگی برای تحریک و ایجاد مشکلات استفاده میکنند." این روزنامه همچنین می نویسد: "مردم بطرز قویانه ای به ساختن سبک اقسام کرده، اعلامیه های ضدا نقلابی علیه رهبری را بنام دیگران پخش میکنند و مشغول سازماندهی شبکه های سازمانهای غیر قانونی هستند." روزنامه های دیگری که در شانگهای شرقی چین منتشر میشوند اخبار مشابهی را پخش کرده و می نویسند: "تعدادی از این هرج و مرج طلبان به اینجا رسیده در بین مردم برداشته و اعلامیه ها و پوستره های مرتجعانه بین مردم پخش میکنند."

آری امروز در چین مبارزه طبقاتی ادامه دارد. کمونیستها و کارگران آگاه به افکندن رویزیونیستها برداشته، به بخش روزگاری شینا مه دست زده به سازماندهی توده ها اقدام نموده و در پی هر چه گسترده تر کردن صفوف مبارزه طبقاتی میباشد. آری در چین مبارزه طبقاتی نمرده است. اگر دیگتا تورق پرولتاریا سرنگون گردیده، اما مبارزه پرولتاریا و کمونیستها برای کسب دوباره قدرت ادامه دارد. کمونیستها همچنان بر طبق رزم مبارزه طبقاتی میکوبند. آری امروز تنگ سیا شوپینگ مرتجع از اعدام بنقشه در صفحه ۲۴

## کوس رسوائی حلجالی، در فضای جمهوری اسلامی بصدادرآمد!

نیروهای انقلابی و کمونیستی بارها چهره خلجالی، این "میر غضب و جلاد" رژیم کتونی را بارها افشا کرده اند و ما هیت ارتجاعی او را در پس توفا ن ادعاها و عربده‌های کلاه‌علیه خاشاک و رژیم گذشته و با مصلح در مبارزه با مواد مخدر بکار میبرند برای توده‌ها عیان ساخته‌اند اینک "شاه‌دی" نه زغیب، بلکه زردون خانه زردون رژیم و زردون دستگاہ آقای خلجالی رسیده است، او جگیری مبارزه توده‌ها در مفسوف این "دزدان دریایی" که انقلاب خلجالی ما را به ناگامی کشا نند در روز بروز بیشتر میشود و هر یک دیگری را رسوا تر میسازد.

شخصی بنا م علی‌کریمی، سرپرست سابق انتظامات زندان قصر که همگامه آقای خلجالی بوده و در جنايات او و شریک میباید ادعا او اختلاف پیدا کرده است که ما علت دقیق آنرا نمیدانیم ولی از نامه‌ی سرگشاده‌ای که همین شخص خطاب به آیت‌الله خمینی نوشته و اندکی از جنايات بسیار خلجالی (و در واقع رژیم جمهوری اسلامی) را برملا کرده است چنین بر میآید که آقای خلجالی علیرغم نماز آب کشیدن و چهره قاطعانه اش علیه ساواکیها و قاچاقچیان به چه جناياتی آلوده است، جناياتی که بارها مورد تأیید آیت‌الله خمینی قرار گرفته است، در نامه مزبور آمده است که:

۱- "خلجالی هیچگاه ما ز مضمین را "بطریق معقول و معمول" محاکمه نکرد و حتی گاهی در کوتاهترین مدت مثلا در مدت یک ساعت ۷۰ حکم صادر کرده است."

۲- "در کردستان دکتر رشوند سرداری با طر نمازاتی که به شخص آقای خلجالی گفت بدون هیچ مجوز و دلیل و مدرکی تیرباران شد."

در آن زمان چه دروغها که به نیروهای انقلابی و خلق دلاور گردن بستند و چه لاپلاطی که در جیبه این جنايات خلجالی (که جرئی از رژیم است) تنها فتنه‌اند خلجالی خون آتشا مبه سهولت آب خوردن دستور کشتار خلق کرد و خلق ترکمن و خلق عرب و کمونیستها و انقلابیون را صنادیر میکرد، خلجالی نه تنها "نور چشم ما" و "شاگرد قدیمی" او در قم، بلکه خود مجتهد بود و بر اساس ولایت فقیه حق دخل و تصرف در جان و مال مردم را داشت، خلجالی با استفاده از همین "حق" و "موقعیت" بود که فرمان اعدام رفقای ما اشرقی و نیک اندام را نیز در آغوا جاری صادر کرده بود.

۳- باغ جبهه نیایی در کرج در تیول آقای خلجالی و باندمر بوطه است، آنها در این باغ زندان داشتند و سلاحهای سنگین حتی سوپ دورزن را نیز در اختیار داشتند، آری میلیونها تومان از بیت المال عمومی در دست خلجالی است و هر طور که میلش تعلق گرفت آنرا خرج

میکند، او پس از عملیات تخریب احقاً نصد مقرر رضا شاه خاشاک ۳۵ میلیون تومان از پول مردم زحمتکش ما را صرف ساختن مستراح های عمومی در شهرری نمود این در حالی بود که بیش از ۳ میلیون بیکار و ۱/۵ میلیون آواره هموطن ما نان بخور و نمیر روزانه شان را ندارند، آقای خلجالی مثل پهلوان پنبه‌های قرون وسطی چه ادعاهای دروغی که نکرد، ادعاها شای که بعنوان مفتحکهای تاریخی دوران جمهوری اسلامی در ذهن مردم ستم‌دیده ما خواهد ماند، یکبار در خیال خود هلیکوپتر را به مکتب فرستاد تا شاه خاشاک را ترور کند و یکبار "فدائیان اسلام" اش را به تعقیب شاه و فرج میفرستاد و هر بار که دروغش آشکار میشد و قیامت از پیش ادعاهای خود را تکرار مینمود.

در مورد "مبارزه با مواد مخدر" در نامه‌ای که همدست سابق خلجالی به آیت‌الله خمینی نوشت چنین میخوانیم:

"در سال مبارزه با مواد مخدر، آقای خلجالی با تهیه طومارهای جعلی و سفارشی و تلفن‌ها و تلگرافهای آنجانی به دفتر امام و دفتر ریاست جمهوری تصدی این پست را بخود اختصاص داد و در این مرحله از اقدامات خود روی تمام مدروغویان عالم و جلادهای دنیا و جانیان معروف گذشته و رشوه‌گیرها را سفید کرد تا جاییکه لباس پاسداری بر تن نمود و به ملایرو همسدان رفت و در آنجا که حتی بقدریک بال مگس تریاک ویا هروئین کشف نکرد گروهی را به اعدام و زندان محکوم نمود که آنان افراد سابقه‌دار بوده‌اند، جالب آنکه از آنجا به من تلفن نمود که فلانی من سیمدکیلو هروئین تحویل تو دادم توهم آنرا را سوزانیدی! او بلافاصله در رساله‌های خبری بدروغ پخش نمود که سیمدکیلو هروئین توسط آقای خلجالی کشف شد."

۴- نویسنده‌ها مدعیان میگویند: "آقای خلجالی در بانک ملی شعبه دانشگاه پلیس جنب زندان قصر حسابی به شماره ۲۴۵۰ بنا نمود افتتاح کرده که متاسفانه معرف ایشان برای این حساب جاری خود اینجانب هستم. استعمال فرما شد چند میلیون پول به این حساب واریز شده و در چه مواردی مصرف شده است."

"خلافکارهایی آقای خلجالی را اگر بخوایم متهمین بنا م حد شرعی اذخارشوهای کلان بنا م معا دره اموال اعداها م آنجانی، سکونت در خانه ده میلیونی با آنها و سایر بديگران و همچنین استفاده خود و فامیل و دوستان از ماشینها - های چند میلیونی بیت المال و بکارگرفتن افراد معلوم الحالی چون ما شاء الله قصاص ب که ترورها شای بدست او انجام شده گوشه‌ای از

شاهکارهای این حاکم شرع است. در اینجا ما علی‌کریمی با این میگردیم. این از برکت اعلای انقلابی و او جگیری مبارزه توده‌هاست که دشمنان خلق دست یکدیگر را رومیکنند و جناياتشان را که در دادگاه خلجالی مسلماً مطرح خواهد شد از پره بیرون بیا نند، شخصیت‌های با مصلح انقلابی و ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی یکی پس از دیگری - و چه زود - ما هیتشان آشکار شده است. روز بروز توده‌های بیشتری می فهمند که اینها با این ما هیت ضد انقلابی و پلیدشان "حق" داشته اند که با کمونیستها و نیروهای انقلابی دشمن باشند و آنان را به جوخه اعدام میسازند. "حق" داشته‌اند که نماز بینه مجلس شورای اسلامی شوند و "حق" داشته‌اند که از طرف ریاست جمهوری بریاست سازمان با مصلح مبارزه با مواد مخدر منصوب شوند.

دشمنان خلق را در هر چهره مزورانه‌ای که خود بگیرند پیر حمانا قضا کنیم.

### آوارگان ماهشهر با مصادره انقلابی، خود را از بادوباران نجات دادند

براشربا زندگی شدید در ۲۶ آذر ماه، چادرهای آوارگان مستقر در تربیت بدنی ماهشهر را آب میگردید. مردم که از این وضع فجیع زندگی بشدت خشمگین و ناراحت بودند در حالیکه بر علیه آیت‌الله خمینی شعار دادند و "مرگ بر رفسنجانی" و... فریاد میزدند به فرماننداری رفتند، فرماندار سعی نمود آنها را به "جهااد" و "بیج" پاس دهد و دست بسر نما بد. جنگزدگان تصمیم میگیرند خودا قدا منما بندا و فرما نداری به مدرسه صدق رفته و علیرغم مقاومت مدیر مدرسه در تعدادی از کلاسها مستقر میشوند و سرپناهی موقتی برای خود تهیه میکنند.

مدیر مدرسه که در مقابل آوارگان عاجز شده بود تعدادی از دانش آموزان نا آگاه و فابلانرا بر علیه جنگزدگان تحریک میکند و آب برق مدرسه را بر روی آنها قطع میکند. آوارگان در مقابل این تشبیهات دست به تظاهرات زدند و فرما نندار در مقابل مبارزه آنها ن عقب نشینی کرده و اظها رمیدار دتا زمانیکه جاشی برای آوارگان پیدا نشود آنها بما نند و قول میدهد آب و برق مدرسه را وصل کند.

به این ترتیب زحمتکشان آواره توانستند با اتحاد و همبستگی و با عمل انقلابی خود مسئولان رژیم را وادار به عقب نشینی ساخته و موقتا مشکل مسکن خود را حل نمایند. با تخلیص از "فریاد آوارگان" ۱۱ - کمیته خوزستان



در اینجا ما آخرین قسمت از اطلاعیه وحدت  
رفقای پیکار خلق را درج مینماییم:



گفتیم که از یکسوی جنبش توده‌های مردم‌دگریار روبه‌رشد می‌رود و از سوی دیگر جنبش کمونیستی ما دچار ضعف و بحران است، لذا مقدس‌ترین و عاجزترین وظیفه در مقطع کنونی از بین بردن این دوگانگی میباید، با سخگوشی به نیازهای مبرم جنبش در حال اعتلا و نجات مظلومان و ستم‌دیده‌ها، ضرورت وحدت اصولی نیروهای راستین کمونیستی را بیش از پیش نشان میدهد امروز جنبش کمونیستی ما یک مرحله از حیثیات خود را پشت سر گذاشته و از دوران فعالیت گروهی و محفلی به دوران فعالیت و مبارزه بسری‌ای پی‌ریزی حزب کمونیست وارد شده است، امروزه وظایف پیش‌پای جنبش کمونیستی (اعمال آن وظایفی که جنبش توده‌ها آن را مطرح میسازند و با آن وظایفی که مربوط به درون جنبش کمونیستی میباید) آنچنان ابعاد گسترده و وسیعی بخود گرفته که دیگر فعالیت‌های خرد در محدوده محفلی و گروهی به هیچ روی متناسب با این وظایف گسترده نبوده و مهمترین وظیفه‌ای که پیش‌پای این نیروها قرار میگیرد، همانا خارج شدن از پوسته تنگ فعالیت گروهی میباید، زیرا مضمون اصلی این مرحله از رشد جنبش کمونیستی ما مبارزه در راه پی‌ریزی و تدارک فعالیت حزبی میباید. تضافاً به این وظایف گسترده پیش‌پای جنبش کمونیستی و پوسته تنگ فعالیت گروهی و محفلی عملاً موجب فرورفتن در خرده‌کاری، دنباله‌روی از جنبش توده‌ها، اگونومیسیم و تشتت سازمانی و عقب‌ماندگی میگردد، بنا بر این حرکت در جهت حل این تضاد در هر شکستن پوسته تنگ فعالیت‌های گروهی و محفلی از طریق تحقق امر وحدت با سایر نیروها برپا به یگانگی ایدئولوژیک سیاسی می‌بایست تا نخستین ما قرار می‌گیریم. بنا بر این ما بویژه تا کید دریم که دوران فعالیت - های پراکنده و تنگ محفلی و گروهی به پایان رسیده و درجا زدن در این چهارچوب عملاً به مفهوم در غلطیدن کامل به خرده‌کاری، عقب‌ماندگی و اگونومیسیم میباید. لذا دیگر نیروها محق نیستند که هر یک به تنهایی فقط وظایف گروهی و سازمانی خود را به پیش برده و بر این پراکندگی صحه گذارند.

بخشیم. ما لازم است تا کید مجدداً مینماید که مضمون اصلی این مرحله از رشد جنبش کمونیستی مبارزه در راه پی‌ریزی و تدارک فعالیت حزبی بوده و تنه‌ها زمانی میشوند و واقعاً نقش پیش‌گرا و اول را بازی کنیم که قادر گردیم فعالیت خود را در انطباق با این مضمون مرحله‌کنونی در آوریم و غیر از این دنباله‌رو خواهیم بود. تا کید زیرا در ضرورت وحدت هرگز بمعنای تن دادن به هر نوع وحدتی نیست، ما خواهان آن وحدتی هستیم که اساس آن قبل از هر چیز وحدت نظر بر روی مواضع اصلی جنبش که آن نیز از رستر یک مبارزه ایدئولوژیک سیاسی بیرون خواهد آمد، که مواضع اساسی وحدت را حل کرده و بیه مرحله بعدی یعنی وحدت تشکیلاتی منجر خواهد شد، میباید، این اساس رسیدن به وحدت تشکیلاتی از آن جهت وحدت نظر بر روی مبانی عقیدتی است، زیرا پراکندگی کنونی ناشی از عدم یکپارچگی ایدئولوژیک سیاسی میباید. بنا بر این هرگونه وحدت صوری و غیر اصولی نه تنها خدمتی به جنبش کمونیستی نمیکند بلکه آسیب نیز میرساند، بایستی با چنین متشکسل شدن‌هایی مانند "اول وحدت تشکیلاتی و سپس مبارزه ایدئولوژیک" و... مرزبندی نمود. همچنین نباید وحدت ایدئولوژیک سیاسی را مطلق کرده و وحدت تشکیلاتی را منوط به حل کلیه اختلافات ریز و جزئی نمود، ما میبایست بین دوشوع اختلاف نظر تفاوت قائل شویم: اختلاف بر سر مسائل کلی که اهمیت برنا مه‌ای داشته و هرگونه کار جدی مشترک عملی منوط به حل آن است، مثل اختلاف نظر بر سر ماهیت طبقاتی هیات حاکمه، دوستان و دشمنان انقلاب، مسئله ریزبونیسم و سوسیال امپریالیسم. نوع دوم اختلاف بر سر مسائل است که دارای اهمیت برنا مه‌ای و درجه اول نبوده و میتوانستند مبنای مبارزه ایدئولوژیک درون سازمان قرار گیرند. بنا بر این ما در اینجا با دو دیدگاه انحرافی در زمینه وحدت مرزبندی میکنیم: ۱- دیدگاهی که از اختلاف اصولی چشم‌پوشی کرده و ائتلاف ایدئولوژیک - سیاسی را جایگزین وحدت اصولی مینماید.

۲- دیدگاهی مطلق‌گرائی که وحدت را منوط به حل همه و هرگونه اختلاف نظر نموده و بدنبال وحدت ناب است. این دیدگاه ما را با ایده آلستی بوده و عملاً خود را بر واقعیت مبارزه طبقاتی منطبق نمی‌سازد. گفتیم که بایستی برای وحدت برنا مه نیز داشته باشیم، به نظر ما وحدت جنبش کمونیستی یک مسئله عمومی برای کلیه نیروهای م ل می‌باشد، اما در عین حال وحدت برای هر نیروی مشخصی یکسری ویژگیهای مشخصی را مطرح می‌سازد، هیچ نیروی بدون در نظر گرفتن ویژگیهای خود نمیتواند در مسیر عمومی قرار گیرد. برای وحدت همچنین بایستی معیار داشته باشیم تا مبارزه ایدئولوژیک سیاسی را حصول آن معیارها و مواضع به نجات رسانده و وحدت نظر پیدا کنیم، امروز بروشنی باید بر سراپین نکته تا کید نمود که مرکز ثقل مبارزه ایدئولوژیک مبارزه علیه ریزبونیسم در تمام عبادش می‌باشد، ما در نوشته‌های خود با رها مبنای وحدت و معیارهائی را که اصولی و پذیرفتنی آن را پیش شرط وحدت تشکیلاتی میدانیم، بیان کردیم، این مبنای و معیارها در قطعاً مه مشترک سازمان پیکار و گروه ما آمده و از تکرار آن در اینجا خودداری میکنیم. گروه ما از همان بدو پیدایش در طرح دیدگاه وحدت و چشم انداز آن بر اصول مارکسیسم-لنینیسم تکیه داشته است، ما همواره بر این اعتقاد راسخ بوده ایم که اولیکی از مهمترین عرصه‌های مبارزه در راه ایجاد دستان در هری کنشده بیرونی است - حزب کمونیست - مبارزه در راه تا مین وحدت بین نیروهای م - ل و تانسیا وحدت بین نیروهای م - ل تنها و تنها برپا به یگانگی در ایدئولوژی و سیاست میتوانند تا مین شود، گروه ما از همان زمان خارج از کشور با هرگونه دیدگاهی که ائتلاف ایدئولوژیک - سیاسی ویا همکاری و آکسیون مشترک را جانشین وحدت ایدئولوژیک سیاسی مینماید، مبارزه کرده است در آن زمان ما بطور جدی و تائیه‌ای نظرات اشتقاقی "اتحادیه کمونیستهای ایران" را افشا نمودیم و سپس در اردیبهشت ۵۸ مقاله مبسوطی در رد نظرات اشتقاقی و اگونومیسیتی "مبارزین" انتشار دادیم. گروه ما همواره بر این اصل مارکسیستی تا کید داشته است که مبارزه ایدئولوژیک خط سرخ اصلی مبارزه در جهت وحدت جنبش کمونیستی میباشد. اگر چه اساساً مواضع و بخش‌ها تیک‌گر و در برتوان دیدگاه مارکسیستی قرار داشته، اما ما در برخی موارد از این خط عمومی درست‌متحرک شده ایم، مثلاً ما در ماه‌های اولیه تشکیل کنفرانس وحدت از ریزبونی نادرستی از آن می‌

# پیش‌سوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی



میتوانیم، مبنی بر اینکه گویا کنفرانس وحدت میتواند نظرفی جهت وحدت جنبش کمونیستی باشد. این ارزیابی ناصواب از کنفرانس وحدت بیان تنزل دادن اهمیت و نقش مبارزه ایدئولوژیک در تجمع نیروهای مارکسیستی - لنینیستی و در روند وحدت میباید.

گروه ما توانست در برتوخط حاکم در گروه این موضع انحرافی را اصلاح کند و در کنفرانس دوم گروه (شهریور ۵۸) ارزیابی خود را چنین تصریح کند:

"... در مورد کنفرانس (منظور کنفرانس وحدت) شباهتی در جهت و روش گردیدیم که گویا کنفرانس با ترکیب کنونی و احیاناً اضافه شدن به آن میتواند به محلی برای وحدت تمامی آنها تبدیل گردد، با هم اکنون چنین محلی است، واقعیت این است که کنفرانس از تشکلاتی بسا مواضع متضاد و متکامل و وحدت آنها بدون حل آن اختلافات موجود نیست تشکیل گردیده است. (اسناد کنفرانس دوم)

بدین ترتیب ما با تاکید بر اهمیت و نقش مبارزه ایدئولوژیک نسبت به کنفرانس وحدت دیدار انتقادی داشتیم. در ارتباط با تجمع چند نیرو که بعداً با برخی تغییرات و پیوستن برخی نیروهای دیگر بدان "وحدت انقلابی..." را تشکیل دادند، گروه ما در یک موضع دوگانه قرار گرفت: از یکسو ما باید محل اختلافات عقیدتی، نظری و تحقق وحدت تشکلاتی برپا یه وحدت در آینده و سیاست که تجلی خود را در تدوین برنامه و تاکتیک واحد بازمیابد، و از سوی دیگر مجموعه و یا حداقل اکثریت نیروهای شرکت کننده در این "تشکلات دوران گذار" دارای دید و برنای متفاوت و وحدت تشکلاتی در ورا اختلافات عقیدتی - سیاسی بودند و در نتیجه طرحی که برای دوران گذار ارائه میدادند نیز ضمی نتوانست جدا از تفکرات اختلافی آنها باشد و ما بدون برخورد انتقادی به چنین طرحی عملاً در مقابل آن تمکین نمودیم. ما در تمام مدت زبانی که بحث بر سر تدوین برنامه مومنی در دستور کار بود، مجدداً نه در جهت صراحت کلام و بر سر مواضعی که دارای اهمیت برنای ما بود، نه در معیار وحدت محسوب میگردد، مبارزه نموده و آنجا که یگانگی تشکلاتی در ورا مبنای و معیارهای عقیدتی - سیاسی وحدت در دستور العمل قرار گرفت از آن مجموعه خارج شدیم. انتقاد درست در این نکته است که ما در عمل با حرکت مجموعه ای که با دیدار اختلاف مجتمعی شده اند صحه گذاشته و با این حرکت همراهی نمودیم، بجای اینکه دیدار اختلافی که نقشی رهبری کننده در این مجتمع دارد، را مورد انتقاد قرار دهیم، تمامی بایست و می توانستیم در قدم نخست دید و برنای ما اختلافی حاکم بر این مجمع را مورد انتقاد قرار میدادیم.

سومین اشتقادی که در زمینه وحدت به گروه ما وارد است همانا نشان دادن یک برنای دقیق و

فعالیت بر مبنای آن میباید. اصولاً گروه ما مدتی برنای روشن برای تحقق امر وحدت نداشت.

ما در عین اینکه دارای دیدگاه صحیح وحدت بودیم، اما بی برنای مکی و فقدان عمل نقشه مند ما الزاماً همان دیدگاه و اصول عقیدتی را نیز خدشه دار می نمود و گاه ما را به مواضع اختلافی نیز میکشاند. و مانع از حرکت و فعالیت مستمر و موثر در جهت وحدت اصولی میشد.

تنها از ردیبهشت آ سال بود که گروه ما توانست با یک ارزیابی نسبتاً دقیق از اوضاع عمومی جنبش توده ای و جنبش کمونیستی و وضعیت گروه، تزیه یا بی رسیدن دوران گروهی را با یه برنای مریزی برای تحقق وحدت قرار دهد.

همانطور که در پیش مشروحات توضیح دادیم، جنبش کمونیستی میهن ما در بر سه رده خود دوران فعالیت محفلی و گروهی را پشت سر گذاشته و فعالیت گروهی و محفلی دیگر به هیچ روی با سخکوی نیا زها و وظایف گسترده کنونی نیست. بر این پایه وحدت بود که مسئله وحدت برای گروه ما غیر از اینکه برپا یه معیار ایدئولوژیک - سیاسی قرار میگرفت، همچنین با فاکتور خارج شدن از محدوده فعالیت محفلی و گروهی مورد برنای مریزی قرار میگردد. بر این اساس بود که ما در برنای مریزی برای وحدت اساساً و در درجه اول با حرکت از تزیه یا بی رسیدن دوران فعالیت گروهی و محفلی به سه نیروی "رزمندگان آزادی طبقاتی" و "وحدت انقلابی..." "سا زمان پیکار..." میبایست تماس میگرفتیم پس از اولین تماس (که البته از مواضع رسمی و عمومی آنها نیز قابل درک بود) معلوم گردید که گروه ما با "سا زمان رزمندگان..." و "وحدت انقلابی..." بر روی مواضع برنای ما و معیارهای وحدت اختلاف اصولی دارند که بدون حل آنها وحدت اصولی ممکن نیست: "با رزمندگان عمدتاً بر سر مسئله سوسیال امپریالیسم شوروی که آن را معیار وحدت عقوبت میدادیم و همچنین مرحله انقلاب و حاکمیت خرده بورژوازی مرفه در دولت ویا "وحدت انقلابی عمدتاً بر سر همان دید اختلاف که منجر به شکل گیری این تشکلات شد و همچنین ناشی از آن اختلاف بر سر موضع در مقابل قدرت سیاسی حاکمه بعنوان حاکمیت ارتجاع و مسئله بورژوازی لیبرال.

اگرچه ما بر سر برخی مسائل با سا زمان پیکار دارای اختلافات سیاسی بودیم اما این اختلافات از درجه اهمیت به مراتب کمتری از اختلاف نظر بر سر ماهیت حاکمیت سیاسی و مسئله سوسیال امپریالیسم برخوردار بود. ما همچنین در برنای مریزی برای وحدت و مبارزه ایدئولوژیک در این زمینه بین دوشو اختلاف نظر تفاوت قابل هستیم. اول اختلاف ایدئولوژیک - سیاسی که دارای اهمیت برنای ما بوده و لذا توافق بر سر آن معیار وحدت اصولی محسوب میگردد. دوم آن دسته از اختلافاتی که میتوانند و

با ایدمبای مبارزه ایدئولوژیک درونی قرار گیرد، اما وجود آنها مانع وحدت نمیشد. وحدت ایدئولوژیک بمفهوم مطلق آن، یعنی بر روی کلیه مواضع و نظرات مطروحه در جنبش، چه آنها شیکه معیار بوده و چه آنها شیکه میتوانند پیرویه مبارزه آن در درون تشکلات ادا میباید، ایدئالیستی و چپ روانه بوده، در عین حال کم بها دادن بدان نیز راست روانه و بیانی دید اختلافی است.

گروه ما و سا زمان پیکار محدوداً شمای بحث و مبارزه ایدئولوژیک رفیقانه بر سر مسائل مورد اختلاف را به پیش برده اند. تا آنجا که یکن معیار مبارزه ایدئولوژیک مربوط به ما میشود نقش فعال و خلافتی را در توضیح و روشن شدن پاره ای از انحرافات درونی ما داشته است. مثلاً ما طی همین مبارزات و اساساً مبارزه ایدئولوژیک درونی بود که توانستیم مواضع انحرافی گروه در مورد مسئله دانشجویان مبارز و مسئله حقوق دمکراتیک نیروها در آکسیون مشترک و... را مورد انتقاد قرار ده و اصلاح نمائیم.

ما امروز در حالیکه با سا زمان پیکار وحدت می نمائیم، اما کاملاً واقفیم که بر روی برخی مسائل مثل ارزیابی از مقام خرده بورژوازی مرفه در پروسه انقلاب در این اختلاف نظر هستیم، ما منتقدیم خرده بورژوازی مرفه نیروشی است از لحاظ تاریخی بینا بینی که بین انقلاب و ضد انقلاب میخورد و ما لایحه بوجود آورد. این قشرا نظریاً یگانگه و میزبان نفوذ اقمادی بسیار ضعیف است. این قشرا نیز کسوما بورژوازی متوسط نزدیک است که موجب نزدیکی وی با دشمنان انقلاب میشود و از سوی دیگر پیوندی با اقمشار خرده بورژوازی دارد و دارای تضاد معینی بسا امپریالیسم میباید. این لایحه اجتماعیت بعطت ضعف اقمادی شدیدش، بعطت در مجموع خرده بورژوازی بودن و بطور خاص نزدیکی با بورژوازی متوسط کاملاً ناپیگیر و متزلزل میباید و همواره خطر آن موجود است که پی بورژوازی برود و به اردوگاه مشترک ضد انقلاب بپیوندد و اگر پرولتاریا در رأس انقلاب قرار نداشته باشد حتماً چنین خواهد شد و امروز خرده بورژوازی مرفه در اردوگاه دشمن قرار دارد. معذالک در تحت شرایط معین دیگری میتواند به اردوگاه انقلاب کشیده شود اما در همین حال ناپیگیری و تزلزلات شدیداً زخود نشان میدهد و تلاش دارد در صفوف انقلاب اغتشاش بپا کند. لذا بدون انفراد کامل ناپیگیری و سازشکاری وی، انقلاب نمیتواند به پیروزی برسد. از این نظر پرولتاریا باید در مقابل وی کاملاً هوشیار بوده و روشن دوگانه ای در مقابل آن پیش گیرد. در مرحله کنونی بدان برخورد دوگانه نمیشود، بلکه غرض در کل، مرحله استراتژیک انقلاب میباید.

انقلاب دمکراتیک - قدامپریالیستی این





## کمکهای مالی دریافت شده

شهران	۲۵۰۰
الف	۱۶۰۰
ب	۱۵۰۰
ج	۱۴۰۰
د	۱۳۰۰
هـ	۱۲۰۰
و	۱۱۰۰
ز	۱۰۰۰
ح	۹۰۰
ط	۸۰۰
ی	۷۰۰
ک	۶۰۰
خ	۵۰۰
پ	۴۰۰
ت	۳۰۰
ث	۲۰۰
ج	۱۰۰

شهران: ۲۵۰۰  
الف: ۱۶۰۰  
ب: ۱۵۰۰  
ج: ۱۴۰۰  
د: ۱۳۰۰  
هـ: ۱۲۰۰  
و: ۱۱۰۰  
ز: ۱۰۰۰  
ح: ۹۰۰  
ط: ۸۰۰  
ی: ۷۰۰  
ک: ۶۰۰  
خ: ۵۰۰  
پ: ۴۰۰  
ت: ۳۰۰  
ث: ۲۰۰  
ج: ۱۰۰

شهران: ۲۵۰۰  
الف: ۱۶۰۰  
ب: ۱۵۰۰  
ج: ۱۴۰۰  
د: ۱۳۰۰  
هـ: ۱۲۰۰  
و: ۱۱۰۰  
ز: ۱۰۰۰  
ح: ۹۰۰  
ط: ۸۰۰  
ی: ۷۰۰  
ک: ۶۰۰  
خ: ۵۰۰  
پ: ۴۰۰  
ت: ۳۰۰  
ث: ۲۰۰  
ج: ۱۰۰

شهران: ۲۵۰۰  
الف: ۱۶۰۰  
ب: ۱۵۰۰  
ج: ۱۴۰۰  
د: ۱۳۰۰  
هـ: ۱۲۰۰  
و: ۱۱۰۰  
ز: ۱۰۰۰  
ح: ۹۰۰  
ط: ۸۰۰  
ی: ۷۰۰  
ک: ۶۰۰  
خ: ۵۰۰  
پ: ۴۰۰  
ت: ۳۰۰  
ث: ۲۰۰  
ج: ۱۰۰

شهران: ۲۵۰۰  
الف: ۱۶۰۰  
ب: ۱۵۰۰  
ج: ۱۴۰۰  
د: ۱۳۰۰  
هـ: ۱۲۰۰  
و: ۱۱۰۰  
ز: ۱۰۰۰  
ح: ۹۰۰  
ط: ۸۰۰  
ی: ۷۰۰  
ک: ۶۰۰  
خ: ۵۰۰  
پ: ۴۰۰  
ت: ۳۰۰  
ث: ۲۰۰  
ج: ۱۰۰

قشر را از نظر اقتصادی نابود نمیکنند، بلکه آنرا محدود میسازد، بنابراین خرده بورژوازی مرفه از نظر استراتژیک نه جزء نیروهای اصلی انقلاب بوده و نه در مردمشما ن اصلی انقلاب محسوب میگردد، بلکه نقش کما ملاً بیینا بینی دارد.

ما امروز در حالی وحدت میکنیم که برخی از انتقادات ما در زمینه اعمال سکتا ریستیسی از زمان پیکار کما کما در بصورت خود باقی است، ما کما کما نسبت به برخی مواضع و نظرات "جزوا نخلال طلبی... انتقاد داشته و منقدیم که جزو مذبذوران در همین اینک از موضع درست و پرولتری در دینسا وی طلبی غیر واقعی و خرده

بورژوازی حرکت میکنند ما در راهیابی و پاسخ مشخص به وظایف عملی معین با طرح "ما مسل نیرو" دچار برخی مواضع سکتا ریستی شده که حقوق دمکراتیک نیروهای کوچک را نقض نموده و حقوق دمکراتیک نیروهای بزرگ را مطلق می نماید، این اعمال سکتا ریستی در مواردی مثل برخورد افغانالی به اکسیون مشترک در جریان انتخابات مجلس و یا اکسیون مشترک در اول ماه امسال بخوبی منعکس است، در عین اینکه اذعان داریم که ما در طرح برخی انتقادات در زمینه سکتا ریسم نسبت به سا زمان پیکار اصولاً با دیدگاهی که از موضع تساوی طلبی غیر واقعی و انخلال طلبانه به سا زمان پیکار برخوردار میگرد، هیچگونه مرز بندی نداشته و نتیجتاً خود در خدمتشان قرار داشتیم، ما همچنین در بررسی مواردی مثل مسئله دانشجویان مبارز، از یک دیدگاه کما ملاً اشتقاقی و در برخی موارد بطور کما ملاً غیر مسئولانه تنها با تکیه به اظهارات دیگران مثل انتخابات در مسجد سلیمان و کردستان

با زمان پیکار را مورد انتقاد قرار میدادیم، مگر معتقدیم که در وحدت اصولی با ایدم نکات مورد توافق و هم نکات مورد اختلاف دقیقاً روشن بوده و صریحاً اعلام کردد زیرا که بدون روشن نمودن این خط و مرزها، وحدت ما امر موهومی خواهد بود.

گروه انقلابیون ما رکیست - لنینیست "پیکار و خلسک"

### بقیه از صفحه ۱۲

### اقدامات

وزارت آموزش و پرورش تا پارک شهر، مسعود حمایت مردم قرار گرفت، و فرهنگیان مبارز نیز حین راهپیمایی به افشاگری نیز دست زدند، آنها پس از ورود به دهکده با استقبال گرم آوارگانی که در آنجا ساکن بودند قرار گرفتند، فرهنگیان مبارز در اتاقهای خالی دهکده ساکن شدند، در این هنگام مسرولکه ما موربسن وزارت کشور پیدا شده "از فرهنگیان بسیاری سکونت مجوزاً نوننی خواستند، اما با اعتراض و مقاومت متحدانه فرهنگیان مبارز قرار گرفتند و مجبور به عقب نشینی شدند، مبارزات فرهنگیان مبارز خوزستانی برای کسب سایر خواسته ها پیشان همچنان ادامه دارد.

## ملاحظات کوتاه

### دعوت مجانی!

اگر میخواهید رژیم جمهوری اسلامی را بدون ما شک کنید،  
اگر میخواهید زحمت افشاگری بنخودس دهیدو ایدئولوژی و سیاست و اخلاق و مایهت طبقا تسی رژیم جمهوری اسلامی را آنطور که هست ببینید،  
اگر میخواهید عمق وحشتناک عجز و در ماندگی و عقب ماندگی طبقا تسی این رژیم را با لسان نظا ره کنید،  
اگر میخواهید بوسیدگی این دیتوسوره های تاریخی را از نزدیک حن کنید و ببینید که چقدر "از تهی سرشارند"،  
اگر میخواهید کینه عمیق طبقا تارتجا عسی علیه کمونیستها و نیروهای انقلابی را بسنجید  
اگر میخواهید قله حماقت رژیم را ببینید که چگونه ریزیونیستها ی خروشچنی و سه جانی را در کنار نیروهای انقلابی و کمونیستی قرار می دهدهد و با آنها همه را در یک کیسه میریزد،  
اگر میخواهید ببینید رژیم جمهوری اسلامی و بیوزنه حزب حاکم در برابر جنبش خلق چگونه تا توان شده و مثل غریق به هرخس و خاشاکی چنگ میزند و چگونه دیوانه و اربه کمونیستها و نیرو های انقلابی تهمت میزند و فحش میدهد و سرخود را به دردیوار میکوبد،  
اگر میخواهید مفهوم گندیدگی ایدئولوژیک و طبقا تسی را بوضوح حن کنید...

صفحه "چپ اندچپ" روزنا جمهوری اسلامی را بخوانید! فقط توصیه میکنیم برای آنکه بوی گند ارتجاع مشامتان را کمتر بپازارد، جای بینی تان را با دستمال بگیرید! تنف از داختن استنشاقش اجازت!

### "اخلاق سگ!"

ریزیونیستهای حزب شده که مثل همبالکی های خود در دیگر کشورها کمر به خدمت خدا تقلا ب بسته و جز زربه زدن به جنبش انقلابی و کارگیری هدفی را تعقیب نمی کنند! اخلاق عجیبی دارند که شاید بید، اخلاق سگ بشون تشبیه کرد! حزب شده در برابر نیروهای انقلابی چه کمونیست و چه دمکرات، "ها راست، دندان میگیرد و میکوبد" مسموم خود را در پیکر جاسوسی پراکند، کسبه کمونیستهای راستین حمله میبرند و عمو میکنند ولی در برابر رضدا انقلاب حاکم پوز به خاک می ساید، با میدا استخوانی در یوزگی میکند و دم تکان میدهد... حزب شده بغا طرماً هیئت بورژوازی و ریزیونیستی، خود همیشه کاسه را غتر آتش بوده و کار تولیک ترا زها پ! در دوره قدیم بر اساس

### شوراهای مردمی خاری در چشم رژیم جمهوری اسلامی!

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی از همان آغاز حکومتش دشمنی خود را با "شورا" های واقعی نشان داده و سرکوب مبارزاتی که توسط این شوراها رهبری میشد و دستگیری عناصر مبارز آنها در دستور کارش بوده و میباشد. در میان نمونه های بسیار روستای "بلنت" ورامین میتوان نام برد.

مردم روستای "بلنت" ورامین بعد از سروری قیام و سرنگونی حکومت شاه جلاد با انتخاب پنج نفر از میان خود "شورائی" بنام "شورای وحدت" تشکیل دادند. کار این "شورا" انجام کارهای مورد نیاز مردم، تهیه خواربار و تقسیم آن و سایر مباحث زندگی مردم میباشد. توزیع دفترچه خواربار، تعمیر میدان اصلی ده، مسافرت به مراکز و ادارات، فصول بنام "میرحکمت" و درگیریهایی که در این رابطه با دادگاه انقلاب ایجاد می شد از کارهای دیگر این شورا است. اما رژیم جمهوری اسلامی که از انجام کارهای مردم بدست خود آنها همیشه بیمناک بوده و میساخته که این ده را هم زیر پوشش ارکان نیکیهای اربحی خود در آورد. سپس منظور چندی پس "دفتر تبلیغ معارف اسلامی" وابسته مدرسه "سید مطهری" دیگری در بلنت با زمینهای در تاریخ ۵۹/۱۰/۱۲ دوشنبه از کارمندان دفتر به همراه دو یار مبارز، جهت بخش دفترچه های "میر" "دفتر تبلیغ" و جمع آوری دفترچه های "شورای وحدت" به میان مردم می آیند، اما اعضای "شورا" به اتفاق مردم، توطئه آنها را خنثی می نمایند. آنها که از این حرکت نا امید شده بودند، با دستگیری کردن دوشنبه از اعضای شورا و بردن آنان به "سازمان عملیاتی بعثت" (۱) ما هست خود را بدست ما می گذارند.

اهالی ده برای آزاد نمودن نمایندگان خود، با جمعیتی در حدود ۵۰-۶۰ نفر، جلوی درب "سازمان بعثت" جمع میشوند. عوامل ستاد، از ترس اشغال دفتر بدست مردم، اعضای شورا را آزاد میکنند.

اهالی برای کوتاه کردن دست "دفتر تبلیغ" و "سازمان بعثت" از سر خود، پیش فرماندار میروند اما فرماندار با زدن مارک ضد انقلاب! به نمایندگان همدستی خود را با رانندگی می دهد. نمایندگان می گفتند اگر شما میخواهید دفترچه بدهید، به مناسقی بدهید که اصلاً دفترچه

(۱) - سازمان بعثت ستادی است که شما کمیته های منطقه شمال ورامین زیر نظر این ستاد اداره میکنید.

### اخبار مبارزات توده های

ندارند، اینجا که ما خودمان داده ایم". اما توطئه های "دفتر تبلیغ" بر علیه اعضای شورا و اهالی ده همچنان ادامه میدهند. در روز ۵۹/۱۰/۱۸ "بلنت" را در سید نفی خالی میکنند از طرف "سازمان درب" "سید" "تقل" شده و با ساداری را جهت محافظت! در آنجا می گذارند. زنان زحمتگش ده که می سید نفی تورا احتیاج جان بوسیله رژیم توفیق شده با مسورت و تصمیم شورا جمع شده و به شعبه نفی حمله میبرند و با یکسختی فقل آن شروع به یخس سید نفی هر خا نوا کرده و نافرادی آنروز ۱۸۰۰۰ لیتر نفت را این اهالی تقسیم می نمایند. و در حین تقسیم نمودن ما هیئت رژیم را برای دیگران افشای می نمایند. مبارزه مردم و نمایندگان شورا با توطئه های عاملین رژیم جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد.

مراسم جهلم شهدا دست شهیدان با نگوهر فراوان برکزار کرده.

در مقابل مبارزه و اعتراض خشم آلود مردم مقامات جمهوری اسلامی با توطئه و تهدید کوشش می نمایند که مردم شهرو و بیوز به زمانندگان شهدا را به سکوت وادار نمایند. ولی با جواب دندان شکن توده های زحمتگش مواجه میشوند. دادستانی "انقلاب" شورا را با احضار یکدیگر یکی از شهدا را و میبیزد که "فکر میکنی قاتل فرزندت کیست؟" وی با اشاره به رئیس با ساداران و معارف آموزش و پرورش (موسوی و انصاری مرتجع) میگوید "قاتل فرزند ما اینجا هستند" دادستان به یکر شهید را آوری میکند که "این حرف را نزنید برایتان بد میشود" پدر زحمتگش شهید میگوید "از این بدتر ممکن نیست، اگر من نتوانم، دیگران انتقام خون فرزند مرا خواهند گرفت"

### زناندارمهای شاه علیه انقلابیون

ناهوگ (سراوان - بلوچستان)

رژیم جمهوری اسلامی که از گسترش مبارزات روستاها وحشت دارد، زناندارمهای آریا مهری را در روستاها علیه انقلابیون و فعالیت آگاه هگرانه آنرا بیخ کرده است. زناندارمهای مزدور در روستای "ناهوگ" شبها به تعقیب رفقای هوادار سازمان بیکار می بردند و اعلامیه ها و بیوسترها و شعارهای آگاهی بخش سازمان را از دیوارها می کشند. این "زنان" سرگردانه که با بقیه "دخترانی" در سرکوب و جاسوز مردم زحمتگش روستاها دارند، انقلابیون را تهدید و تعقیب میکنند اما این تلاشها مانع از آن نخواهد شد که کمونیست ها حتی در دوران اقتدار ترسین روستاها و با وجود شرایط سخت از فعالیت آگاهانه گرانده و افشاگران را به زبانتند. آنها قاصدین رها می هستند.

### فرماندهان مزدور، از احساسات ضد امریکائی سربازان وحشت دارند

در نیمه های دیماه دانشجویان گروهان ۵، گردان ۲ با دگان فرج آبا دبرای نشان دادن احساسات ضد امریکائی خود، کاریکا توری از "عموم" و ژنرال هیک کشیده و به دیوار زدند. فرمانده گروهان به محض دیدن کاریکاتور فریا دبرمیا ورد که "دانشجویان حق مدخله در

### نورآباد ممسنی: مردم خواهان مجازات عاملین کشتار آذر میباشند!

مبارزه معلمین آگاه با پشتیبانی زحمتگشان ادامه دارد!

روز ۱۱ دیماه حدود ۱۵ نفر از مردم زحمتگش نورآباد با تجمع در یکی از مساجد شهر در مسعود واقع ماه گذشته شهر که منجر به شهادت ۵ معلم و زحمتگش انقلابی گردیده به گفتگو و تبادل نظر پرداختند. در این مدت نه تنها کوچکترین نرسب اندازی به خواستهای معلمین متعهد داده نشده است، بلکه قاتلین شهیدان نیز آزادانه میگردند (مردم شهر موسوی رئیس سبانه با ساداران و رئیس و معاون آموزش و پرورش را قاتلین فرزندان نشان میدهند) در این جلسه معلمین نورآباد با پشتیبانی مردم زحمتگش قطعنامه ای تهیه کردند. و خواستار اجرای مفاد آن تا ۲۲ دیماه گشتند. اگر دولت تا آن تاریخ به خواست آنان نرسب اثر ندهند، معلمین بطور دسته جمعی استعفا خواهند داد. در این قطعنامه دستگیری و محاکمه مسببین و عاملین کشتار ۸ آذر، آزادی دستگیرشدگان، بازگرداندن دانش آموزان اخراجی به مدارس، تأمین خواستهای فرهنگی معلمین و... قید شده است. همچنین در این اجتماع تصمیم گرفته شد که

### به استقبال جنبش اوجگیرنده توده ها باشیم

### اگر ریگی در کفستان نیست از چه وحشت دارید؟

دا دگانه انقلاب اسلامی ارتش طی بخشنامه - ای نسبت به افشاکری ها طی کهنیرو هسای کمونیستی و انقلابی علیه ارتش دست پرورده آمریکا، فرماندهان مزدوران و روابطی که ارتش جمهوری اسلامی با آمریکا دارا انجام داده اند با مطلع همداراده و برای نیروهای انقلابی درون ارتش که اینگونه اسناد را اختیار سازمانهای کمونیستی و انقلابی قرار میدهند خط و نشان کشیده است. افشاکری های ما و دیگر انقلابیون علیه فریدها، مدنی ها باقری ها، شاکرها، علوی مقدم ها و... همه دست بوده و خود رژیم مجبوره اعتراف به آنها شده است.

**رژیم افشاکری های ما را در قبال روابط**  
ارتش با امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی و فرا نسوی و خریدار سلاح و قطعات یدکی و مستشار - ان نظامی نمی تواندمتکرسود (پیکا ۸۷) و از توجیه این خیانتها پیش مردم عا جزا است. لذا تهدید میکند در با صلاح "پرسنل خاطی" را بسه "دادگاه انقلاب ارتش" خواله میدهد. اما پرسنل انقلابی درون ارتش، آنها که همبای توده های بیباخاسته خلق علیه رژیم و بسته به امپریالیسم شاه خاشن قیام کردند، آنها که سلاح را بسرووی فرماندهان سرسپرده ارتش کشیدند، آنها که از همانفران قهرمان آموخته اند که چگونه با یدبسه آرمانهای خلق وفا دار بود، آنها که از کشتار خلق کرد در سرباز می زندند، آنها که حاضر نیستند رژیم و ارتش آنرا ملی و غنیدامپریالیست بخوانند، آنها که جنگ بین دورژیم فدا خلقی ایران و عراق را بر ضرر توده های زحمتکش دوکشور می - دانند و حاضر نیستند همان جنایات تبعی ها در ایران را در عراق تکرار کنند، و سراجا مپرسنل انقلابی درون ارتش که در این نیا فده خلقی به فعالیت آگاه هگرا نه و انقلابی دست میزنند و نشریات کمونیستی و انقلابی را بین سربازان و درجه داران تکثیر و پخش میکنند و اسناد خفایانست

### ملاحظات کوتاه

بقیه از صفحه ۲۷ اخلاق...  
منافع ارباب خود، چنان فروش اسلحه شوروی به شاه را توجیه میکرد و چنان اصلاحات ارضی شاه را مترقیانه و انمود میکرد که خود رژیم شاه حسرت می خورد! اما بعضی اینکه رژیم شاه در نتیجه اوگیری مبارزات مردم متزلزل شد حزب توده مخالف خوانی را آغاز کرد، در دوره جمهوری اسلامی همتا وقتی با قدرتمندان طرف بوده در - یوزگی میکرد و بعضی اینکه صندلی فلان مسئول حکومتی شل میشده حزب توده بنای پارس کردن را میگذارد است. بر خود حزب توده به بازرگان بزدی، قطب زاده و... نمونه است. حالا همچنان در خط امام است که از خود ما هم بهتر راستی اگر از حزب توده بیبرسی نظرش در باره حرفهای که ما علیه شوروی می زند چیست جز این خواهد گفت که ما هم خط خود را تشخیص نمیدهد؟! حزب توده در برابر بردا انقلاب حاکم همیشه نقش گسادی سا مراه بازی کرده است که از هر در بیرونش کنی از در دیگری داخل میاید! اگر روزی مثلا خط امام حاکم نیا شد حزب چنان پشتکی میزند که شایسته شرکت در المپیک مسکو میشود تو گوئی از اول با خط امام "مخالف بوده است!"  
اینهمه در یوزگی در برابر بردا انقلاب حاکم از یکطرف و هاری در مقابل نیروهای انقلابی و کمونیستی از طرف دیگر را به چه چیز جز اخلاق بگ بسک پاسان بورژوازی، می توان تشبیه کرد!؟

های رژیم را آگاهانه و جسورانه در اختیار سازمانهای انقلابی می گذارند، از تهدیدهای "دادگاه اند ب ارتش" نمی ترسند، آنها بسه وظایف انقلابی خود در بالا بردن آگاهی سیاسی و انقلابی درون ارتش و در ایجاد دشواری های پرسنل انقلابی و فادار میباشند. اینک قسمتی از متن بخشنامه حجت - الاسلامی شهری رئیس "دادگاه انقلاب ارتش":

مسائل سیاسی را ندارند "و پس از توهین و تهدید دانشجویان فرمانده گردان را مطلع میکنند و کاپیکار را زدیوار میکنند، این عمل با اعتراض دانشجویان روبرو میشود و در نتیجه ۷ دانشجویان زداشت می شوند و موضوع با تهدید و ارباب دانشجویان پایان مییابد.  
آری فرماندهان ارتش "اسلام آورده شاه هنوز به ارباب خود وفا دارند و از دیدن حتی کاپیکار را میریالیسم آمریکا نیز وحشت ندارند، آنها نیک میداند که اگر احساسات فد امپریالیستی دانشجویان و سربازان را خفیه نکنند آتش بیباخ خواهد کرد که این مزدوران نیز در آن خواهند سوخت. اما این فرماندهان مزدور و غافلند که با سرکوب و تهدید نمیتوان احصای مبارزه جویانه توده ها را خاموش ساخت!

### مجاهدین مشاطه گری چهره لبرالها!

حداقل چیزی که در تفسیر خبر زیر میتوانی بگوئی این است که برای مجاهدین عیب است به مشاطه گری چهره لبرالها بپردازند. اینرا با هیچ ترازوی انقلابی نمی توان سنجیده و توجیه کرد گوش کنید:  
مجاهد ۱۵۵ در ادامه خبری مربوط به یکی از موارد شکنجه در هوا ز نوشته است:

"پس از آن علی (یکی از هواداران مجاهدین که در معرض شکنجه و ضربات شلاق شرعی حاکم شرع هوا ز قرار گرفته است) همراه سایرین به منزل آقای طاهری اما مجمعه هوا ز (در حالی که با مشا و رئیس جمهور در حال خروج بودند) می - روند علی در بیرون از خانه لباس خود را کنده و آثار شلاق را به آنها نشان میدهد. آنها از دیدن این صحنه به شدت ناراحت شده (عجب؟! اووی را به اتاق جنگ نزد آقای بنی صدر میبرد، علی ما چرا را برای رئیس جمهور شرح داده و آثار ضربات شلاق را نشان میدهد که آقای بنی صدر از شدت ناراحتی چندین بار با الله اکبر میگویند و خبرنگاران را دعوت میکنند که از پشت او عکس گرفته و در نشریات منعکس کنند."

مجاهدین چه میدی را می خواهند نسبت به بنی صدر در دل مردم ایجاد کنند، به کد م توهسم دیگر میخواهند من بزنند یا مثل توهمناسی که نسبت به "امام" دامن زدند با ید و سال بسا کمتر و بیشتر صبر کرد و توده ها و زحمتکشان با ید تا و نش را بپردازند تا رسما یا تلویحا پس گرفته شود؟ آیا بنی صدر که خیلی صریح پس از جنایت هولناک اعدام ۴ رهبر خلق ترکمن گفت "اگر من هم بودم در باره آنها همین رای را میدادم" حق دار دچهره از دیدخواهی و "فد شکنجه و ظلم" را بخود بگرد؟ و از آن بالاتر آیا مجاهدین حق دارند به تطهیر دستهای آلوده بنی صدر بپردازند ما میگوئیم هرگز! مجاهدین چنین حقسی را ندارند.

از: معاونت پرسنل نژاد (مدرسه ملی - قوانین)  
به: نیرو، نان، بیم (ز)  
موضوع: مپرسنل خاطی و فدا انقلاب و انقلاب ارتش  
بدین سبب در شماره ۸۱ - ۶۶ - ۴۰ - ۵۹/۲/۶۹ دادگاه انقلاب ارتش شماره ۸ - ۱ - ۶۰۰۰۰۱ - ۱/۲/۶۹ دانهم گردید مجبوره نشر لغرفتن خاد آن بشر زیر الان میگرد  
معاون پرسنل نژاد - سرعفتستان آذرشاهین  
لذا در همین بنکامین گوییم که اما عطف بر حانها و جرد پرسنل متعهد و مومن در نیروها را به جانی نخواهد برد لکن با توجیه به شواطع...  
باید اران و رسا در سازمانهای پانامی میباشند از آنجا که با ید ماده واحده مسه - برای انقلاب کلیه جرات نظامی در رابطه با انقلاب در صلاحیت دادگاه انقلاب ارتش جمهوری اسلامی ایران (و فدا در تهران چهارمصر) میباشد فرماندهان مسئولیت دارند در صورت وقوع خلفاتی از قبیل موارد نوز من جلوگیری از امکان مرآتیرا به دادگاه انقلاب ارتش گزارش پرسنل خاطی را به تهران مرکز تحب دهند.  
دادگاه انقلاب ارتش - جمهوری اسلامی ایران محمد ری شهری

# تظاهرات انقلابی هواداران سازمان در شهرهای مختلف

## آمل - راهپیمایی برای بازگشایی دانشگاه

هما هنگ با مبارزات سازمان برای بازگشایی دانشگاهها، روز ۲۳ دیماه راهپیمایی پرشوری از طرف سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار و دانشجویان و دانش آموزان هواداران زندگان در آمل برگزار شد.

در این راهپیمایی که حدود ۱۰۰۰ نفر شرکت داشتند با پلاکاردهای افشاگرانه و شعارهای انقلابی بر علیه هیات حاکمه و امپریالیسم و بر ضد انقلاب فرنگی، رجاع و خواست بازگشایی مجدد دانشگاه و پشتیبانی از خلق کمرد... توانست توجه وسیع توده ها را برانگیزد.

پلاکاردهای راهپیمایی عبارت بودند: "علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها"، "گرامی باد ۲۳ دی یادآور

دلوری زحمتکشان برای بازگشایی دانشگاه... و... تظاهرات کنندگان قریباً دویست نفر در دانشگاه توطئه ارتجاع، آزادی سیاسی خواسته توده ها، "بهشتی و بنی صدر در سرکوب خلق متحد و برادر"، "دانشگاهها این سنگر آزادی گشوده با یگردد" و...  
در حین راهپیمایی متنهای تبلیغی گوناگونی در رابطه با علت تعطیلی دانشگاه و ضرورت بازگشایی مجدد آن و جنبش خلق قهرمان کرد و... خوانده میشد.

استقبال توده ها برای خرید نشریات و گرفتن اعلامیه ها بسیار گرم و پشیمانی و حمایت مردم از مبارزات انقلابی برای بازگشایی مجسده دانشگاه میباید.

## مبارزات هواداران سازمان برای بازگشایی دانشگاه در مشهد

هما هنگ با فعالیتهای سرتاسری سازمان در جهت گشودن دانشگاه سنگرمبارزاتی همیشه مستحکم، رفقای ما در شهرهای مختلف برنامهمشکند، در افشاگرانه و تبلیغی در اعتراض به بنی صدر کشیده شدن دانشگاهها بر فراز آفتاب در مشهد نیز، در روزهای ۲۲، ۲۱ دی برنامهمتبلیغی همراه با بحثهای روشنگرانه در معامعمومی و پخش اعلامیه های در توضیح علت تعطیلی دانشگاه و لزوم مبارزه برای بازگشایی آن از طرف سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار - خراسان برگزار گردید. در روز ۲۲ دیماه تظاهراتی از میدان تقی آبا دادا دانشگاه پزشکی برگزار گردید که با استقبال توده های مردم روبرو گردید.

در کلیه این فعالیتها رویزیونیستهای خاشن توده ای و اکثریت "بنابا وظیفه ای که دارند به دفاع از بورژوازی و حمله به کمونیستها می پردازند که با افشاگریهای قاطع رفقای ما روبرو شده و نقاب از چهره شان بر گرفته میشود.

نیروهای کمونیستی دیگر، در این کارزار افشاگرانه و مبارزاتی تحرک چندانی نشان ندادند.



## تظاهرات و راهپیمایی رفقای هوادار در زاهدان

۲۳ دی امسال در حالیکه بیش از ۹ ماه از تعطیلی دانشگاه توسط رژیم جمهوری اسلامی میگذرد مبارزه نیروهای انقلابی توده های زحمتکش جهت بازگشایی دانشگاهها و جی دیگر بافت و در همین رابطه اعلامیه ها و تراکت های از طرف سازمان و رفقای هوادار در سطح منطقه پخش شد و همچنین تظاهراتی برگزار گردید.

روز پنجشنبه ۲۵ دیماه تظاهراتی از طرف سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در چهار راه رسولی زاهدان برگزار گردید. این تظاهرات قرار بود در روز ۲۳ دیماه برگزار شود که به علت توطئه های رژیم و احتمال سوءاستفاده از طرف ارتجاع محلی بویژه مولوی عبدالملک به روز پنجشنبه موکول گردید.

با ردیگر مهتران کید بزنند. این تظاهرات که بیش از یک ساعت طول کشید مورد استقبال زحمتکشان قرار گرفت مردم زحمتکش اعلامیه ها را با علاقه گرفته و در بار آنها بحث میکردند. چند نفر از دانشمندان تظاهرات را برهم زدند که در اثر برخورد اصولی مردم شکست خوردند.

رفقای با شعاری چون "علیه حزب جمهوری علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها"، "خوشن، لیبرالها، جمهوری اسلامی دشمن خلق بلوچ - زحمتکشان ایران حامی خلق بلوچ"، "دانشگاهها این سنگر آزادی، بهمت توده ها، گشوده با یگردد"، "زندانی مبارز بهمت توده ها آزادی یگردد" و... به فضای رژیم جمهوری اسلامی و هبستگی با خلقهای مبارز ایران پرداختند.

بمقتل با اختصار از زبرد بلوچ شما ره ۵۸۰  
نشریه تشکیلات بلوچستان

بقیه از صفحه ۸ کارخانه...  
دومین مسئله ضرورت افزایش آگاهی انقلابی و طبقه ای است. دشمنان در اینصورت است که خواهند توانست فرق بین دوستان و دشمنان طبقه کارگر را بشناسند. بخصوص که در شرایط کنونی جامعه ما دشمنان و خاشنین به طبقه کارگر در لباسهای مختلف و به اشکال مختلف (همچون عملکرد خاشن رویزیونیستهای اکثریت در کارخانه ها، مشغول تفاق افکنی در میان ما و منحرف کردن مبارزاتمان هستند. مسئله سوم این است که با پیدایش دشمنان طبقه کارگر (از رویزیونیستهای خاشن روسی و آمریکا) گرفته تا دارو دسته حزب جمهوری اسلامی و لیبرالها و نوکران امپریالیسم آمریکا نظیر بنی صدر و...، مرز بینندی بنماشیم. کارگران آگاهی و انقلابی و وظیفه دارند تا به فضای این خاشنین به خلق پرداخته و کارگران نا آگاه و متوهم نسبت به هر یک از این مرتجعین را از اشتباه خود خارج کرده و با حمله واقعیات را برایشان تشریح نمایند. مثلاً به کارگزارانی نظیر آن کارگر کارخانه با برکه رژیم چنان پیکار را خاشن را بهتر از رژیم ضد مردمی کنونی میدانست با بد توضیح داد:

همانطور که کارگزاران ما در اینجاست سرمایه داری برقرار است استعمار می شود و در فقر و تنگدستی زندگی میکند، سرمایه دار رژیم مدافعش هم وظیفه اشان استعمار کارگران و سرکوب مبارزانشان میباشد. حال هر لباسی که میپوشند تن میکنند، در اصل مطلب تاثیر نمیگذارد. بنابراین لازم است که هر چه آگاهانه تر میباید مبارزات خود را پیش ببریم!

## بقیه از صفحه ۲۲ با آزادی

مسئله مبارزه با امپریالیسم محلی میشود. اما چنین سخنان خاشاک نه‌ای جز فریب‌دهنده‌ها نیست چرا که تنها در یک مبارزه انقلابی امپریالیسم را میتوان افشا ساخت و قول و قرار گرفتن نه تنها چیزی را حل نمیکند، بلکه توده‌ها را میفریبند که گویا امپریالیسم قول و قرار سرش میشود، البته ما در اینجا نمیخواهیم در این رابطه سخن گوئیم، تنها به این اشاره میکنیم که آمریکا حتی این شرط مجلس را نیز نپذیرفت ولی گروگانها آزاد شدند، در قرا ردا میخواستیم:

"ایالات متحده آمریکا تعهد می نماید که سیاست ایالات متحده این است و از این پس این خواهد بود."

ما هم که در بیگانه همین را گفتیم، واقعا که تعهد آمریکا این بوده و خواهد بود! راستی جمهوری اسلامی میخواهد این اراجیف امپریالیستها توده‌های ما را بفریبند، آیا اگر امپریالیسم دیگر کشورها را زیرا نقیاد اقتصاد سیاسی و... در دنیا ورد، دیگر میتواند امپریالیستی وجود داشته باشد؟ و جالب اینجاست که رژیم جمهوری اسلامی همان اصول خاشاک مجلس را نیز اجرا نکرد.

ب- رژیم جمهوری اسلامی در طی ۱۴ ماه اخیر ادعا کرده که تا آخرین دینار را ممال شاه را از آمریکا نگیرد یعنی هم از آزادی جاسوسی در میان نخواهد بود. ما در همان هنگام گفتیم که این نمیتواند مبارزه ضد امپریالیستی باشد، چرا که تنها نیروی میثاقی میثاقی مبارزه علیه امپریالیسم کند که با پایگاه‌های خلیج سرمایه داری وابسته و ارتش و دولت حامی آن مبارزه نماید، اما جالب اینجاست که همین شعار هم که برای فریب توده‌ها مطرح میشد، اکنون کناری پرهاشده و نشوی در مصاحبه رادیو تلویزیونی اش در ۲۹ دیماه میگوید، ما سا پولی از شاه در آمریکا نمائنده که بگیریم و بدین ترتیب با زین گرفتن اموال شاه هم عملی نمیشود (و از ما هیت چنین رژیمی جز اینها انتظار نمیروند) جالب ۱۵ میلیارد دلار بعنوان اموال شاه از آمریکا مطالبه کرده بود و بیک کلام جمهوری اسلامی حداقل ۱۵ میلیارد دلار را به امپریالیسم آمریکا بخشیده است.

ج- رژیم جمهوری اسلامی که تمام ادعاهایش در مورد مبارزه جاسوسان، مبارزه با امپریالیسم، قطع روابط اقتصادی و... مبارزه با امپریالیسم، گرفتن اموال شاه را زیر پا نهاد تا به ما عمل با امپریالیسم برود و با وقاحت تنها ما ادعا میکنند که سپرده‌های ایران را که به یمن نامیمون رژیم جمهوری اسلامی بسیار بسیار "فدا میبرایست"! در ۱۵ ماه پس از قیام نیز در پانتهای آمریکا نگهداری میشد، با زین گرفته است! اما این دروغی بیش نیست طبق گفته‌های خود رژیم ۸۰ میلیارد دلار ۲/۲ میلیارد دلار، و در فقره زیر برده‌های پولی ایران

بود و حدود چهار میلیارد دلار که پولش برداخت شده بود، یعنی جمعا ۱۴ میلیارد دلار، شوی در مصاحبه ۲۹ دیماه آشکارا اعتراف کرد که ۲/۲ میلیارد دلار پول و چهار میلیارد دلار کالا فعلا نزد امپریالیسم آمریکا باقی میماند تا با حکمیت حل شود. (یعنی کشتن) سپس رژیم جمهوری اسلامی با بوق و کرنا اعلام کرد که ۸ میلیارد دلار به حساب ایران واریز شده است. اما خبری از نقل از کیهان ۱ بهمن رسوایان را رسوا تر میکند:

"تنها ۲/۸۸ میلیارد دلار به ایران تعلق گرفت که این مبلغ معادل تقریبا یک چهارم پولی بود که ایران ادعا میکرد در آمریکا متوقف شده است. بقیه تا ۸ میلیارد دلار بعنوان غرامت به کمپانیهای امپریالیستی پرداخت شده است به همانها که پس از گروگانگیری اعلام کردند تحریم اقتصادی به آنها ضرر زده و جمهوری اسلامی باید غرامت بپردازد از آن ۵/۵ میلیارد دلار ثروت ایران به یمن نامیمون رژیم فدا خلقی جمهوری اسلامی به شکم بانکهای خصوصی آمریکائی و نیزه ۳۰۰ شرکتی که ادعای خسارت کرده اند." (کیهان اول بهمن) سرازیر میشود. آیا رژیم جمهوری اسلامی پس از این خیانت آشکار و باج بزرگ امپریالیسم میتواند نشود ه هارا بفریبند، آیا از این غارت بزرگتر امپریالیسم بخواب هم میدید؟

آری رژیم جمهوری اسلامی واقعا با گروگانگیری امپریالیسم را بنام آورد آتیم نه با مبارزه علیه سرمایه داری وابسته و حکومت حامی آن، بلکه بیسنا پرداخت ۲۱ میلیارد دلار باج به امپریالیسم مرکوب انقلاب و کوشش روزافزون در بازسازی سرمایه داری وابسته

### سوم: الجزایر، دلال سیاسی

مسئله گروگانها، تنها مشت جمهوری اسلامی را با زین کرد، بلکه دولت سرمایه داری الجزایر را نیز که به سیستم جهانی سرمایه داری وابسته است، رسوا ساخت. الجزایر از هیچ کوششی برای ساخت و پاخت ایران و آمریکا و بسیاری ایجاد مقدمات وابسته تر کردن ایران به آمریکا دریغ نکرد. این اولین بار نبود که الجزایر دلالی میکرد، قبلا نیز او بین رژیمهای ارتجاعی شاه شاهان و صداحمین در ۱۹۷۵ همین نقش را بازی کرده بود، خلقهای قهرمان ایران و الجزایر توسطها ی تنگین دولت ارتجاعی الجزایر در دلایلش برای وابسته تر کردن ایران به آمریکا و نیز واسطگی میان شاه و مردم را نخواهند بخشید، از روی بی نیامیهای خاشاکش توده‌های وفدائی (اکثریت) که مداح بسیاری از رژیمهای سرمایه داری هستند، انتظار جز این نمیرود، اما سازمان مجاهدین خلق با یستی پاسخ دهد، چگونه چنین رژیم را انقلابی و مترقی میدانند، سازمان مجاهدین با یستی پاسخ دهد، نقش الجزایر در این دلالی سیاسی چه بوده و این نقش خاشاک نه چه ارتباطی بیسنا ما هیت سرمایه داری دولت الجزایر دارد؟

**چهارم: لیبرالها، از خوشحالی در پوست نمی‌کنند**

لیبرالها که از همان ابتدا خواهان آزادی فیزی گروگانها نبودند، اینک که جناح حزب با خفت و غوغای گروگانها را با پرداخت باج کلانی به امپریالیسم آزاد ساخته، سروصدا می‌کنند. شده است، لیبرالهای خاشاک جنبه ملی در شماره اخیر ورق باره پیام جنبه ملی سخن از "مبارزه علیه امپریالیسم" به میان آورده اند. راه حل‌های حزبیه برای آزادی گروگانها را با ضرر مردم میدانند، انقلاب اسلامی نیز در شماره اول بهمن خود ضمن چاپ مقاله لاسال گذشته بنی صدر اعلان میکنند که جناح حزب مسئله را از موضع ضعف حل کرده است، به یاد بده توده‌ها بگوئیم، لیبرالها دارند فیلمازی میکنند، آنها برای بدست آوردن موقعیتی بهتر در حکومت به فریبکاری توده‌ها می پرداختند و در حالیکه با طس آزادی گروگانها در پوست نمی‌کنند و در آزادی بهتر با امپریالیسم بسرمی‌برند، در تبلیغات خود، طوری وانمود میکنند که از حزبیه "فلسف امپریالیست" ترند و اگر حل مسئله گروگانها بعد از آنها بوده اند از حزبیه اینقدر "و انمی" دادند، اما توده‌های ما میدانند که حزب و لیبرالها هر دو بدترند و هیچیک بهتر از دیگری نیست

**پنجم: چگونه سازش تنگین رژیم را افشا کنیم**

در خاشاک بگوئیم که در تبلیغات خویشتن با یستی بفریبکاری رژیم، بر دروغها و وعده‌های بی‌بند توده‌ها داد تا مبارزه علیه امپریالیسم را منحرف کند و طبق ما هیچکس طبقا تیش به آن عمل تیز نکند، بزاهداف ضد انقلابیش در گروگانگیری و همینطور آزادی جاسوسان انگشت بگذارد، تبلیغ از این موضع که رژیم حتی قراهای مجلس را نیز اجرا نکرد و یا قولهایش را که به توده‌ها داد اجرا ساخت تنها با توضیح کامل علت گروگانگیری و ما هیت رژیم با یستی صورت گیرد، در غیر اینصورت تبلیغ جنبه فرمیستی میباید، اگر بگوئیم که مثلا اگر خواستهای مجلس اجرا میشد، آقا می بحق بود یا مثلا رژیم میبایستی گروگانها را محاکمه میکرد و... ما با یستی به توده‌ها توضیح دهیم که مبارزه علیه امپریالیسم به وسیله این رژیم ارتجاعی، بلکه تنها بوسیله دولتی انقلابی ممکن است و بدین ترتیب انتظار داشتن از چنین رژیم برای کوچکترین مبارزه ضد امپریالیستی در واقع چشم پوشیدن از امر انقلاب توده‌هاست، در بحثها، نظا هرات موضعی و... به یاد بده توده‌ها بگوئیم حزبیه چرا گروگانگیری کردند؟ لیبرالهای خاشاک سیاسی زانندان کردند؟ چرا این رژیم از گرفتن حتی اموال شاه و سپرده‌های ایران عاجز است و چرا برای سازش با امپریالیسم باج هنگفت چند میلیارد دلار می‌دهد و آزادی گروگانها چرا نتیجه محتوم سیاستهای فدا خلقی رژیم است؟ آزادی گروگانها بیش از پیش رژیم را نزد توده‌ها رسوا ساخته است، با تبلیغات وسیعتر و افشای هر چه بیشتر رژیم بگوئیم توده‌ها را بیشتر و بیشتر جذب انقلاب نمائیم.

## با آزادی جاسوسان آمریکائی: بازی تمام شد

**اول: حزب جمهوری یکد امیک از اهدافش در گروگانگیری رسیده؟**

سازمان ما، از زمان اوائل گروگانگیری (علیرغم شکست انحراف راست در روزهای اول) همواره اهداف فضا انقلابی رژیم جمهوری اسلامی از گروگانگیری را افشا ساخته است. ما از همان ابتدا کفتمیکه:

۱. وجگیری مبارزات بوده، مبارزات سراسری کارگران بیکار، جنبش مقاومت قهرمانان خلق کرد، جنبش دانش آموزی، زحمتکشان بی مسکن، صیادان آنزلی و... رژیم را به هراس افکنند.

حزب جمهوری اسلامی برای منحرف کردن مبارزه بوده، بر علیه سرمایه داری وابسته نقشه چید، اما این شما مدلیل نبود. حزب جمهوری اسلامی با لیبرالها و آمریکا علیرغم وحدتشان در مقابل انقلاب دارای اختلافاتی نیز بودند، (ایسین اختلاف چیزی جز دعوا میان دردها نبود) و از طرف دیگر وحدتشان جنبه غالب داشت، شدت مبارزه طبقاتی برای اختلافات آنها فرو بردیدین ترتیب حزب جمهوری برای یابین کشیدن لیبرالها از سرکردگی حکومت و به تبعیت خویش در آوردن آن در پی جا ره بود.

۲. افکار میگرد با اشغال لانه جاسوسی کاغذی اهداف خود را بر آورده میکند، یعنی بسا دادن شعارهای دروغین ضد امیریا لیستی، توده ها را می فریبند، انقلاب توده ها بویژه جنبش مقاومت خلق کرد را سرکوب میکنند و نیز قا در میباشود لیبرالها را از سرکردگی حاکمیت پائین بکشند به آمریکا که بیشتر از لیبرالها حمایت میکرد ضربت نشان دهد.

امروز حزب جمهوری اسلامی سرکردگی حاکمیت را بدست آورده و بدین ترتیب به یکی از خواسته های خود جا به عمل پویا نده است. همچنین حزب موفق شد، برای مدتی از کاهش توهم توده ها نسبت به خود جلوگیری کرده و از غلطیدن کامل بسه سراسیب انفرادی جلوگیری کند. اما وجگیری بیش از پیش از پیش انقلاب او را روز بروز سوا تر ساخته و اینک میسون گفت که بخش بسا عظیمی از توده ها دیگر کاملاً ما هیت ارتجاعی حزب جمهوری اسلامی را دریا فضا ندویمبارت دیگر هر چند حزب در کوتاه مدت توانست توده های وسیعی را با واقع سفارت بسوی خویش بکشند و از دامنه گرفتن بیشتر و بیشتر مواج اعتلا تا حدودی

## یادداشت های سیاسی هفتگی

خلو کرد، اما در مدتی به خندان در آورده ها دستان آلوده به خون را در سرکوب مسار را با کارگران و زحمتکشان خلق کرد، سرکشان، دانشجویان انقلابی و کمونس، همدست با لیبرالها و در جهت منافع امیریا لیسم دیدند و در پس دروغهای رژیم چهره کربه نیروی حافظ منافع امیریا لیسم را مانده کردند. بدین ترتیب هر چند حزب توانست خود را بحریسین لیبرالها ی خاشن بسنا به سر کرده حاکمیت کرده، اما آنطور که خود می بداند، گروگانگیری به کشیدن توده های وسیع برای مدتی در ارسوی حزب و خفه کردن انقلاب منجر نگردد و آنش انقلاب از زیر خاکسترهای سرکوب، گشتسار، خفقان، دروغ و تزویر لیبرالها و حزبهای خاشن زبا نه کشیده و میگذد، بدین ترتیب حزبها نیز برای مقابله با آتش انقلاب بانک را دحلی را که لیبرالها از پیش اراشه میدادند پذیرفتند. حزبها که می بنداشند با اقرایش توهم توده ها بهتر میشود سرمایه داری وابسته را با زسازی کرد بانک می بدیر فتنده و خود گروگانها کسه موجب تیره شدن روابط امیریا لیسم با ایران گردیده (هر چند که امیریا لیسم همچنان مجاز بوده از طریق سرمایه های وابسته کارگران و زحمتکشان ما را غارت کند) و تحریم اقتصادی و... را بدنیال داشته، بفرز تحکیم و تنمیت رژیم سرمایه داری وابسته به امیریا لیسم میگردد. از اینرو تصمیم به آزادی گروگانها گرفتند، بانک سر کرده جدید حاکمیت نیا زداشت روابط خود را با امیریا لیسم عادی سازد و از برخی محالفتیهای خود با آمریکا بکاهد، چرا که صنایع وابسته و تانین اسلحه به

جنبش روابی و تحکیم سرمایه داری وابسته و غارت زحمتکشان احتیاج داشت.

حسین بود که جمهوری اسلامی به خفت بار - ترین اقدامات تن داد، تا سازش خاشنا شه ای را برای وابستگی بیشتر به امیریا لیسم تدارک ببیند.

**دوم: باج ۲۱ میلیارد دلاری جمهوری اسلامی به امیریا لیسم آمریکا**

درواقع، در کتار اختلافاتی که بر سر سرکوب (جماق، بوجاق و تان شیرینی) و بر سر شیوه بازی سرمایه داری وابسته میان حزب ولیرالها و آمریکا یعنی میان دشمنان توده ها وجود داشت، مسئله اصلی که همواره چه در گروگانگیری و چه در آزاد کردن گروگانها بسنوا ن قانون اصلی مشخص میشود، ضدیت حاکمان قدرت با انقلاب است. در آزاد کردن گروگانگیری این مسئله بصورت منحرف کردن مبارزات توده ها بر علیه سرمایه داری وابسته، ارتش و دولت حامی منافع امیریا لیسم و فریب توده ها جلوه کرد. در حالیکه بانک این مسئله بصورت سازشی ننکین با امیریا لیسم برای خرید سلاح از امیریا لیسم (برای کشتار زحمتکشان، خلق کرد و انقلابیون و نیز زمیندن سرآتش جنگ غیر - عادلانه کتونی) و نیز گسترش روابط استعمار - کرانه اقتصادی برای برآه انداختن صنایع وابسته و تحکیم سرمایه داری وابسته انجام میکرد. و در این راه حتی باجی گران نیز به امیریا لیسم بسنوا ن مقدمه ای برای وابستگی بیشتر به امیریا لیسم و سازشی ننکین برداخت میشود.

آمریکا که زما هیت طبقاتی رژیم جمهوری اسلامی اطلاع داشت و حفظ و حراست منافعش را در ایران (سرمایه ها و صنایع وابسته) بدست حزبها و لیبرالها مٹا هده میکرد، میدانست که جمهوری اسلامی برای سوسا مان دادن بسه سرمایه داری وابسته به هر غفشی تن میدهند و بدین ترتیب شرایطی را بر رژیم جمهوری اسلامی تحمیل کرده که بسا رنکین تر و خفت بار تر ساز شرایط مجلس شورای اسلامی بود ما قبلا در مورد "هایوی بسا بر سر هیچ" بودن خواسته های حقیر مجلس شورا برای سازش با امیریا لیسم سخن گفته ایم (بیکار ۸۵)، بانک نشان میدهم که چگونه در سایشی بزرگ جمهوری اسلامی باجی بزرگ به امیریا لیسم میبیرد از دخیانتی بزرگ و تاریخی را بنا خود به ثبت میرساند.

الف - در افشای خواسته های حقیر مجلس شورا کفتمیکه درخواست از آمریکا که قول و قرار بدهد که در ایران دیگر دخالت نمیکند، چیزی جز خاک یابیندن به چشم توده ها نیست، چرا که بدین ترتیب به توده ها گفته میشود با قول گرفتن از امیریا لیسم بقیه در صفحه ۳۱

### قابل توجه نشریات محلی سازمان

فعال در نشریه بیکار، ارکان مرکزی سازمان، برخی افشاگریها و مطالب مهم و حاسن تبلیسی را با ۳ ستاره مشخص میکنیم تا مجدداً بوسیله رفقا در سراسر کشور بگنیر گردد. نشریات محلی کمتر از آنها را منعکس میکنند. از رفقای مسئول نشریات محلی میخواهیم که در تکمیل مطالب ستاره - دار حتماً اقدام کنند.

# مبارزه با امیریا لیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست